

علوم را بزبان فارسی درس بدهند تا در آتیه ما کتاب درسی علمی واصطلاحات علمی و فنی و زبان فارسی داشته باشیم.

بعضی از نمایندگان - صحیح است احسنت.

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقای شیخ محمد علی طهرانی - بواسطه خاطر ترمض از کنفرانس نقط مجلس مقدس را متذکر می کنم بیک ماده قانونی که از مجلس چهارم گذشته است البته همه آقایان می دانند که یکی از ارکان قوی آزادی مشروطیت اصول قضائی و عدلیه است و رایبجهت هرفردی که وارد در عدلیه میشود علاوه بر معلوماتی که در سایر ادارات لازم دارند باید بیک تخصص قضائی هم داشته باشد و بهمین جهت اشخاصی که وارد عدلیه میشوند باید با یاد امتحان بدهند و یا باید تصدیق نامه از مدرسه حقوق داشته باشند.

از دوره چهارم یک ماده از مواد اصول معاکات حقوقی در مجلس تفسیر شده به این مضمون که:

مقصود از تفرقه چهار از ماده صدرجهل و هفت راجع ب مدرسه حقوق این است که فارغ التحصیل های مدرسه حقوقی که هر گرام آن پس از طی مدارج معینه و رسیدن بتصویب مجلس اجرا خواهد گردید از دادن امتحان معاف خواهند بود.

تقریباً امسال درازده هزار تومان خرج مدرسه حقوق شده و سال آتیه هم بیست هزار تومان خواهد بود و چون این ماده در مجلس تفسیر شده که باید هر گرام مدرسه حقوق از مجلس بگذرد و اشخاصی که در آن مدرسه تحصیل می کنند مدت تحصیلاتشان هم سه سال است.

آن تصدیقی که میگیرند چون هر گرام آن از مجلس نگذشته رسمیت ندارد لهذا تقاضا میکنم از مقام منبع مجلس و از مقام منبع ریاست که احتیاط فرمایند بوزیر علوم که هر گرام مدرسه حقوق را زودتر بمجلس بیاورند که هم از نظر مجلس بگذرد و هم خرج بیهوده نشده باشد و هم مراشعاش معصیل کنند بیهوده تلف نشده باشد.

جمعی از نمایندگان - وارد و دور شویم.

رئیس - وارد دستور بشویم ؟

بعضی از نمایندگان - بلی

رئیس - لایحه دیون دولتی که تکلیفش را چند روز قبل معین فرمودید معلوم نشد بکدام کمیسیون باید مراجعه شود بکمیسیون قوانین مالبه یا بکمیسیون دیگر.

آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده پیش نهاد

کردم که هم بکمیسیون قوانین مالبه و هم بکمیسیون بودجه برود چون بهر دو کمیسیون مناسبت دارد.

رئیس - ماده بندیش را که کمیسیون بودجه نمیتواند بکنند بطور کلی می شود مراجعه کرد بکمیسیون بودجه برای تصویب خرج.

ولی ماده بندی آن مراجعه میشود به کمیسیون قوانین مالبه.

(بعضی از نمایندگان - صحیح است)

قانون سجد احوال از ماده سوم مطرح است قرائت میشود.

اینطور قرائت شد:

ماده سوم - هر گاه اظهار کنندگان سواد نداشته باشند مأمور سجد احوال اظهارات آنها را حضور دو نفر از معتمدین محل نوشتند بجهت برسانند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده موافقم.

رئیس - مخالفتی ندارد ؟

عدهای از نمایندگان - خیر.

رئیس - پیشنهاد آقای سلطان العلماء قرائت میشود.

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده سوم جمله (با حضور دو نفر از معتمدین محل) حذف شود.

سلطان العلماء - مأمور سجد احوال مکلف است که اظهارات اظهار کنندگان را گنجا بنویسد لیکن حضور دو نفر از معتمدین محل از روی ندارد و بیک تکلیف شاقی است بر آنها.

ما فقط میخواهیم اظهارات آنها را بنویسد حالا اگر لازم است بیک همچو عبارتی باشد خوب است ذکر شود که اگر مأمور سجد احوال خواست و دو نفر حاضر بودند در حضور آنها بنویسد ولی این بیک تکلیفی باشد بر آنها و آنها را مجبور کنند بنده عقیده ندارم.

آقای میرزا شهاب الدین مخبر کمیسیون داخلی - اگر آقا نهایت در وقت سجد احوال در نظر گرفته بودند اعتراض نمیفرمودند که دو نفر معتمدین محل برای چیست.

بعد از آنکه ورقه هویت باشعاش داده شد آنوقت تمام افراد بواسطه همین ورقه هویت شناخته میشوند و اگر این قید در ماده نباشد ممکن است بکنند خودش را بدو فرود در اداره سجد احوال مرفعی نماید که من فلان پسر فلان هستم و بیک ورقه هویت هم بگیرد و پس از چند سال که آن آدم مرد بیاید و مدعی بشود که بموجب این ورقه هویت من پسر فلانی هستم و ادعائی بکنند بنا بر این لازم است که دو نفر از معتمدین محل بهویت این شخص شهادت بدهند منتهی این جا تکلیفی بر معتمدین محل نیست که مسئولیت

داشته باشد و در هر صورت این عبارت لازم است.

رئیس - آقایان بیکه پیشنهاد آقای سلطان العلماء را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد.

پیشنهاد آقای دامغانی (بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم بعد از معتمدین محل نوشته شود که معتمدین اظهار کننده باشد.

شریحته مدار دامغانی - بنده بیکس اظهارات آقای سلطان العلماء معتمد محلاوه بر اینکه این دو نفر باید از معتمدین محل باشند باید طرف اعتماد اظهار کنند هم باشند و او را انتخاب کرده باشد و طرف اعتمادش باشد.

مخبر - باید از معتمدین محل شناخته شود خواه معتمدان شخص باشد خواه معتمد اداره سجد احوال در هر صورت باید معلوم باشد که در آن محل جزو معتمدین هستند.

دامغانی - بنده مسترد میبارم.

رئیس - رای میکنیم بنده سوم آقایان بیکه ماده سوم را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

ماده چهارم (بشرح آبی قرائت گردید)

ماده چهارم - هر رئیس خانواده باید برای خانواده خود اسم مخصوصی انتخاب کند که تمام افراد خانواده بآن اسم نامیده شود بنا بر این هر کس دارای اسمی خواهد بود هر کس از نام خانواده و نام شخصی مثلا اسکندر ابراهیم بر فرزندش اسکندر نام شخصی و ابراهیم نام خانواده او باشد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده فلسفه این ماده را نفهمیدم خواستم آقای مخبر توضیح و فلسفه این ماده را ذکر فرمایند در واقع ما اینجا بیک تکلیفی برای مردم معین می کنیم و بنویسیم هر رئیس خانواده برای خانواده خود اسم مخصوصی انتخاب کنند.

ما ورقه هویت را می خواهیم در واقع برای شناسائی افراد مملکت که بالاخره منتهی میشود بدقت نفوس و مردم را کاملا بشناسیم و بدانیم که نفوس مملکت بقدر است بساز خوب موافقم اما اگر ما میخواهیم مردم را مجبور کنیم در اینجا بیک قانونی وضع کنیم که بیک اسم مخصوصی از آن اسمی که پدر و مادرش از برای او معین کرده اند انتخاب کنند

این فایده اش چیست ؟

مقصود عرض من این است که چه فایده دارد.

آیا مادی در این است که بنده نفهمیدم ام نمی دانم.

خوب است بفرمائید چه مادی برای ملت دارد.

خیلی خوب اسم خود را در دفتر سجد احوال بنویسد دیگر بیک اسم دیگر بیک اسم دیگر هم برای خودش انتخاب کند.

بنده نفهمیدم فلسفه اش چیست و چون بقیه بنده این بیک تکلیف زیادی است این است که پیشنهاد کردم این عبارت حذف شود

باید یعنی چه

مخبر - همین حالا هم تمام افراد بعد از اسمشان بیک معرفی دارند که بواسطه آن اسم اشخاص متفرقه شناخته میشوند.

در این شهر شاید ده هزار اسمشان چنین باشد اگر هم باسم حسین نامیده شوند که معرفی نمی شوند

پس اشخاص بیک معرفی باید بعد از اسمشان داشته باشند

حالا برای اینست که انساب و خانواده ها هم محفوظ بمانند از این جهت قانون آنها را مکلف می کند که بیک اسم فامیلی شناخته شوند که وقتی اسمشان برده میشود معلوم میشود که از کدام خانواده هستند همین حالا هم اگر ملاحظه فرمائید اغلب اشخاص بیک اسمی برای معرفی خودشان دارند بیشتر هم اسم خانوادگی است.

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - بنده با این ماده مخالفم و مخالفت بنده هم از نقطه نظر اشکالی است که در جلسه گذشته حضرت والا شاهزاده نصرت الدوله فرمودند قبلا باید آن اشکال حل شود چون بطور کلی اینجا نوشته شد است که هر رئیس خانواده باید برای خانواده خود اسم مخصوصی انتخاب کند باید تکلیف کرد بین خانواده و عائله و دو معان و باید بیک ترتیبی را در این مسئله قائل شد که کمتر اشتباه بشود و اداره سجد احوال در موقع عمل دچار مشکلاتی نشود حالا به ترتیبی که آقایان اعضاء محترم کمیسیون داخه صلاح میدانند این ماده را باید اصلاح کرد و مرتب نمایند (صحیح است)

بیک دیگر از چیزهایی که بنظر بنده میزند این است که باید اشخاص را در انتخاب اسمی که مخصوص مشاهیر ایران است ممنوع کرد.

(صحیح است)

مثلا فلان آدم اسمش را گذاشته است

سعدی بنده مخالف هستم که بیک کسی اسم خودش را بگذارند سعدی یا کسی دیگر اسم خودش را گذاشته است در ابوش

یا بیک دیگر اسمش خودش را گذاشته است فرخی

حالا من نمیدانم این فرخی سیستانی معروف است یا فرخی جای دیگر

یا بیک نفر اسمش را میگذازد منوچهری من نمیدانم آیا این همان منوچهری دامغانی معروف است یا بیک منوچهری دیگری است غرض این است که ما باید این گونه اسمی که مخصوص مشاهیر ایران و اسباب افتخار ایرانیان است محفوظ نگاه داریم و نگذاریم دیگران آنها را انتخاب نمایند.

بنا بر این بنده پیشنهاد می کنم که اشخاص ممنوعند از اینکه اسمی و کلمانی که مخصوص مشاهیر است چه از ادب و چه از سلاطین انتخاب نکنند.

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - بنده مخالفم.

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقای شیخ محمد علی طهرانی بنده هم مخالفم

رئیس آقای داور (اجازه)

داور - در آن قسمتی که راجع بیکه خانواده صحبت شد و بکمیسیون ارجاع گردید بنده هم موافقم که این قسمت در کمیسیون حل شده و بمجلس راپورت بدهند بعد ماده چهارم همانطور اصلاح می شود.

اما راجع باین قسمت که فرمودند بیک اشخاصی اسمی مشاهیر را بخودشان میگذازند و باید جلوگیری شود بنده تصور نمی کنم این مسئله ممکن باشد و از طرف دیگر تصور نمی کنم خق داشته باشیم.

زیرا هر شخصی هر اسمی را انتخاب کرد و خوش آمد بر او بختی نیست مثلا بیک کسی هم خودش را سعدی گذاشت لابد خودش اسمی قبل از او کسی این اسم را انتخاب نکرده و فقط او انتخاب کرده است.

این از دو صورت خارج نیست باین است که مثل سعدی شخصی بزرگی است و معروف میشود

یا اینکه خبر بیک شخصی خیلی کوچک میشود و این خیلی مضحک میشود مردم هم وقتی بفهمند این شخص است خود را سعدی گذاشته و خیلی بی تناسب است البته اسباب مضحکه خواهد شد

ولی اساسا جلوگیری از اینکه نباید انتخاب کنند اشکالات دارد.

برای اینکه اگر بگویم اسم مشاهیر را نباید بخودشان بگذارند

پس فردا بیک می رود به دفتر سجد احوال و میگویی من فلان اسم را انتخاب کرده ام بیک اسمی که شاید به نظر بنده و جناب عالی اینقدر اهمیت نداشته باشد و صاحب آنهم معروف نباشد.

مأمور سجد احوال میگویی خیر این از اشخاص بزرگ و مشاهیر است و بنده خودم دیوان خطیش را دیده ام.

(خنده نمایندگان)

و این خیلی اسباب زحمت میشود بنا بر این باید مردم را آزاد گذاشت و البته کمتر اتفاق می افتد که بیک اشخاصی بروند و اسم اشخاص معروف و تاریخی را بردارند و اسم فامیلی خودشان بنمایند.

پس مردم را باید آزاد گذاشت.

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - اینکه آقای داور فرمودند بعد از آنکه ماده در ارجاع باصلاح قسمت خانواده در کمیسیون حل شد ماده چهارم اصلاح میشود بنظر بنده بیک قدری مشکل می آید.

زیرا الان خود دوم این قانونست و ماده چهارم را وقتی بنامش بگویند به همین عبارتی که در این جا هست رای می گیرند و همین عبارت صورت قانونی پیدا میکند.

بنا بر این بنده نمیدانم آنوقت چه مشکل میشود این را اصلاح کرد.

بهمین ملاحظه بنده خدمت آقای معارن وزارت داخله و آقای مخبر را بداشتی نوشتم که اگر صلاح بدانند ماده چهارم مثل ماده دو بکمیسیون ارجاع شود تا وقتی که قضیه خانواده و عائله هر طوری که بنامش حل شود این را هم حل کنند و به مجلس راپورت بدهند.

حالا شاید آقایان اینطور در نظر داشته باشند که ما در ماده دو برای خانواده بیک تعریفی میکنیم و بعد در ماده دو به هر چه لفظ خانواده است مربوط میکنیم ماده دو و هر تعریفی که در ماده دو برای خانواده کردیم شامل سایر مواد هم میشود ولی این صحیح نیست چون ممکن است در کمیسیون دچار اشکالاتی بشویم و بیک اشخاصی پیش نهاداتی بکنند و راهنمایی بنمایند و بیک راه بهتری بشود برایش پیدا کرد.

شاید لغت را عرض کنند یا شاید برای خانواده تعریفی نوشته شود یا شاید مجبور شوند و آنرا درست نمایند.

بیک قسمت راجع بگذشته است و بیک قسمت راجع بآتیه.

باین جهت چرا ما باید مقید و محدود باشیم که هر تعریفی را برای لغت خانواده در ماده دوم بنماییم شامل مواد بعد بشود بنا بر این اگر آقایان مساعت نمایند بهتر این است که ماده چهارم هم مثل ماده دوم بکمیسیون ارجاع شود مزاحمتی هم ندارد.

بعد در موقع تفسیر یا بعد با هر وقت که آقایان میل داشته باشند کمیسیون را تشکیل بدهند و این مسئله را حل نمایند.

مخبر - امروز صبح کمیسیون تشکیل شد حضرت والا هم تشریف آوردند در آنجا مذاکره ای شد.

هر اصلاحی که ما در ماده دوم یا مواد بعد برای خانواده و عائله پیدا کنیم و بنویسیم یا بیک لغت محدودتری برایش پیدا کنیم.

در این ماده رئیس خانواده به معنی عام و اهم است و غیر محدود است چون این ماده غیر از ماده دوم است.

در ماده دوم شاید بیک تکالیف شاقی برای رئیس خانواده باشد و اگر ما آنرا به معنی عام و اهم بگیریم غیر محدود میشود و اگر بیک نفر بنامش تمام آن تکالیف را بعهده بگیرد خیلی سخت است.

بنا بر این در آنجا میخواهیم خانواده را محدود کنیم ولی مقصود ماده چهارم چیز دیگری است.

مقصود این است که بیک خانواده یا بیک عائله بیک اسم فامیلی داشته باشند حالا اگر این راه صلاح میدانند بیک موضوع دیگری است.

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقای شیخ محمد علی طهرانی - اینجا بنده نمی دانم کمیسیون محترم کی را رئیس تشخیص داده.

رئیس خانواده بیک لفظی است و مجمل مأمور سجد احوال رئیس بیک پیر مرد خانواده را میگوید و میگویی تو رئیس خانواده هستی.

یا صاحب مکتب است فوراً رئیسش را را میگوید و میگویی توریستی.

یا بطورهای دیگر و من معنای این را نفهمیدم.

اول باید رئیس را شناخت و فهمید که کی است بعد برایش تکالیفی معین کرد.

اول رئیس را معین نمائید مضاف البهش اهمیت ندارد خانواده باشد یا عائله یا دو معان اینهاش اهمیت ندارد.

شخص رئیس را اول باید معین کرد در ایالات که معلوم است رئیسشان خیلی واضح است اما در خانواده های شهری خیلی اشکال دارد.

الان دو نفر نماینده محترم در مجلس

شورای ملی هستی هر کدام بیک اسم خانواده دارند بیک آقای شیخ العراقرین زاده بیک آقای رهنما هر کدام بیک نام فامیلی برای خود اختیار کرده اند

اولیام شیخ العراقرین زاده این بنام رهنما در حالیکه هر دو شان از بیک فامیلند و بیک پدر و بیک مادر دارند.

فاصله هم بینشان نیست پس باید رئیس خانواده معلوم باشد کیست.

رئیس خانواده را باید اول مشخص کرد و در دست مأمور سجد احوال و گفت کسیکه منصف باین صفت است او رئیس خانواده است.

در اروپا شاید بیک رئیس خانرا باشد که ارث را با عصار او میرسد و فامیل را هم نان میدهد.

اما در ایران خاصه در شهرها معنی ندارد که مجمل بنویسد رئیس خانواده بنده خود از بیک فامیلی هستم یا تصد نفر جمعیت دارد.

بعضی از من پیر مرد ترند و بعضی جوانتر بعضی از من فقیر ترند و بعضی غنی تر ریش کدام بیک از آنها را باید چسبید که توریس خانواده هستی ؟

پس اول باید رئیس را تعیین کرد و مادامی که رئیس خانواده معین نشده باشد معنی ندارد که بیائیم بگویم تو باید اینکار را بکنی.

اول تشخیص موضوع باید داده شود بعد حکم در موضوع مشخص داده شود.

ثانیاً اینجا بنویسد که هر رئیس خانواده باید برای خانواده خود عبارت بیک استقلال و استبدادی بر رئیس خانواده داده است در حالیکه بیک جماعتی هستند که شاید این نام را نخواهند قبول کنند.

اول رئیس خانواده (در صورتیکه معلوم شد کیست و چه صفاتی دارد) باید خانواده را جمع کند با آنها مشاوره کند

پس از مشاوره بیک فامیلی برای خانواده خود انتخاب کند و اینجا بطور مطلق نوشته هر رئیس خانواده باید اینکار را بکنند علاوه بر این جوابی را که آقای داور با عرض آقای یاسائی دادند بنده حقیقه تعجب کردم از ایشان بنده نام فامیلی خودم را مثلا میگذازم خدا یا داور خوشم می آید از داور داور یعنی خدا.

این نام را نام فامیلی نمیشود گذاشت.

رحمن

یا بنده واجب الوجود هستم

اساساً این حدود را باید معین کرد اشخاصی که زحمت کشیده و رنج برده اند و خودشانرا بنا به نامی مثلا فردوسی معرفی کرده اند.

در اینجا میگویند قیصر فردوسی را باید تعمیر کرد و یک کسی هم آمد اسم خودش را فردوسی گذاشت.

یا اینکه خیلی چیزها از بزرگان نقل میکنند بعضی آمده اند اسم همان اشخاص بزرگ را برای خودشان گذاشته اند یکی و دانشمندی اینطور حرف بزند؟

بنظر بنده این غلط است و عقیده من همان بیانی است که آقای یاسائی فرمودند اشخاصیکه زحمت کشیده اند و یک تصمصماتی دارند در یک قانونی و در دنیا معروف شده اند مثل فردوسی و منوچهری و سندی این اسما را اسما خاصه آنهاست

الان يك خيابانرا اسم ميگذاريم ، خيابان فردوسی . بنده هم اسم خودم را فردوسی ميگذارم . آنوقت آن خيابان اسم من ميشود . ما توهمين نبايد بگوييم بر مردمان بزرگ و اسماييكه متعلق بر مردمان بزرگ است يا صفائيكه متعلق بر مردمان بزرگ است نبايد اختيار كرد .

رئيس - آقای حاجزاده - در موقع لقب بنده آنچه فکر كردم بفرماييد . اسم خانوادگي چيز ديگري نهي . بنده هم اگر يك رتبه هاين بودم مثل اينكه در نظام رتبه هست و ترفی ميکنند از مرتبه دانی برتبه عالی برسد یا رتبه هاين که در خدمت کشوری پيش ميآيد و از مرتبه ثبانی که به پیری میرسد اینها را ذکر ميکنند که مثلا يك کسی رتبه اش را ضمیمه اسمش بکنند در مقابل اسناد مطالبه نمايند که تو اين لقب را که دارای بچه استحقاق دارا شده اين يك مبعوثی بود .

ولی يك القاب من در آوردی که من از اين اسم خوشم آمده رفتم در يك دفترى ثبت کرده ام و يکی هم نرفته ثبت کنه اين يك چيزی نيست که ما بآن رسميت بدهيم و مطالبه فرمان وسند آنها را بکنيم بنده باين تیکه اش مخالفم .

مخبر - در اینجا نظريات مختلف است .

همچنين حالا آقایان مي فرمودند که اسامي اشخاص معروف و مشاهير رجال را اشخاص ديگر براي خودشان انتخاب نمايند . يك اشخاصی هم (حالا شما لقب را هر چه فرض بفرمائيد) در تحت همان لقب مشهور شده اند مثل امير كبير يك اشخاصی به روشی اين اسم را بر خودشان بگذارند اين يك چيز خوبي ميشود بخصوص كلف ها بوجوب يك فرمانی داده شده است حالا اگر ميگويد كه هر كسي هر لقبی را خواست بدون سند و بدون فرمان انتخاب كند اين يك چيزيست كه آنوقت همه مبروند و هر لقبی را انتخاب ميكنند والا اگر بخواهيم اين كار را محدود كنيم كه مردم اين عنوان را از خودشان دور كنند بايستی آنهاييكه لقب دارند بوجوب فرمان باشند و فرمانشان ممانعت شود و آنهايی كه در وقت لقبی بفرودشان بسته اند برای جلوگیری از دروغ و تقلب

همينطور كه فرمودند مثلا اگر كسي دلس خواست اسم خودش را خدا بگذارد يادآور بگذارد اين هيچ بستگاري رحمانی ضرر نديرساند . آقا هم خودشان اسم دو تفرق از مشاهير اسلامي را روي خود گذاشته اند يكي محمد و يكي علي و هيچ اشكالي هم ندارد .

مخبر - پيشهاد آقای داور را قبول ميكنم خوب است آقایانی هم كه اعتراضاتی دارند وقتي كه يك كميون تشكيل ميشود آنجا تشریف بياورند تا قضيه حل شود .

رئيس - ارجاع ميشود بكميسيون . ماده پنجم . (بشرح زیر قرائت شد)

ماده پنجم - القاب هميشه در ورقه هويت به دوازدهم شخص ذکر خواهد شد و مأمور سجيل احوال بايد سند اقب را معاينه نمايند .

رئيس - آقای حاجزاده .

حاجزاده - در موقع لقب بنده آنچه فکر كردم بفرماييد . اسم خانوادگي چيز ديگري نهي . بنده هم اگر يك رتبه هاين بودم مثل اينكه در نظام رتبه هست و ترفی ميکنند از مرتبه دانی برتبه عالی برسد یا رتبه هاين که در خدمت کشوری پيش ميآيد و از مرتبه ثبانی که به پیری میرسد اینها را ذکر ميکنند که مثلا يك کسی رتبه اش را ضمیمه اسمش بکنند در مقابل اسناد مطالبه نمايند که تو اين لقب را که دارای بچه استحقاق دارا شده اين يك مبعوثی بود .

ولی يك القاب من در آوردی که من از اين اسم خوشم آمده رفتم در يك دفترى ثبت کرده ام و يکی هم نرفته ثبت کنه اين يك چيزی نيست که ما بآن رسميت بدهيم و مطالبه فرمان وسند آنها را بکنيم بنده باين تیکه اش مخالفم .

مخبر - در اینجا نظريات مختلف است .

همچنين حالا آقایان مي فرمودند که اسامي اشخاص معروف و مشاهير رجال را اشخاص ديگر براي خودشان انتخاب نمايند . يك اشخاصی هم (حالا شما لقب را هر چه فرض بفرمائيد) در تحت همان لقب مشهور شده اند مثل امير كبير يك اشخاصی به روشی اين اسم را بر خودشان بگذارند اين يك چيز خوبي ميشود بخصوص كلف ها بوجوب يك فرمانی داده شده است حالا اگر ميگويد كه هر كسي هر لقبی را خواست بدون سند و بدون فرمان انتخاب كند اين يك چيزيست كه آنوقت همه مبروند و هر لقبی را انتخاب ميكنند والا اگر بخواهيم اين كار را محدود كنيم كه مردم اين عنوان را از خودشان دور كنند بايستی آنهاييكه لقب دارند بوجوب فرمان باشند و فرمانشان ممانعت شود و آنهايی كه در وقت لقبی بفرودشان بسته اند برای جلوگیری از دروغ و تقلب

هم شده باشد آنهارا بايد منع كرد از اين جهت گفته شده فرمان خود را ارائه دهند .

(بعضی از نمايندگان گفتند : مذاكرات كذبست)

روحی - كافي نيست

رئيس - رأي ميگيريم بگذاشت مذاكرات آقایانی كه مذاكرات را كافي ميدانند قيام فرمائيد .

(اكثر نمايندگان قيام فرمودند)

رئيس - معلوم ميشود كافي است . رأي ميگيريم باده پنج آقایان كه ماده پنج را تصويب ميكنند قيام نمايند .

(غالب نمايندگان قيام نمودند)

رئيس - تصويب شده . ماده شش . (بشرح آتی خوانده شد)

ماده ششم - مأمورين سجيل احوال بر طبق اوراق اظهار نامه برای هر فرد بگورقه هويت صادر نموده اظهار نامه را بترتيب حروف تهجي اسامي خانوادگي در دفتر ياد داشت ثبت نموده و سپس برای حاكمات ارسال مي نمايند . نمونه ۲

رئيس - آقای عراقی . (اجازه)

حاج آقا اسمعيل عراقی - موافقم .

رئيس - آقای آقاسيد يعقوب .

آقاسيد يعقوب - بنده موافقم .

رئيس - شاهزاده شيخ الرئيس . (اجازه)

شيخ الرئيس - بنده هم موافقم .

رئيس - آقای شيروانی . (اجازه)

شيروانی موافقم .

رئيس - مخالفی نيست؟

ضياءالواصفين - بنده مخالفم .

رئيس - بفرمائيد .

ضياءالواصفين - تقريباً ذکر اين ماده در نظامنامه اينكار بيشتر مورد دارد و علاوه اينجا ذکر شده است که اسامي فاميلي مقدم بر اسامي شخصي خواهد بود .

مسئلاً اين كار براي مأمورين سجيل احوال توليد اشكال ميكنند مثلا يك اسم فاميلي را عرض ميكنم (بقائى) و وقتيكه شروع شود باين اسم اسم يك جدول مخصوصی برای اين اسم مأمورين سجيل احوال در نظر بگيرند كه بقائى كه در طهرانشت بقائى كه در اين ماده است . بقائى كه در آن كوچه است .

بقائى كه امروز آمده است ورقه هويت گرفته است اين جدول را هيچطور باز بگذارند تا اينكه تمام اشخاصيكه اهل اين خانواده هستند و بقائى معروفند بمانند و اسماشان ثبت شود تا اينكه يك بقائى در اين جدول ويك بقائى در چند صفحه بعد باشد و اگر شروع شود با اسم شخصي بهتر است مأمورين سجيل احوال

هم دچار زحمت نمی شوند این است که بنده پیشنهادی تهیه کرده ام و تقديم ميکنم که بترتيب حروف تهجي بنام شخصي باشد نه نام فاميلي شروع ميشود از اسکنند بدم اسم فاميلش که ابراهيم است در آقا جدول فاميلي نوشته ميشود

آقا سيد يعقوب - فاميلي نيست خانوادگي

مخبر - اشكالي كه نماينده معترض فرمودند در اسامي خانوادگي بيشتر وارد است .

بعثت اينكه اسامي خانوادگي نسيه محدود ميشود يك خانواده منتهي جمعيتش در يك شهر صد نفر يا دويست نفر ميشود وليكن اسم حسين ويا علي در يك شهر ممكن است ده هزارتا باشد .

برای پیدا کردن اسم يك نفر هر گاه محل احتياج شد همان بقائى را كه مثال زدند .

در حرف ب كنگاه كنند آن بقائى را كه ميخواهند در دوسه ورق بديدا مي - شود .

ولی اگر اسم علي را بخواهند وقتي كه نگاه كنيم در يك شهری كه ده هزار اسم علي هست بايستی همه را مراجعه كنيم تا بعلی بقائى برسيم .

پس بنا بر اين همان اسم خانوادگي مقدم نوشته شود بترتيب حروف تهجي برای مراجعه و پيدا كردن خيلي آسانتر است .

بعضی از نمايندگان - مذاكرات كافي است

رئيس - كافي است

بعضی از نمايندگان - بلى كافي است

رئيس - رأي ميگيريم باده شش آقایان موافق قيام فرمائيد (اكثر قيام نمودند)

رئيس - تصويب شد

ماده هفت (بشرح ذيل خوانده شد)

ماده هفتم - پس از انقضاء سال كه تمام سكه هر حوزه ورقه هويت گرفتند حاكمات خلاصه تمام اظهارنامه های سكه حوزه حكومتی خود را بترتيب سئوالات ولادت در ورقه سجيل احوال ولايتی ثبت ميكنند . نمونه نمره ۳

رئيس - آقای شيروانی . (اجازه)

شيروانی - موافقم .

رئيس - آقای طهرانی . (اجازه)

آقا شيخ محمد علي طهرانی - بنده همين قدر ميخواستم سوال كنم كه اين نمونه معلوم نيست كجاست؟ چيست؟ ما بايد بپيچيم .

همين قدر تعيين شده نمونه نمره ۳

آيا يك ورقه دو ذرعى است يا يك كارت كوچكى است شكل هم معلوم نيست ؟ خوب بود تشریح ميگردند كه مقصود از اين نمونه آقا هيچي؟

آقایان - اگر بخواهند آن نمونه ها را ملاحظه كنند اشكالي ندارد

ولی چیزی كه هست يك دفاتری است خط كشیده بالای صفحه هم نوشته ، اسم ، اسم پدر ، اسم خانواده . سن . فلان

اینها يك نظامات اداری است كه هر گاه آقایان هم ببينيد شايد مثل بنده ملتفت نشوند كه مقصود از اين جدول چيست وليكن اسم حسين ويا علي در يك شهر ممكن است ده هزارتا باشد .

برای پیدا کردن اسم يك نفر هر گاه محل احتياج شد همان بقائى را كه مثال زدند .

در حرف ب كنگاه كنند آن بقائى را كه ميخواهند در دوسه ورق بديدا مي - شود .

ولی اگر اسم علي را بخواهند وقتي كه نگاه كنيم در يك شهری كه ده هزار اسم علي هست بايستی همه را مراجعه كنيم تا بعلی بقائى برسيم .

پس بنا بر اين همان اسم خانوادگي مقدم نوشته شود بترتيب حروف تهجي برای مراجعه و پيدا كردن خيلي آسانتر است .

بعضی از نمايندگان - مذاكرات كافي است

رئيس - رأي گرفته ميشود باده هفت با تبديل ورقه به دفتر در سطر سوم

ياسائى - پيش نهادی بنده کرده ام (بشرح ذيل قرائت شد)

بنده پيش نهاد ميكنم بعد از (بترتيب حروف تهجي) نوشته شود ، (اسامي شخصي)

ياسائى - كويا در توضيحات آقای ضياءالواصفين توجهي فرمودند

رئيس - آقایان راجع باده ششم است رأي هم داده اند

ياسائى - بپيچيد

رئيس - رأي ميگيريم باده هفتم چنانكه گفته شد با تبديل ورقه به دفتر در سطر سوم آقایان موافق قيام فرمائيد (اقلب قيام نمودند)

رئيس - تصويب شد

ماده هشتم - فوت و ازدواج و طلاق اشخاصی كه ورقه هويت گرفته اند پس از وصول راپرت مأمور سجيل احوال در دفتر سجيل احوال ولايتی در مقابل اسم شخصي در جدول مخصوص ثبت ميشود

رئيس - آقای صدر الاسلام . (اجازه)

صدر الاسلام - موافقم

رئيس - مخالفی نيست؟

(اظهاری نشد)

رئيس - رأي گرفته ميشود باده هشت آقایان موافق قيام فرمائيد (اكثر برخاستند)

رئيس - تصويب شد

ماده نهم (بشرح ذيل قرائت شد)

ماده نهم - از اين تاريخ كليه رؤسای خانواده ها مكلفند ولادت و ازدواج و طلاق و فوت افراد خانواده خود را در روز بامور سجيل احوال محل اقامت خود با شهادت دو نفر اطلاع دهد و نیز ازدواج كتنده و طلاق دهند و مستوليت دارد كه مراتب را برئيس خانواده خود اطلاع دهد

تيمبره - اشخاصی كه در تحت قبومت هستند ولی شرعی آنها و در صورتی كه ولی خاص ندارد مدعی العموم يا قائم مقام آن مكلف است مراتب را بامور سجيل احوال اطلاع دهد

مخبر - چون اشكالاتی بر رئيس خانواده وارد شده است و اين ماده هم اسم رئيس خانواده را دارد خوبتر برگردد ؟

رئيس - ماده ده (بشرح ذيل خوانده شد)

ماده دهم - مأمور سجيل احوال خلاصه سجيل ولادت را در دفتر مخصوص ثبت نموده ورقه هويت صادر مي نمايد

نمونه نمره ۳

رئيس - مخالفی نيست؟

(گفتند خير)

رئيس - رأي ميگيريم به ماده ۱۰ آقایان بيه موافقت قيام فرمائيد (اكثر نمايندگان قيام نمودند)

رئيس - تصويب شد

ماده يازده (بشرح ذيل قرائت شد)

ماده يازدهم - در موقع ازدواج و طلاق مأمور سجيل احوال سواد صدقوی از ورقه ازدواج و طلاق كه باضای مجری صيغه رسیده است گرفته ضبط مي نمايد و خلاصه آنرا در دفتر مخصوص و در ورقه هويت زوجيت ثبت ميكنند

ثبت قطعی طلاق بعد از آن است كه تكليف قطعی شده باشد و در ثبت ازدواج بايد قيد شود كه دفعه چندم است نمونه ۵ و نمره ۶

رئيس - آقای وكيل الملك پيشهاد کرده اند اين ماده بعد از تنفس مطرح شود . و وكيل الملك در اين ماده اشكالي وارد است بنده ميل ندارم اينجا عرض كنم آقای مخبر هم گمان ميكنم مخالف نباشد اين ماده بماند برای بعد از تنفس و ساير مواد مطرح شود .

رئيس - مخالفی ندارد؟

(مخالفی نشد)

رئيس - ماده دوازده (بشرح ذيل قرائت شد)

ماده دوازدهم - در موقع فوت مأمور سجيل احوال قضييه را در دفتر مخصوص

ثبت و ورقه هويت متوقفي را باطل نمي نمايد . نمونه ۷

رئيس - آقای ياسائى . (اجازه)

ياسائى - يك مشكالاتی در موقع مسافرت اشخاصی پيش ميآيد مخصوصاً برای مأمورين دولت و افراد قشون و نظامی اينجا بعهيده بنده بايد تكليف معلوم شود كه کدام مأمور سجيل احوال اينكار را ميكنند در كجا ؟ فرضاً در يكي از ولايات دوردست . در تريت ۰ بگيرند در سن بيست سالگی آمده تاريخ تولدش را و سابقه اش را ثبت كرد بعد از چند سال آمد سر بازشد و رفت در اردبيل كشته شد اينرا بايد كجا اطلاع داد و كي موظف است اينكار را بگند ؟

آيا مأمور سجيل احوال مكلف است كه با اداره سجيل احوال تربت اطلاع بدهد كه فلان سرباز تربتی اينجا فوت شد ؟

يا راجع ب مأمورين دولت و اشخاصی كه خارجه ميكنند كي بايد اطلاع بدهد ؟ يعنی کدام اداره بايد اينكار را انجام بدهد ؟ بعهيده بنده هم اين ماده خيلي ناقص است و بايستی كه اصلاح شود . و جزء مواديكه بر گردانيدماند بگوييم اينهم بكميسيون برگردد و نسبت باشخاصی كه در خارجه هستند و اشخاصی كه در سفر هستند افراد نظامی يك تكلفی معين كنند چه راجع بفوت وجه راجع باز دواج و طلاق آنها . چون آنها هر كدام يك مبعوثی برای سجيل احوالشان دارند و بعد كه مسافرت كردند و فوت كردند .

معلوم نيست كي موظف است اطلاع بدهد آيا مثلا وزارت جنگ مكلف است كه تمام افراد قشونی كه اين واقعات بر ايشان اتفاق ميآيد بوزارت داخله اطلاع بدهند و وزارت داخله اسم هر فردی را بر گرداند بتمام دائر سجيل احوال اينها يك مشكالاتی دارد و بايد حل شود .

مخبر - اشكال نماينده محترم هيچ وارد نيست چون اولاً اجرائ قانون يك نظامنامه هائی دارد كه اينها در آنجا معين ميشود . ثانياً حالا كه يك نفر در كجائی ميبرد مثلاً يك نفر تربتی در اردبيل ميبرد و در اردبيل او چكار ميكنند ؟ از كجا خبر ميشود كه او مرده ؟ وقتيكه فهميدند پسرشان مرده اول حاضر ميشوند مجلس ختم ميگذارند بعد هم اموال او را تقسيم ميكنند با اداره سجيل احوال هم اطلاع ميدهند كه فلان شخص مرده است منتهي ميگويند ورقه هويتش همراه خودش بوده و اينجا نيست در اين صورت در دفتر يادداشت ميكنند كه حسنه تربتی مرحوم شده . علاوه تمام اينها بالاخره در يك مركزی از دفاتر اسامي بايستی جمع شود كه آن مركز تهران است

از تربت ميايد بشهد و از شهد به طهران باين ترتيب عمل ميكنند .

پهره ان برای اينستكه تعداد نفوس ملكت هم معلوم شود و در تمام اين دفاتر وقتي كه حسنه تربتی مرحوم شد بايد نوشته شود كه مرحوم شده است كه همه بدانند .

جمعی از نمايندگان - مذاكرات كافي است .

رئيس - كافي است ؟

(جمعی گفتند كافي است)

رئيس - رأي ميگيريم باده دوازده آقایان موافق قيام فرمائيد . (اكثر برخاستند)

رئيس - تصويب شد

ماده سيزدهم - قابلات و غسالها بايد در ظرف بيست و چهار ساعت مأمور سجيل احوال را كتباً از وقوع تولد و فوت مطلع سازند و در صورت تخلف از ۳۰ تا ۳ روز در صورت تكرار تا شش ماه حبس خواهند شد .

رئيس - آقای سيد يعقوب . (اجازه)

آقا سيد يعقوب - موافقم .

رئيس - شاهزاده شيخ الرئيس . (اجازه)

شيخ الرئيس - در ظرف بيست و چهار ساعت بنظر بنده خيلي مدت كمی است . ممكنست در شهرها نباشد و با جاهائی باشند كه دور باشند بايد يك عذر موجهی برای آن قائل شد . والا خيلي برای مردم سخت است و بايد يك ترتيبی كرد كه اسباب زحمت نباشد و اين خيلي سخت خواهد بود و بايد مدت را طويل تر كرد كه يك تبصه ای گرفته شود و قابل اجرا هم باشد بنده بيست و چهار ساعت را خيلي كم ميدانم .

رئيس - آقای آقاسيد يعقوب . (اجازه)

آقا سيد يعقوب - بنده توجه ميدهم آقایان را كه اين مواد را زود هم كه بگذاريم با آن شم قهقتهی كه داريم مبفهم اين ماده حالا را كه نمی گويد بعد از آنكه دفاتر و سجيل احوال منتشر شد و درم كز ولايات معين شد آنوقت غسالها و قابلات با ادارات اطلاع بدهند و يكزمانی با ايشان فرجه داده اند كه اين تكليف را عمل كنند

شما خيال ميكنيد كه الان آقای منصور الملك بلند می شوند سر يا می گویند اين ماده را بتهائى اجرا كنيد و اگر نشاند اينها بر آنها مترتب ميشود ؟

خير آقا اين قانون را زود هم نگاه كنيد موادى هم هست كه فرجه از ايشان هست چنه وقت اعلان ميكنند دفاترش را معين ميكنند و بعد از آنكه اطلاع كامل حاصل ميشود

بايد باين ترتيب عمل ميكنند .

گمان میکنم بعد از آنکه لوازم مهیا و تکلیف مین شد آنوقت اگر تحقیق شده کسی این تکلیف را عمل نکرده مجازات بشود رئیس- آقای شیروانی (اجازه) شیروانی - موافقم رئیس- آقای داور (اجازه) داور - موافقم رئیس- آقای نصرت الدوله (اجازه) نصرت الدوله - بنده با قسمت اول ماده که راجع به بدت باشد مخالفم و این توضیح هم که آقای آقا سید یعقوب دادند اذعان کننده نبود برای اینکه در ولایات در جاهای دور دست و در دهات که بهر کس سجلی احوال دورند تا غسال و قابله بتوانند نویسنده پیدا کنند بنویسند و اطلاع بدهند مدتی لازم در دار بدین لحاظ بنده پیشنهاد کرده ام که بیست و چهار ساعت تبدیل سه روز شود که حد متوسط است ضروری هم برای اداره ندارد و اداره هم بجزمت نمی آید ولی از زحمت فرضی برای مردم جلوگیری میشود اما با قسمت ثانی موافقم شیروانی - بنده در جزه موافقین اجازه خواسته ام جواب شاهزاده را عرض کنم معاون وزارت داخله - اولاً از نقطه نظر اداری هیچ اشکالی ندارد که در ظرف بیست و چهار ساعت اطلاع داده شود چون در شهرها اگر کلد دفتر سجلی احوال هست نظمی هست بنده هست درجه جامه امورین هستند که بهر قابله و غسالی میتوانست با آنها اطلاع بدهد در قضایات همه نایب الحکومه ها هستند در دهات هم که گداهها هستند در اینصورت از نقطه نظر اداری این مدت که معین شده کم نیست و یک فلسفه دیگری هم دارد که زودتر باید خبر داده شود و آن از نقطه نظر جرائم است زیرا ممکن است یک جرمی ظاهر شده بنا بر این باید زودتر اطلاع بدهند تا آن جرم از میان نرود و امورین مدلیه یا نظمی بتوانند قضیه را تعقیب کنند و چهار ساعت در اکم نیست راجع بیست و چهار ساعت در اکم نیست

شاهه حالا اگر یک قابله بدبختی نفهمید و یک خطه بی کرد این بیچاره بدبخت بچ قران پول قابلگی میگردد و شاهه باید حبس شود یا یک غسالی بیچاره رفته مرده شوئی کند حالا باید شاهه هم حبس شود و بعقد بنده شاهه زیاد است و خوبست حد اکثر سی روز بیشتر نباشد رئیس- آقای شیروانی (اجازه) شیروانی - بنده تصور میکنم حضرت والا اگر قسمت فرمایشات آقای منصور - الملك توجه بفرمایند گمان میکنم پیشنهادشان رایس بگیرند برای اینکه وقتی یک بیچاره سقط کردند اگر بنا باشد پس از سه روز اطلاع بدهند مساماً آثار جرم از میان میرود باید کسی را که کشند یا یک کسی را مسموم کردند اینها یک مسائلی است که الان هم معمول است و الان نظمی قابله ها سایر امورین اینکار را موظف کرده اند که بعد از بیست و چهار ساعت اطلاع بدهند فقط اشکالش در دهات است و در آنجا هم وقتی که بنا باشد بگداه اطلاع بدهند دیگر اشکالی ندارد و شاید اشکالش کمتر از تهران باشد برای اینست که دهی که هر طرف طولش بقدر صد یک تهران باشد در آنجا اطلاع دادن خیلی آسان است و ممکن است خیلی زود بگداه اطلاع داد که در فلان خانه در شهرها اگر کلد دفتر سجلی احوال هست نظمی هست بنده هست درجه جامه امورین هستند که بهر قابله و غسالی میتوانست با آنها اطلاع بدهد در قضایات همه نایب الحکومه ها هستند در دهات هم که گداهها هستند در اینصورت از نقطه نظر اداری این مدت که معین شده کم نیست و یک فلسفه دیگری هم دارد که زودتر باید خبر داده شود و آن از نقطه نظر جرائم است زیرا ممکن است یک جرمی ظاهر شده بنا بر این باید زودتر اطلاع بدهند تا آن جرم از میان نرود و امورین مدلیه یا نظمی بتوانند قضیه را تعقیب کنند و چهار ساعت در اکم نیست راجع بیست و چهار ساعت در اکم نیست

و این مسئله هم اشتباه نشود در جاهای که کبیر و گداه است و مسائل دیگری برای کشف جرم هست و ضروری ندارد که با مردم یک هم راهی شده باشد مخصوصاً در اول وضع یک قانونی آنهم در مقابل یک مجازاتهایی که بعقد بعضی ها خیلی سخت است باید این مساعدت را با مردم کرد رئیس- آقای ضیاءالواعظین (اجازه) ضیاءالواعظین - بنده هم پیشنهاد سه روز را تقدیم مقام ریاست کرده بودم و برای رفع سوء تفاهمی که مذاکره شد لازم است عرض کنم که برای قابلات و غسالیها دو وظیفه است: یک وظیفه مهم اصلی و یک وظیفه فرعی. وظیفه اصلی عبارت است از اطلاع دادن تولدات یا فوت بنظمیه برای اینست که نظمی مأمور تعقیب است و ما در این قانون برای قابلات و غسالیها یک وظیفه فرعی هم معین میکنیم و آن عبارت است از اینکه بعد از آنکه با امورین نظمی اطلاع دادند آنوقت مأمورین نظمی اگر فوت بان ترتیبی که آقای شیروانی فرمودند اتفاق افتاده بود قضیه را تحت تعقیب در آورند پس از آن باید با امورین سجلی احوال هم اطلاع بدهند در اینصورت چون این یک وظیفه فرعی است بنا بر این بنده این پیشنهاد را کردم و همانطور هم که اظهار کردند در ایلات و عشایر و دهات دور و نزدیک قابلات و غسالیها در ظرف بیست و چهار ساعت نمیتوانند اطلاع بدهند رئیس- آقای شیروانی - بنده هم پیشنهاد کرده ام که سه روز را قابل توجه مینداند قیام بفرمایند (اكثر قیام نمودند) رئیس - تصویب شد ماده مراجع می شود بکمیسیون و بلا چند دقیقه تنفس داده می شود (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً ریاست آقای سهام - نایب رئیس - ماده چهاردهم قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد) ماده چهاردهم - در فایده رئیس خانواده پدر یا مادر یا اولاد دارد یا زوجین هر کس که قائم مقام آنها باشد مجبورند تولد و فوت و ازدواج و طلاق را در مهلتیکه در ماده عقید شده به مأمور سجلی احوال راپورت دهند نایب رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه) سلطان العلماء - چون در این ماده هم لفظ خانواده دارد بنده تصور می کنم که این هم باید بکمیسیون برگردد

مخبر - نظر به همان اشکال تقاضا میکنم بکمیسیون برگردد نایب رئیس - ماده پانزدهم قرائت می شود (بشرح ذیل قرائت شد) ماده پانزدهم - هموماً مأمورین سجلی احوال باید ولادت و فوت ازدواج و طلاق ساکنین محل خود را در ظرف سه روز از اول ماه بعد بحکومت راپورت دهند نایب رئیس - مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) رأی می گیریم بماده پانزدهم آقایانی که موافقت می فرمایند (اغلب قیام نمودند) نایب رئیس - تصویب شد ماده شانزدهم قرائت می شود (بشرح آتی خوانده شد) ماده شانزدهم - هر یک از مأمورین سجلی احوال چهار دفتر دفتر برای ولادت فوت ازدواج و طلاق خواهند داشت نایب رئیس - مخالفی ندارد گفتند غیر رأی می گیریم باین ماده آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب برخاستند) نایب رئیس - تصویب شد ماده هفدهم قرائت می شود (بشرح ذیل قرائت شد) ماده هفدهم - در هر کس که در ولایتی ولادت کرد و در آن ولایتی تربیت داده می شود که ولادت اشخاص در آن دفتر بترتیب وقوع در یک ستون و در ستونهای دیگر ازدواج و طلاق و وفات آنها ثبت می شود نمونه نمره ۸ نایب رئیس - مخالفی نداده (بعضی از نمایندگان - خیر) نایب رئیس - رأی می گیریم بماده مقدمه آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) نایب رئیس - تصویب شد ماده هجدهم قرائت شد (اینطور خوانده شد) ماده هجدهم - در کلیه دفاتر سجلی احوال اعداد باید با تمام حروف بضمیه ارقام هندسی نوشته شود و تاریخ شمسی باشد و ممکن است با تاریخ قمری نیز تطبیق شود نایب رئیس - آقای وکیل الملك (اجازه) وکیل الملك - اینجا می نویسد و ممکن است با تاریخ قمری هم تطبیق نماید در صورتیکه ما همیشه اسامی مشهور و تاریخ قمری را برای اعیان و امور مذهبی لازم داریم و بنده معتقدم ممکن است

حذف شود و برای اینکه در آنجا اشکالها پیش نیاید که آنرا یک مسئله قانونی بکنیم و پیشنهادم کرده ام دو کلمه ممکن است حذف شود رئیس - آقای آقا سید یعقوب آقا سید یعقوب - مرضی ندارم نایب رئیس - آقای شیخ الرئیس (اجازه) شاهزاده شیخ الرئیس - کلمه باید نوشته شود زیرا اشکال در این است که تطبیق آنطور که بنظر آقایان آسان است منظور نیست و بواسطه اختلافی که در همه ما هم اتفاق می افتد اسباب زحمت میشود و نباید الزام کرد باید گفت اگر تطبیق آن با تاریخ قمری اشکال نداشته باشد تطبیق شود ولی غالباً ممکن است یک اغلاطی پیدا شود که بسر اشکالانش افزوده شود البته کلمه (باید) لازم است ولی اگر نتوانست صحیحاً تطبیق کند اهمیتی ندارد مسام است که ماههای متعارفی ما ماههای شمسی بکندری مشکل است و گاهی اشخاص اهل علم هم در میان چند سده با امورین سجلی احوال یا فلان رعیت نایب رئیس - آقای عراقی (اجازه) حاج آقا اسمعیل عراقی - بنده با فرمایشات شاهزاده شیخ الرئیس مخالفم و پیش نهادی در آقای وکیل الملك تقدیم کردند پیش نهاد خوبی بود برای اینکه ما باید دو چیز را ملحوظ نظر داشته باشیم و هر دو نای آنها اثر است یکی از قومیت و ملیت ما است که عبارت از تاریخ ایران است دیگری هم اثرند ما است که عبارت از شهر قمری است و باید هر دو تاریخ را معلوم کنیم نه اینکه تاریخ شمسی را مجبور باشیم ولی نسبت به تاریخ قمری میخواهند ثبت نکنند بنا بر این باید همان اجباری را که برای ثبت تاریخ شمسی داریم نسبت به شهر قمری هم برای مذهبمان داشته باشیم جمعی از نمایندگان - مذاکرات کانی است

اجازه بدهند که بنده توضیح بدهم که سوء تفاهم پیش نیاید نایب رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانیکه مذاکرات را کانی می دانند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند) نایب رئیس - معلوم می شود کافی نیست آقای وکیل الملك (اجازه) وکیل الملك - مخالفم نایب رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه) سلطان العلماء - مخالفم نایب رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه) حاج میرزا عبدالوهاب - بنده هم مخالفم نایب رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه) شیخ الرئیس - با آن توضیحات مفصلی که عرض کردم باز آقایان اشکال کردند عرض کردم ماههایی که از همه سهاتر است ماههای قمری است و لا تطبیق آن اشکال دارد و حالا اگر آقایان برعکس پیشنهاد کنند بنده هم موافقت می کنم برای این که ماههای ما قمری است و از هر کس سئوال کنند چقدر عمر داری اگر بگویند سی و پنج یا سی و شش سال مقصود ماههای قمری است و ابتدا خیالش متوجه ماههای شمسی نیست مثلاً اگر کسی بگوید سن من هفتاد سال است مقصودش سال قمری است باین جهت بنده عرض میکنم اگر آقایان مایلند ماههای قمری را اصل قرار بدهند و بگویند در صورت امکان با سال شمسی تطبیق کنند ولی اگر میخواهیم الزام کنیم این الزام برای مأمورین اسباب اشکال و زحمت است لهذا اشکالاتی که آقا فرمودند گمان نمیکنم وارد باشد نایب رئیس - آقای وکیل الملك (اجازه) وکیل الملك - تصور می کنم حضرت والا درست بعرض بنده انتقادات فرمودند نسبت بکفایت مذاکرات بنده با کفایت مذاکرات مخالفم برای اینکه اشکال کردند که فلان رعیت یا فلان دهانی نمیتوانند تاریخ قمری را با شمسی تطبیق کنند در دفاتر باید این دو تاریخ را با هم تطبیق کنند و دفتر هم دست مأمور یا حکومت مجلس اجازه بدهد اگر نسبت به نطق یک نفر وکیل سوء تفاهمی میشود آن وکیل اظهارات خودش را بکند و حق یک نفر را توضیح نفرمایند و متصرفانه خواهش میکنم

ندارد پیشنهاد میکنم در ماده ۶ کلمه (ممکن است) حذف شود پیشنهاد آقای صدر الاسلام بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۸ جمله و ممکن است یا تاریخ قمری نیز تطبیق شود باین عبارت تبدیل شود که باید با تاریخ قمری نیز تطبیق شود و اگر در باره اوقات اختلاف نجومی حاصل شود در ستون مخصوص ملاحظاتی قید شود پیشنهاد آقای مشاره اعظم ماده ۱۸ این نحو اصلاح شود در کلیه دفاتر سجلی احوال تاریخ شمسی با تمام حروف بضمیه ارقام هندسی نوشته شود و تاریخ قمری نیز درج خواهد شد پیشنهاد آقای سلطان العلماء بنده پیشنهاد میکنم کلمه ممکن در ماده (۱۸) تبدیل شده باید (بیشهاد آقای وکیل الملك مجدداً قرائت شد) نایب رئیس - آقای وکیل الملك (اجازه) وکیل الملك - بنده توضیح دیگری ندارم فقط بخواستم کلمه ممکن است حذف شود و اقلاً يك الزامی باشد ولی حالیش نهاد آقای سلطان العلماء را قبول میکنم نایب رئیس - پیشنهاد آقای سلطان العلماء (مجدداً بشرح فوق خوانده شد) سلطان العلماء - بنده تصور میکنم که يك اشتباهی در اینجا شده است و اگر آن اشتباه رفع شود آقایان باین پیشنهاد رأی خواهند داد بنده گمان میکنم که شاهزاده شیخ الرئیس اینطور تصور کرده باشند که چون حالا معمول است اشخاصی که میروند و رفته هويت بگیرند تاریخ ولادت خودشان را میگویند مثلاً میگویند تولد من در سنه ۱۳۰۰ بوده است آنوقت ناچارند این تاریخ را با تاریخ شمسی تبدیل کنند و این يك مدتی وقت لازم دارد ولی این طور نیست فقط نوشته است فلان شخصی سالت فلانقدر آنوقت مأمور سجلی احوال میتوسد مطابق ۱۳۲۰ هجری یا هزار و سیصد و چهل و یا چهل و پنج هجری و این ترتیب وقت زیادی لازم ندارد فقط يك ستون در دفتر زیاد میشود نایب رئیس - عقیده بکمیسیون چیست؟ مخبر - بنده تصور میکنم که این موضوع اینقدر طول و مرض لازم ندارد يك تاریخی است میتویسنده اینجا هم گفته اند تاریخ را با تمام حروف برای اینکه نشود آن را تغییر داد مثلاً ۱۳۴۰ یا هزار و سیصد و چهل و پنج این را با تمام حروف میتویسنده هم

پیشنهاد میکنم در ماده ۶ کلمه (ممکن است) حذف شود پیشنهاد آقای صدر الاسلام بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۸ جمله و ممکن است یا تاریخ قمری نیز تطبیق شود باین عبارت تبدیل شود که باید با تاریخ قمری نیز تطبیق شود و اگر در باره اوقات اختلاف نجومی حاصل شود در ستون مخصوص ملاحظاتی قید شود پیشنهاد آقای مشاره اعظم ماده ۱۸ این نحو اصلاح شود در کلیه دفاتر سجلی احوال تاریخ شمسی با تمام حروف بضمیه ارقام هندسی نوشته شود و تاریخ قمری نیز درج خواهد شد پیشنهاد آقای سلطان العلماء بنده پیشنهاد میکنم کلمه ممکن در ماده (۱۸) تبدیل شده باید (بیشهاد آقای وکیل الملك مجدداً قرائت شد) نایب رئیس - آقای وکیل الملك (اجازه) وکیل الملك - بنده توضیح دیگری ندارم فقط بخواستم کلمه ممکن است حذف شود و اقلاً يك الزامی باشد ولی حالیش نهاد آقای سلطان العلماء را قبول میکنم نایب رئیس - پیشنهاد آقای سلطان العلماء (مجدداً بشرح فوق خوانده شد) سلطان العلماء - بنده تصور میکنم که يك اشتباهی در اینجا شده است و اگر آن اشتباه رفع شود آقایان باین پیشنهاد رأی خواهند داد بنده گمان میکنم که شاهزاده شیخ الرئیس اینطور تصور کرده باشند که چون حالا معمول است اشخاصی که میروند و رفته هويت بگیرند تاریخ ولادت خودشان را میگویند مثلاً میگویند تولد من در سنه ۱۳۰۰ بوده است آنوقت ناچارند این تاریخ را با تاریخ شمسی تبدیل کنند و این يك مدتی وقت لازم دارد ولی این طور نیست فقط نوشته است فلان شخصی سالت فلانقدر آنوقت مأمور سجلی احوال میتوسد مطابق ۱۳۲۰ هجری یا هزار و سیصد و چهل و یا چهل و پنج هجری و این ترتیب وقت زیادی لازم ندارد فقط يك ستون در دفتر زیاد میشود نایب رئیس - عقیده بکمیسیون چیست؟ مخبر - بنده تصور میکنم که این موضوع اینقدر طول و مرض لازم ندارد يك تاریخی است میتویسنده اینجا هم گفته اند تاریخ را با تمام حروف برای اینکه نشود آن را تغییر داد مثلاً ۱۳۴۰ یا هزار و سیصد و چهل و پنج این را با تمام حروف میتویسنده هم

نصرت الدوله - بنده با قسمت اول ماده که راجع به بدت باشد مخالفم و این توضیح هم که آقای آقا سید یعقوب دادند اذعان کننده نبود برای اینکه در ولایات در جاهای دور دست و در دهات که بهر کس سجلی احوال دورند تا غسال و قابله بتوانند نویسنده پیدا کنند بنویسند و اطلاع بدهند مدتی لازم در دار بدین لحاظ بنده پیشنهاد کرده ام که بیست و چهار ساعت تبدیل سه روز شود که حد متوسط است ضروری هم برای اداره ندارد و اداره هم بجزمت نمی آید ولی از زحمت فرضی برای مردم جلوگیری میشود اما با قسمت ثانی موافقم شیروانی - بنده در جزه موافقین اجازه خواسته ام جواب شاهزاده را عرض کنم معاون وزارت داخله - اولاً از نقطه نظر اداری هیچ اشکالی ندارد که در ظرف بیست و چهار ساعت اطلاع داده شود چون در شهرها اگر کلد دفتر سجلی احوال هست نظمی هست بنده هست درجه جامه امورین هستند که بهر قابله و غسالی میتوانست با آنها اطلاع بدهد در قضایات همه نایب الحکومه ها هستند در دهات هم که گداهها هستند در اینصورت از نقطه نظر اداری این مدت که معین شده کم نیست و یک فلسفه دیگری هم دارد که زودتر باید خبر داده شود و آن از نقطه نظر جرائم است زیرا ممکن است یک جرمی ظاهر شده بنا بر این باید زودتر اطلاع بدهند تا آن جرم از میان نرود و امورین مدلیه یا نظمی بتوانند قضیه را تعقیب کنند و چهار ساعت در اکم نیست راجع بیست و چهار ساعت در اکم نیست

فقط اشکالش در دهات است و در آنجا هم وقتی که بنا باشد بگداه اطلاع بدهند دیگر اشکالی ندارد و شاید اشکالش کمتر از تهران باشد برای اینست که دهی که هر طرف طولش بقدر صد یک تهران باشد در آنجا اطلاع دادن خیلی آسان است و ممکن است خیلی زود بگداه اطلاع داد که در فلان خانه در شهرها اگر کلد دفتر سجلی احوال هست نظمی هست بنده هست درجه جامه امورین هستند که بهر قابله و غسالی میتوانست با آنها اطلاع بدهد در قضایات همه نایب الحکومه ها هستند در دهات هم که گداهها هستند در اینصورت از نقطه نظر اداری این مدت که معین شده کم نیست و یک فلسفه دیگری هم دارد که زودتر باید خبر داده شود و آن از نقطه نظر جرائم است زیرا ممکن است یک جرمی ظاهر شده بنا بر این باید زودتر اطلاع بدهند تا آن جرم از میان نرود و امورین مدلیه یا نظمی بتوانند قضیه را تعقیب کنند و چهار ساعت در اکم نیست راجع بیست و چهار ساعت در اکم نیست

و این مسئله هم اشتباه نشود در جاهای که کبیر و گداه است و مسائل دیگری برای کشف جرم هست و ضروری ندارد که با مردم یک هم راهی شده باشد مخصوصاً در اول وضع یک قانونی آنهم در مقابل یک مجازاتهایی که بعقد بعضی ها خیلی سخت است باید این مساعدت را با مردم کرد رئیس- آقای ضیاءالواعظین (اجازه) ضیاءالواعظین - بنده هم پیشنهاد سه روز را تقدیم مقام ریاست کرده بودم و برای رفع سوء تفاهمی که مذاکره شد لازم است عرض کنم که برای قابلات و غسالیها دو وظیفه است: یک وظیفه مهم اصلی و یک وظیفه فرعی. وظیفه اصلی عبارت است از اطلاع دادن تولدات یا فوت بنظمیه برای اینست که نظمی مأمور تعقیب است و ما در این قانون برای قابلات و غسالیها یک وظیفه فرعی هم معین میکنیم و آن عبارت است از اینکه بعد از آنکه با امورین نظمی اطلاع دادند آنوقت مأمورین نظمی اگر فوت بان ترتیبی که آقای شیروانی فرمودند اتفاق افتاده بود قضیه را تحت تعقیب در آورند پس از آن باید با امورین سجلی احوال هم اطلاع بدهند در اینصورت چون این یک وظیفه فرعی است بنا بر این بنده این پیشنهاد را کردم و همانطور هم که اظهار کردند در ایلات و عشایر و دهات دور و نزدیک قابلات و غسالیها در ظرف بیست و چهار ساعت نمیتوانند اطلاع بدهند رئیس- آقای شیروانی - بنده هم پیشنهاد کرده ام که سه روز را قابل توجه مینداند قیام بفرمایند (اكثر قیام نمودند) رئیس - تصویب شد ماده مراجع می شود بکمیسیون و بلا چند دقیقه تنفس داده می شود (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً ریاست آقای سهام - نایب رئیس - ماده چهاردهم قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد) ماده چهاردهم - در فایده رئیس خانواده پدر یا مادر یا اولاد دارد یا زوجین هر کس که قائم مقام آنها باشد مجبورند تولد و فوت و ازدواج و طلاق را در مهلتیکه در ماده عقید شده به مأمور سجلی احوال راپورت دهند نایب رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه) سلطان العلماء - چون در این ماده هم لفظ خانواده دارد بنده تصور می کنم که این هم باید بکمیسیون برگردد

مخبر - نظر به همان اشکال تقاضا میکنم بکمیسیون برگردد نایب رئیس - ماده پانزدهم قرائت می شود (بشرح ذیل قرائت شد) ماده پانزدهم - هموماً مأمورین سجلی احوال باید ولادت و فوت ازدواج و طلاق ساکنین محل خود را در ظرف سه روز از اول ماه بعد بحکومت راپورت دهند نایب رئیس - مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) رأی می گیریم بماده پانزدهم آقایانی که موافقت می فرمایند (اغلب قیام نمودند) نایب رئیس - تصویب شد ماده شانزدهم قرائت می شود (بشرح آتی خوانده شد) ماده شانزدهم - هر یک از مأمورین سجلی احوال چهار دفتر دفتر برای ولادت فوت ازدواج و طلاق خواهند داشت نایب رئیس - مخالفی ندارد گفتند غیر رأی می گیریم باین ماده آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب برخاستند) نایب رئیس - تصویب شد ماده هفدهم قرائت می شود (بشرح ذیل قرائت شد) ماده هفدهم - در هر کس که در ولایتی ولادت کرد و در آن ولایتی تربیت داده می شود که ولادت اشخاص در آن دفتر بترتیب وقوع در یک ستون و در ستونهای دیگر ازدواج و طلاق و وفات آنها ثبت می شود نمونه نمره ۸ نایب رئیس - مخالفی نداده (بعضی از نمایندگان - خیر) نایب رئیس - رأی می گیریم بماده مقدمه آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) نایب رئیس - تصویب شد ماده هجدهم قرائت شد (اینطور خوانده شد) ماده هجدهم - در کلیه دفاتر سجلی احوال اعداد باید با تمام حروف بضمیه ارقام هندسی نوشته شود و تاریخ شمسی باشد و ممکن است با تاریخ قمری نیز تطبیق شود نایب رئیس - آقای وکیل الملك (اجازه) وکیل الملك - اینجا می نویسد و ممکن است با تاریخ قمری هم تطبیق نماید در صورتیکه ما همیشه اسامی مشهور و تاریخ قمری را برای اعیان و امور مذهبی لازم داریم و بنده معتقدم ممکن است

حذف شود و برای اینکه در آنجا اشکالها پیش نیاید که آنرا یک مسئله قانونی بکنیم و پیشنهادم کرده ام دو کلمه ممکن است حذف شود رئیس - آقای آقا سید یعقوب آقا سید یعقوب - مرضی ندارم نایب رئیس - آقای شیخ الرئیس (اجازه) شاهزاده شیخ الرئیس - کلمه باید نوشته شود زیرا اشکال در این است که تطبیق آنطور که بنظر آقایان آسان است منظور نیست و بواسطه اختلافی که در همه ما هم اتفاق می افتد اسباب زحمت میشود و نباید الزام کرد باید گفت اگر تطبیق آن با تاریخ قمری اشکال نداشته باشد تطبیق شود ولی غالباً ممکن است یک اغلاطی پیدا شود که بسر اشکالانش افزوده شود البته کلمه (باید) لازم است ولی اگر نتوانست صحیحاً تطبیق کند اهمیتی ندارد مسام است که ماههای متعارفی ما ماههای شمسی بکندری مشکل است و گاهی اشخاص اهل علم هم در میان چند سده با امورین سجلی احوال یا فلان رعیت نایب رئیس - آقای عراقی (اجازه) حاج آقا اسمعیل عراقی - بنده با فرمایشات شاهزاده شیخ الرئیس مخالفم و پیش نهادی در آقای وکیل الملك تقدیم کردند پیش نهاد خوبی بود برای اینکه ما باید دو چیز را ملحوظ نظر داشته باشیم و هر دو نای آنها اثر است یکی از قومیت و ملیت ما است که عبارت از تاریخ ایران است دیگری هم اثرند ما است که عبارت از شهر قمری است و باید هر دو تاریخ را معلوم کنیم نه اینکه تاریخ شمسی را مجبور باشیم ولی نسبت به تاریخ قمری میخواهند ثبت نکنند بنا بر این باید همان اجباری را که برای ثبت تاریخ شمسی داریم نسبت به شهر قمری هم برای مذهبمان داشته باشیم جمعی از نمایندگان - مذاکرات کانی است

اجازه بدهند که بنده توضیح بدهم که سوء تفاهم پیش نیاید نایب رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانیکه مذاکرات را کانی می دانند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند) نایب رئیس - معلوم می شود کافی نیست آقای وکیل الملك (اجازه) وکیل الملك - مخالفم نایب رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه) سلطان العلماء - مخالفم نایب رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه) حاج میرزا عبدالوهاب - بنده هم مخالفم نایب رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه) شیخ الرئیس - با آن توضیحات مفصلی که عرض کردم باز آقایان اشکال کردند عرض کردم ماههایی که از همه سهاتر است ماههای قمری است و لا تطبیق آن اشکال دارد و حالا اگر آقایان برعکس پیشنهاد کنند بنده هم موافقت می کنم برای این که ماههای ما قمری است و از هر کس سئوال کنند چقدر عمر داری اگر بگویند سی و پنج یا سی و شش سال مقصود ماههای قمری است و ابتدا خیالش متوجه ماههای شمسی نیست مثلاً اگر کسی بگوید سن من هفتاد سال است مقصودش سال قمری است باین جهت بنده عرض میکنم اگر آقایان مایلند ماههای قمری را اصل قرار بدهند و بگویند در صورت امکان با سال شمسی تطبیق کنند ولی اگر میخواهیم الزام کنیم این الزام برای مأمورین اسباب اشکال و زحمت است لهذا اشکالاتی که آقا فرمودند گمان نمیکنم وارد باشد نایب رئیس - آقای وکیل الملك (اجازه) وکیل الملك - تصور می کنم حضرت والا درست بعرض بنده انتقادات فرمودند نسبت بکفایت مذاکرات بنده با کفایت مذاکرات مخالفم برای اینکه اشکال کردند که فلان رعیت یا فلان دهانی نمیتوانند تاریخ قمری را با شمسی تطبیق کنند در دفاتر باید این دو تاریخ را با هم تطبیق کنند و دفتر هم دست مأمور یا حکومت مجلس اجازه بدهد اگر نسبت به نطق یک نفر وکیل سوء تفاهمی میشود آن وکیل اظهارات خودش را بکند و حق یک نفر را توضیح نفرمایند و متصرفانه خواهش میکنم

ندارد پیشنهاد میکنم در ماده ۶ کلمه (ممکن است) حذف شود پیشنهاد آقای صدر الاسلام بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۸ جمله و ممکن است یا تاریخ قمری نیز تطبیق شود باین عبارت تبدیل شود که باید با تاریخ قمری نیز تطبیق شود و اگر در باره اوقات اختلاف نجومی حاصل شود در ستون مخصوص ملاحظاتی قید شود پیشنهاد آقای مشاره اعظم ماده ۱۸ این نحو اصلاح شود در کلیه دفاتر سجلی احوال تاریخ شمسی با تمام حروف بضمیه ارقام هندسی نوشته شود و تاریخ قمری نیز درج خواهد شد پیشنهاد آقای سلطان العلماء بنده پیشنهاد میکنم کلمه ممکن در ماده (۱۸) تبدیل شده باید (بیشهاد آقای وکیل الملك مجدداً قرائت شد) نایب رئیس - آقای وکیل الملك (اجازه) وکیل الملك - بنده توضیح دیگری ندارم فقط بخواستم کلمه ممکن است حذف شود و اقلاً يك الزامی باشد ولی حالیش نهاد آقای سلطان العلماء را قبول میکنم نایب رئیس - پیشنهاد آقای سلطان العلماء (مجدداً بشرح فوق خوانده شد) سلطان العلماء - بنده تصور میکنم که يك اشتباهی در اینجا شده است و اگر آن اشتباه رفع شود آقایان باین پیشنهاد رأی خواهند داد بنده گمان میکنم که شاهزاده شیخ الرئیس اینطور تصور کرده باشند که چون حالا معمول است اشخاصی که میروند و رفته هويت بگیرند تاریخ ولادت خودشان را میگویند مثلاً میگویند تولد من در سنه ۱۳۰۰ بوده است آنوقت ناچارند این تاریخ را با تاریخ شمسی تبدیل کنند و این يك مدتی وقت لازم دارد ولی این طور نیست فقط نوشته است فلان شخصی سالت فلانقدر آنوقت مأمور سجلی احوال میتوسد مطابق ۱۳۲۰ هجری یا هزار و سیصد و چهل و یا چهل و پنج هجری و این ترتیب وقت زیادی لازم ندارد فقط يك ستون در دفتر زیاد میشود نایب رئیس - عقیده بکمیسیون چیست؟ مخبر - بنده تصور میکنم که این موضوع اینقدر طول و مرض لازم ندارد يك تاریخی است میتویسنده اینجا هم گفته اند تاریخ را با تمام حروف برای اینکه نشود آن را تغییر داد مثلاً ۱۳۴۰ یا هزار و سیصد و چهل و پنج این را با تمام حروف میتویسنده هم

پیشنهاد میکنم در ماده ۶ کلمه (ممکن است) حذف شود پیشنهاد آقای صدر الاسلام بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۸ جمله و ممکن است یا تاریخ قمری نیز تطبیق شود باین عبارت تبدیل شود که باید با تاریخ قمری نیز تطبیق شود و اگر در باره اوقات اختلاف نجومی حاصل شود در ستون مخصوص ملاحظاتی قید شود پیشنهاد آقای مشاره اعظم ماده ۱۸ این نحو اصلاح شود در کلیه دفاتر سجلی احوال تاریخ شمسی با تمام حروف بضمیه ارقام هندسی نوشته شود و تاریخ قمری نیز درج خواهد شد پیشنهاد آقای سلطان العلماء بنده پیشنهاد میکنم کلمه ممکن در ماده (۱۸) تبدیل شده باید (بیشهاد آقای وکیل الملك مجدداً قرائت شد) نایب رئیس - آقای وکیل الملك (اجازه) وکیل الملك - بنده توضیح دیگری ندارم فقط بخواستم کلمه ممکن است حذف شود و اقلاً يك الزامی باشد ولی حالیش نهاد آقای سلطان العلماء را قبول میکنم نایب رئیس - پیشنهاد آقای سلطان العلماء (مجدداً بشرح فوق خوانده شد) سلطان العلماء - بنده تصور میکنم که يك اشتباهی در اینجا شده است و اگر آن اشتباه رفع شود آقایان باین پیشنهاد رأی خواهند داد بنده گمان میکنم که شاهزاده شیخ الرئیس اینطور تصور کرده باشند که چون حالا معمول است اشخاصی که میروند و رفته هويت بگیرند تاریخ ولادت خودشان را میگویند مثلاً میگویند تولد من در سنه ۱۳۰۰ بوده است آنوقت ناچارند این تاریخ را با تاریخ شمسی تبدیل کنند و این يك مدتی وقت لازم دارد ولی این طور نیست فقط نوشته است فلان شخصی سالت فلانقدر آنوقت مأمور سجلی احوال میتوسد مطابق ۱۳۲۰ هجری یا هزار و سیصد و چهل و یا چهل و پنج هجری و این ترتیب وقت زیادی لازم ندارد فقط يك ستون در دفتر زیاد میشود نایب رئیس - عقیده بکمیسیون چیست؟ مخبر - بنده تصور میکنم که این موضوع اینقدر طول و مرض لازم ندارد يك تاریخی است میتویسنده اینجا هم گفته اند تاریخ را با تمام حروف برای اینکه نشود آن را تغییر داد مثلاً ۱۳۴۰ یا هزار و سیصد و چهل و پنج این را با تمام حروف میتویسنده هم

اعداد رقومی را بهلوش بگذار و تاریخ هم شمس باشد و ممکن هم هست باناریخ قمری تطبیق کنند و این قدر اشکال ندارد.

نایب رئیس - رأی میگیریم بمقابل توجه بودن پیشنهاد آقای سلطان العلماء آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اكثر قیام نمودند)
نایب رئیس - قابل توجه شد. ماده ۱۸ بکمیسیون ارجاع می شود. ماده نوزدهم.

(بشرح آتی خوانده شد)
ماده نوزدهم - دفاتر سجل احوال به استثنای دفتر مذکور در ماده ۷ سال سال تجدید شده اوراق آن را قبلا باید رئیس نظمه در شهرها و صاحب منصبان امینه در قصبات و قراه گذارده امضا نمایند.

نایب رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه)
سلطان العلماء - بنده میخواستم آقای مخبر توضیح بدهند که سجل احوال دفترش تجدید میشود یا اینکه دو مرتبه باید رفت و سجل احوال گرفت.
مخبر - اوراق هویت و اظهار نامه تجدید نمیشود.

فقط در هر سال دفاتر قدیم را برکز کل میفرستند که در آن دفاتر جدید در اول سال ثبت کنند.

نایب رئیس - آقای شروانی شروانی موافقم
نایب رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس شاهزاده شیخ الرئیس - عرضی ندارم.

نایب رئیس - مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) رأی میگیریم بماده نوزده آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)
نایب رئیس - تصویب شد. ماده بیست.

(بشرح آتی خوانده شد)
ماده بیست - دفاتر سجل احوال باید یا کیزه و مرتب نوشته شده و بین السطور چیزی نوشته نشود و جای سفید نداشته باشد و هر گاه در نوشتن سهوی حاصل شده و محتاج تصحیح شود ذیل آن را باید مأمور سجل احوال و نویسنده دفتر تصدیق نمایند.

نایب رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)
حائری زاده - بنده در شور اول هم عرض کردم که این فستها باید در نظامنامه اداری نوشته شود.

نباید وقت مجلس را صرف این ترتیبات کرد که دفتر را باید کیزه نوشت و چه طور خط کشی کرد و اگر شراب شد باید چه کنند اینها را باید در نظامنامه های اداری نوشت.

مخبر - نماینده محترم در اینجا کاملا اشتباه کردند اینها یک اصولی است که باید کاملا در قانون رعایت شود برای اینکه دفاتر سجل احوال بعد از این تصدیق دارد در مواقع فوق العاده یا مواقعی که لازم می شود.

بموجب آنها حکم از معاشره صادر میشود و اگر یک چیز کتیب محکوم قام خورده باشد چیزی از آن فهمیده نمیشود پس این موضوع باید در جبهه قانون باشد این مراعاتها را بکنند و نظامات اداری غیر از اینها است.

شیخ الرئیس - بنده عرضی دارم
نایب رئیس - موافقتیا مخالف؟
شیخ الرئیس - مخالفم
نایب رئیس - بفرمائید
شیخ الرئیس - در این ماده نوشته است جای سفید نداشته باشد بنده نمی فهمم یعنی چه.

آیا جای یک نقطه؟ یا یک سطر یا یک صفحه یا یک ورق؟ آخر جای سفید یعنی چه؟ باید یک چیزی باشد که معلوم باشد والا مطلق جایم مکان این معنی ندارد پس باید روی دفتر مرکب بمالند و تمام را سیاه کنند تا اینکه جای سفید نداشته باشند.

بنده که نمی فهمم مقصود چیست. خوبست آقای مخبر توضیح بدهند که بفهمم.

مخبر - جای سفید نداشته باشد البته مقصود این نیست که مرکب بمالند و روی صفحه را سیاه کنند مقصود این است که آن جداولی که در این صفحه رسم شده است باز نگذارند که بعدا بتوانند چیزی بنویسند و مستطیح هم هست.

یعنی آن محفاتی را که باید بنویسند باز نگذارند و یک محل دیگری را بنویسند و هیچ کس حکم نمیکند مقصود از اینکه جای سفید نداشته باشد یعنی همه را مرکب بمالند و سیاه کنند.

بعضی از نمایندگان مذاکرات کافی است (بعضی گفتند کافی نیست)

نایب رئیس - رأی می گیریم آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (فده کنیری قیام نمودند)

نایب رئیس - معلوم می شود کافی است پیشنهاد آقای ضیاءالواعظین قرائت می شود.

(بشرح ذیل قرائت شد)
پیشنهاد می شود که در ماده ۲۰ بنده از مأمور سجل احوال و نویسنده دفتر علاوه شده و اظهار کننده یاد کرد دلایلی تصدیق نمایند.

ضیاءالواعظین - همینطوری که آقایان فرمودند این ماده یکی از مواد اساسی است

نکرده یا یک اختلافی ممکن است بین اداره و شخص دیگر پیدا شود و این عبارت باید توضیح داده شود که مراد از اختلاف چیست بموارد در محاکم ابتدائی و در صورت نبودن آن در محاکم صلح رسیدگی بعمل می آید. این هم تا یک اندازه تولید اشکال می کند بواسطه اینکه با وضعیاتی که مادر این مملکت داریم و محاکم صلح همان هر روز متعل می شود و ازین هم بود آتوقت در یک جای بزرگی که محکمه صلح ندارد چه باید کرد؟

پس باید یک طوری کرد که اسباب اشکال برای مردم نشود. مثلا در یک جائی که محکمه صلح ندارد شخص باید بجای فرسخ راه برود تا برسد بمکه صلح و در آنجا ثابت کند این چیزی که در دفتر سجل احوال نوشته شده است صحیح است یا نه؟

این خیلی اسباب زحمت است و باید اصلاح شود. از این جهت بنده مخالفم و باید توضیح داده شود.

مخبر - فرمایش نماینده محترم دو قسمت بود یکی اینکه اختلاف بین چه اشخاصی پیدا می شود عرض می کنم هر اختلافی که منجر بمحاکمه شود باید در آنجا ثابت کند.

بسیار خوب می شود حالا خواه اختلاف مابین دو نفر باشد خواه مابین شخص یا از اهل باشد با شخصی یا دولت.

قسمت دومی که فرمودید عرض میکنم که البته باید یک محکمه صالحه باین کار رسیدگی کند حالا اگر بخواهیم کدخدای محل بآن معاکه رسیدگی کند آتوقت چنانچه ای که رئیس اداره امور هستند با اعتنائی نمی کنند پس باید یک محکمه صلاحیت داری رسیدگی کند.

حالا اینجا نوشته است اگر در جائی محکمه نبود بمحکمه صلحی که نزدیکتر بآن محل محاکم مزبور بموجب احکام نظمه اسناد مذکور ابطال نشود دارای اعتبار خواهد بود فقط محاکم مزبور نمیتوانند تصحیح آن اسناد کتباً امضا کنند در این صورت مأمور سجل احوال رأی محکمه را در دفتر مخصوص ثبت و در حاشیه دفتر اصلاح شده قید مینماید.

نایب رئیس - تصویب شد ماده ۲۱ قرائت می شود (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده بیست و یکم - هر گاه اختلافی راجع باسناد سجل احوال ایجاد شود رسیدگی آن در محاکم ابتدائی و در صورت نبودن آن در نزدیکترین محاکم صلح بعمل می آید و تا موقعی که از طرف محاکم مزبور بموجب احکام نظمه اسناد مذکور ابطال نشود دارای اعتبار خواهد بود فقط محاکم مزبور نمیتوانند تصحیح آن اسناد کتباً امضا کنند در این صورت مأمور سجل احوال رأی محکمه را در دفتر مخصوص ثبت و در حاشیه دفتر اصلاح شده قید مینماید.

نایب رئیس - تصویب شد ماده بیست و دو (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده بیست و دو - هر گاه اختلافی راجع باسناد سجل احوال ایجاد شود رسیدگی آن در محاکم ابتدائی و در صورت نبودن آن در نزدیکترین محاکم صلح بعمل می آید و تا موقعی که از طرف محاکم مزبور بموجب احکام نظمه اسناد مذکور ابطال نشود دارای اعتبار خواهد بود فقط محاکم مزبور نمیتوانند تصحیح آن اسناد کتباً امضا کنند در این صورت مأمور سجل احوال رأی محکمه را در دفتر مخصوص ثبت و در حاشیه دفتر اصلاح شده قید مینماید.

نایب رئیس - تصویب شد ماده بیست و سه (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده بیست و سه - هر گاه اختلافی راجع باسناد سجل احوال ایجاد شود رسیدگی آن در محاکم ابتدائی و در صورت نبودن آن در نزدیکترین محاکم صلح بعمل می آید و تا موقعی که از طرف محاکم مزبور بموجب احکام نظمه اسناد مذکور ابطال نشود دارای اعتبار خواهد بود فقط محاکم مزبور نمیتوانند تصحیح آن اسناد کتباً امضا کنند در این صورت مأمور سجل احوال رأی محکمه را در دفتر مخصوص ثبت و در حاشیه دفتر اصلاح شده قید مینماید.

نایب رئیس - تصویب شد ماده بیست و چهار (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده بیست و چهار - هر گاه اختلافی راجع باسناد سجل احوال ایجاد شود رسیدگی آن در محاکم ابتدائی و در صورت نبودن آن در نزدیکترین محاکم صلح بعمل می آید و تا موقعی که از طرف محاکم مزبور بموجب احکام نظمه اسناد مذکور ابطال نشود دارای اعتبار خواهد بود فقط محاکم مزبور نمیتوانند تصحیح آن اسناد کتباً امضا کنند در این صورت مأمور سجل احوال رأی محکمه را در دفتر مخصوص ثبت و در حاشیه دفتر اصلاح شده قید مینماید.

و قرا بتصدیق نظمه باشیبات آن در شهر ما و ایاب الحکومه در قصبات و کدخدای دهات از تأدی وجه تمیر معاف خواهند بود.

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب موافقم
نایب رئیس - آقای ضیاءالملك (اجازه)

ضیاءالملك این مبانی که در این جا بنام الصاق تمیر نوشته شده بقیه بنده خیلی زیاد است زیرا ممکنست اغلب از رعایا نتوانند یک قران بدهند از این جهت بنده پیشنهاد میکنم دهشاهی شود.

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب بنده میخواستم توجه آقای ضیاءالملك را جلب کنم باینکه قوانینی که برای نفع مردم و مملکت میکنند یک قدری توجه بمخارجش هم میکنند.

زیر این قانون بمنزله یک قدمی است که مملکت مابطرف تمدن بر میدارد و این یکقران هم چیزی نیست که زیاد باشد و کسی از عهده برنماید بنابراین مذاکره لازم ندارد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرت کافیست.
نایب رئیس - (خطاب آقای ضیاءالملك) پیشنهادی دارید

ضیاءالملك بلی (پیشنهاد ایشان تسلیم و بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم دهشاهی وجه تمیر گرفته شود.
نایب رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقای ضیاءالملك آقایان موافقین قیام فرمایند.

(چند نفری برخاسته)
نایب رئیس - قابل توجه نشد رأی میگیریم بماده بیست و دو آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)
نایب رئیس - تصویب شد ماده بیست و سوم.

(بعضیون ذیل قرائت شد)
ماده بیست و سوم - پس از یکسال از تاریخ اجرای سجل احوال مأمورین دولتی موظفند در موقع صدور کلیه اشخاص با ادارات و کلیه مراجعات اشخاص با ادارات دولتی ورقه هویت معطال نمایند والا مطابق ماده بیست و هفتم مجازات خواهند شد.

نایب رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)
نصرت الدوله بنده خواستم از آقای مخبر سوال کنم که مراجعه اشخاص با ادارات

مقصودشان بوده یا اینکه نظر خاصی داشته اند چون در اینجا «یا» نوشته شده است و البته با ادارات بنظر صحیحی می آید مخبر بلی با ادارات «» بوده است در تطبیع غلط شده جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است.

نایب رئیس - آقای ضیاءالواعظین (بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای ضیاءالواعظین (بشرح ذیل قرائت شد)
پیشنهاد میشود که تبصره هیچک از ادارات دولتی و اشخاص متفرقه اجازه ندهند که اوراق هویت را علامت یا نمره گذاشته با دداشتی نمایند و یا اینکه در مندرجات ورقه چیزی اضافه یا کسر کنند.

ضیاءالواعظین بنده تصور میکنم توضیح زیادی لازم نباشد در اینجا نوشته شده است.

مأمورین دولتی موظفند در موقع صدور کلیه اسناد رسمی از قبیل ترعه انتخابات و جواز حمل اسلحه و غیره آن اوراق را ببینند و اجازه بدهند.

بنابراین بنده پیشنهاد کردم که اوراق هویت را هیچ شخصی نمیتواند رویش علامت بگذارد.

زیرا ممکنست که مأمورین حمل اسلحه اوراق را به بینند بکنشانه بگذارند و بعدا چنین نظار ببینند یک علامتی هم روی آن بگذارند.

و بالاخره این اسباب اشکال میشود و باید بروند و اوراق هویت خود را عوض کنند برای اینست که پنج علامت روی آن گذاشته شده است.

بنا بر این بنده پیشنهاد کردم که هیچ اداره شخصی نمیتواند نمره یا علامتی روی اوراق هویت بگذارد.

مخبر - پیشنهاد نماینده محترم بکلی نقض غرض است زیرا مقصود از اینکه ورقه هویت هویت را بانچمن آرا بدهند اینست که در آنجا نمره گذاشته شود که اگر دفعه ثانی خواست ترعه بگیرد بگویند تویک ترعه گرفته.

اگر بنا بشود روی ورقه نمره نگذارند ممکنست مثل حالا باشد پس نتیجه ورقه هویت چه میشود؟

زیرا حالا یک اشخاصی پنج مرتبه ترعه میگیرند آتوقت هم با داشتن ورقه هویت (سند هم در دست دارند) پنج مرتبه ترعه میگیرند.

ولی در این صورت البته تفتیش میکنند جلو گیری از تقلبات میشود.

نایب رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقای ضیاءالواعظین (بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای ضیاءالواعظین (بشرح ذیل قرائت شد)
پیشنهاد میشود که تبصره هیچک از ادارات دولتی و اشخاص متفرقه اجازه ندهند که اوراق هویت را علامت یا نمره گذاشته با دداشتی نمایند و یا اینکه در مندرجات ورقه چیزی اضافه یا کسر کنند.

ضیاءالواعظین بنده تصور میکنم توضیح زیادی لازم نباشد در اینجا نوشته شده است.

آقای ضیاءالواعظین آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قبلی قیام نمودند)

نایب رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد شاهزاده نصره العوله (بشرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۲۳ باین ترتیب نوشته شود:

پس از یکسال از تاریخ اجرای سجل احوال در هر محل **نصرت الدوله** - این پیشنهاد بنده لازم بتوضیح نیست گمان میکنم اگر آقای مخبر هم توجه کند قبول بفرمایند برای اینکه این تکلیفی که از برای مأمورین معین میشود باید مربوط بهر معلی باشد که قانون اجرا شود.

زیرا قانون در تمام مملکت یکمرتبه اجرا خواهد شد.

لهذا بنده اینطور پیشنهاد کردم که لفظ هر محل علاوه شود **مخبر** - صحیحست همه جا باید نوشته شود.

در هر محل بعد از تاسیس شعب سجل احوال در اینجا هم قبول میکنم نوشته شود پس از یکسال در هر محل **نایب رئیس** - رأی میگیریم بنده با اصلاحی که آقای مخبر قبول کردند.

آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد ماده بیست و چهار.

(بشرح ذیل قرائت شد)
ماده بیست و چهار - پس از یکسال از اجرای سجل احوال کسانی که ورقه هویت نداشته باشند با تکالیفی که در مواد یک و دو و چهار و نه و چهارده بر عهده آنها قرار گرفته انجام نمایند از دو روز تا ده روز و در صورت تکرار از ده روز تا یک ماه بحکم محکمه صالحه حبس خواهند شد.

نایب رئیس - آقای عراقی (اجازه)
حاج آقا اسمعیل عراقی - بنده با این ماده مخالف نیستم میخواستم تذکری بدهم که این ماده هم همان پیشنهاد حضرت والامیخواهد چون مینویسد پس از یکسال از اجرای سجل احوال در اینجا هم یک لفظ در هر محل میخواهد.

معاون وزارت داخله - باید این طور اصلاح شود: «پس از یکسال از تاریخ تاسیس شعب سجل احوال در هر محل»

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب موافقتیا مخالف؟

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم خواستم

بآقای مخبر و آقای منصور الملک عرض کنم که خوبست این ماده را هم برگردانند برای اینکه در اینجا نوشته است تکالیفی که در ماده ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و گاهی از آن جمله تکالیف رئیس خانواده بود که شما هنوز خود رئیس خانواده را معین نفرموده اید.

شیر وانی - معین میشود. **آقا سید یعقوب** - آخر شاید قانونی برای رئیس خانواده می نویسد در صورتی که هنوز رئیس خانواده معلوم نشده که کیست.

گرچه بنده خودم پیشنهاد کردم که رئیس خانواده پدر است یا جد پدری ولی هر ضم اینست چون شما در اینجا میخواهید یک مجازاتی برای رئیس خانواده قابل شوبه آن رئیس خانواده را معین کنید که دایر اش بچه اند از ما است.

آن وقت مجازات برایش معین کنید این بود عرض بنده.

مخبر - گمان میکنم اعتراض نماینده محترم وارد نباشد برای اینکه البته رئیس خانواده پارئیس عالمه یا هر چه نوشته شود و رئیس خانواده را معین کنید این احکامی که معین میشود در حق آن رئیس خانواده اجراء میشود.

حالا هر کس هست باشد و این ماده ارتباطی با سایر مواد ندارد.

نایب رئیس - آقای داور (اجازه)
داور - عرضی ندارم.

نایب رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)
نصرت الدوله - عرضی ندارم.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

نایب رئیس - کافیست؟ (بعضی گفتند بلی کافی است)

نایب رئیس - پیشنهادها قرائت می شود.

پیشنهاد آقای سلطان العلماء (بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم چون ماده دو و ۱۴ و ۹ بکمیسیون عودت داده شده این ماده هم بکمیسیون مراجعه شود.

سلطان العلماء - اینجا در این ماده اجازه داده است بماده ۲۰ و ۲۱ و ۹ در صورتیکه اساساً با آن مواد جمعی مخالفند که یکی از مخالفین هم خود بنده هستم و اگر بنا باشد آن تکالیف اجرا نشود این ماده هم باید با همان موادی که هست تطبیق بشود.

بنده با آن تکالیف مخالفم و در موقعش هم صحبت خواهم کرد.

نایب رئیس - رأی میگیریم: پیش نهاد آقای سلطان العلماء.

قصدین - معنی است برای نیست باینکه بر

قصدین - معنی است برای نیست باینکه بر

گردد به کیسیون چون آن مواد هنوز نگذشته است.

نایب رئیس - چون آن مواد هنوز نگذشته است گمان میکنم این مواد هم باید بر گردد بکیسیون.

جمعی از نمایندگان - صبح است.

نایب رئیس ماده ۳۵ (شرح ذیل قرائت شد)

ماده بیست و پنجم - کسانیکه سند سجد احوال جعلی یا عالمی سند معمول استعمال نمایند از ۶ ماه تا ۳ سال و مرتکبین اظهارات یا شهادت کذب در مورد اسناد سجد احوال از ۳ ماه تا ۲ سال محکوم محکمه صالحه محکوم بجهس میبوند و در صورت تکرار مجازات مندرجه درین ماده تشدید میشود ولی در هر صورت از دو برابر مجازات مورد اول تجاوز نخواهد کرد.

مغیر در اینجام بنویسد «کسانیکه سند سجد احوال جعلی...» لفظ جعلی غلط است و جعل باید باشد آقایان اصلاح بفرمایند.

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - موافقم.

نایب رئیس - آقای سردار هاشمیر (اجازه)

مردار هاشمیر - موافقم ولی توضیحی دارم.

نایب رئیس - تأمل بفرمایند. آقای یاسائی.

(اجازه)

یاسائی - موافقم.

نایب رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - بنده عبارت را صحیح نمیدانم و این ترتیب را هم که آقای مغیر اصلاح کردند درست ملتفت نشدم خوب است تکرار بفرمایند برای اینکه میتویسد کسانی که سند سجد احوال جعلی در صورتیکه باید جعل کنند باشد.

مغیر - مقصود جعل است کسانی که سند سجد احوال جعل یا عالمی سند معمول استعمال نمایند.

حالا اگر آقایان بخواهند لفظ «کنند» بعد از جعل نوشته شود ضرر ندارد نوشته شود.

جعل کنند یا عالمی سند معمول استعمال نمایند.

نایب رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه)

وکیل الملک - اینجام بنویسد «کسانی که سند سجد احوال جعل کنند یا عالمی سند معمول استعمال نمایند از شش ماه تا سه سال...»

حسب خواهند شد و هیچ قرارداده است که اگر ثابت شد اینکار را بکنند برای

اینکه ممکنست همان مأمور سجد احوال بایک نفر طرف باشد و برود یک چیزی درست کند بگوید این شخص این سجد احوال را جعل کرده است و بالاخره سه سال حبس محکومش نماید.

با این طرز بنده مخالفم و عقیده دارم نوشته شود پس از اینکه ثابت شد محکوم بهس خواهد شد.

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - در اینجا عنوان محکمه را دارد و هیچ لازم نیست درین ماده چیز دیگری اضافه شود.

آقا میفرمایند اگر نوشته نشود ممکنست فوراً مأمورین او را بکشند و وزارت داخله و او را حبس کنند خیر آقا؟

در اینجا محکمه صالحه رسیدگی می کند با همان ترتیباتی که برای این کار معین شده است و حکم میدهد و قبل از رسیدگی محکمه کسی را حبس نمیکند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافیست.

نایب رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - در سطر اول همانطور که مذاکره شد اگر یک دره اضافه شود بهتر است ولی در سطر دوم یک جعلی دارد که بعقیده بنده فارسی نیست و آن این است (که مرتکبین اظهارات یا شهادت کذب در مورد اسناد سجد احوال از سه ماه تا دو سال محکوم محکمه صالحه محکوم بجهس میشوند) «مرتکب اظهارات» این یک عبارتی است که تصور میکنم صحیح نیست برای اینکه اظهارات کذب را نسبت ارتکاب نمیشود داد و باید گفت اظهار کنندگان یا شهادت دهندگان بدروغ و الا این شخص مرتکب شده است بشهادت دروغ این فارسی نیست.

باید گفت شهادت دروغ داده است یا خلاف واقع گفته است و بنظر بنده باید اصلاح شود.

معاون وزارت عدلیه - شهادت کذب خودش یک جرمی است و هر جرمی هم یک مرتکبی میخواهد و بنا بر این مرتکب شهادت کذب بشود. یعنی مرتکب جرمی که شهادت کذب باشد شده است.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافیست.

نایب رئیس - پیشنهاد ها قرائت می شود.

پیشنهاد آقای میرزا ابواله خان شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم - در ماده بیست و پنجم بعد از کلمه استعمال نمایند اضافه شود در صورت ثبوتی آخر.

آقا میرزا ابواله خان بنده گمان میکنم که ضروری ندارد کلمه ثبوت در اینجا اضافه

اصل در همه جا معر زو ثابت است

نایب رئیس - (خطاب آقای مغیر) بعد از احوال يك دره هم اضافه کرده اید؟

نصرت الدوله - «کنند» اضافه شده.

مغیر - اینطور اصلاح شده کسانیکه سند سجد احوال را جعل کنند» (را دیگر ندارد.)

نایب رئیس - ماده یا اصلاحاتی که شده يك دفعه قرائت می شود و رأی میگیریم.

باین ترتیب قرائت شد

کسانیکه سجد احوال جعل کنند یا عالمی سند معمول استعمال نمایند از شش ماه تا سه سال و مرتکبین اظهارات یا شهادت کذب در مورد اسناد سجد احوال از سه ماه تا دو سال محکوم محکمه صالحه محکوم بجهس میشوند و نیز محکوم بتأدیبه خسارات وارده خواهد شد در صورت تکرار مجازات مندرجه در این ماده تشدید میشود ولی در هر صورت از دو برابر مجازات مورد اول تجاوز نخواهد کرد.

نصرت الدوله - بنده تقاضای تجزیه می کنم.

نایب رئیس - کدام قسمت را تجزیه میکنیم؟

آقا شیخ محمد علی طهرانی - در اینجا دو جنبه دارد يك جنبه عمومی و يك جنبه خصوصی.

از جنبه جنبه عمومی جهت جزائیش معین شده که باید از او حبس کرد ولیکن از جنبه جنبه خصوصی مراعاتش نشده زیرا این شخص موجب شده است تولید يك خسارتی را نسبت بیک کس.

فرضاً يك کسی آمده عرض حال داده است که من وارث فلان کس هستم بوجوب این سقدی که در دست دارم و آن شخص را احضار کرده اند و آمده است یکسال هم در زحمت افتاده است بعد از یکسال معلوم شده که سند جعلی است و علاوه بر اینکه حبس میشود.

باید از عهده خسارات آن شخص هم برآید بنا بر این بعقیده بنده باید مراعات جنبه خصوصی هم بشود.

نایب رئیس - عقیده کیسیون چیست؟

مغیر - ضرر ندارد علاوه شود.

مشارعظم - بنده مخالفم.

نایب رئیس - عضو کیسیون هستید؟

مشارعظم - بلی.

نایب رئیس بفرمایند.

مشارعظم - این مطلبی را که آقای آقا شیخ محمد علی فرمودند يك امر طبیعی است.

زیرا هر کسی میتواند از تقاضا نظر حقوق اقامه دعوی بر کسی بکند.

بنا بر این بعقیده بنده تذکر این مسئله در اینجا لازم نیست برای اینکه

(اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد.

قسمت سوم (در صورت تکرار مجازات مندرجه در این ماده تشدید میشود ولی در هر صورت از دو برابر مجازات مواد اول تجاوز نخواهد کرد) رأی گرفته میشود به قسمت سوم آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد - ماده بیست و ششم - تدین - بنده پیشنهاد ختم جلسه میکنم.

نایب رئیس - چند فقره پیشنهاد را جمع بقانون نظام اجباری رسیده است قرائت میشود.

(ابتعاور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در جلسه روز سه شنبه قانون نظام اجباری در جزو دستور در درجه اول باشد

محمد ولی میرزا بنده پیش نهاد میکنم در جلسه آتیبه قانون نظام اجباری مطرح شود.

شریعت زاده بنده پیشنهاد می کنم که قانون نظام عمومی جزو دستور سه شنبه باشد.

ضیاء الملک بنده پیشنهاد میکنم - روزهای پنجشنبه مخصوص بنما کره قانون نظام بوده جزو دستور باشد.

سالار لشکر بنده پیشنهاد میکنم - عده برای رأی کافی نیست.

شیروانی - قانون نظام اجباری مخالفی ندارد.

نایب رئیس - بایستی رأی گرفته شود دستور جلسه آتی به سه جل احوال و پیشنهادات را هم در جلسه بعد رأی میگیریم.

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - موتمن الملک منشی - معظم السلطان

جلسه یکصد و نهم صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه بیستم حوت شعبان المعظم سنه ۱۳۴۳

مجلس دو ساعت و بیست دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای موتمن الملک تشکیل گردید صورت مجلس یوم یکشنبه هجدهم حوت را آقای آقا میرزا جواد خان قرائت نمودند

رئیس - نسبت بصورت مجلس ایرادی نیست؟

جمعی از نمایندگان - خیر

رئیس - آقای میرزا ابواله خان (اجازه)

آقا میرزا ابواله خان - حاضر

محترم آقایان نمایندگان مستعضر است که بنده در هشت ماه قبل پیشنهادی راجع به خشکابیدن سیاه آب های شهریار تقدیم کردم

گمان میکنم در هر دوره مسئله مالاریا در مجلس مطرح است پیشنهادی که بنده تقدیم کردم بکیسیون فواید عامه مراجعه شد و از کیسیون فواید عامه وزارت خود بنده تعقیب کردم و رأی کافی داده شد.

بنده خواستم از نمایندگان محترم استعفا کنم که راجع باین موضوع يك توجه مخصوص بفرمایند و از مغیر کیسیون فواید عامه توضیح بخواهم که علت اینکه هشت ماه است پیشنهاد بنده که راجع به مالاریای شهریار است و اغلب آقایان هم توجه دارند بمجلس نیامده چه بوده و برای چه این اندازه بتأخیر انداخته اند؟

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - هر چه ما میخواهیم اوقات گرانهای مجلس را صرف يك مسائلی نکنیم که اهمیت آن مسائل از فائده کثاری کمتر است نمیشود

متأسفانه يك مطالبی را اگر بخواهیم در جریان تعقیب بکنیم سانسور میشود و هفت هشت نفر نماینده مدیر روزنامه هم که عجاتاً حاضر شده اند تأمل نمایند مسائل اقتصادی يك چیزی است که هر روز در اطراف آن در مجلس حرفهایی زده می شود و در جرائد هم مقالاتی منتشر می شود ولی در عمل هنوز يك قدم اساسی برای اقتصادیات بر نداشته ایم

بلکه آنهایی را هم که داشته ایم تقریباً داریم از دست میدهم موضوع شيلات يك چیزیست که اغلب آقایان نمایندگان مطلعند

که یکی از منابع مهم عایدی این مملکت است و تقریباً در این سه چهار سال اخیر از این محل بزرگ دیناری مملکت ما نشده است.

حالا سبب چیست بنده آنرا عرض نمیکنم.

در هر صورت اخیراً شنیدیم که دولت يك توافق نظری پیدا کرده است و يك قراردادی هم بین دولت ایران و دولت شوروی منعقد شده و امضاء گردیده است و بناست بمجلس شورای ملی بیاورند البته خوب باید

اگر همچو چیزی بمجلس می آمد در مجلس جزئیاتش معلوم می شد و ما پیش مرتفع می گردید و بالاخره این محل بزرگ مابقی از دست ما نمیرفت

بدیستانه بنده شنیده ام این موضوع بزرگ اقتصادی هم رفته است در آنجا هائی که موضوع راه جزو کتانه وسایر موضوعها دفن شده است

بنده مخصوصاً خواستم تذکر بدهم که آقایان نمایندگان دولت را متذکر کنند باینکه اگر يك مشکلاتی و توافقی دارد دولت خودش در نظر بگیرد و رفع کند و زورترا را بمجلس بیاورد که برای بودجه سال آتی به يك مرغوبی که از دست داده بودیم دومرتبه بدست بیاوریم

جمعی از نمایندگان - وارد دستور شویم

رئیس - فائون - سجد احوال از ماده بیست و شش مطرح است.

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده بیست و ششم - حسب هائی که به موجب این قانون مقرر است در صورتیکه از شش ماه تجاوز نکند بمناصب تمکن و یا رعایت کیفیات ارتکاب از قرار روزی يك دو قران تا پنج قران قابل ابتیاع خواهد بود.

رئیس - آقای معتمد السلطنه (اجازه)

معتمد السلطنه - در این باب عرضی ندارم

رئیس - آقای محمد ولی میرزا (اجازه)

محمد ولی میرزا - بنده هم عرضی ندارم

رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - از نقطه نظر حفظ اصول ما بطوریکه در مرتفع دیگر هم عرض کرده اساساً با حبس قابل ابتیاع مخالفم سابقاً هم عرضی کرده ام که قاضی وقتی نصارت می کند بین مجازاتهایی که معین شده است که یکی از آنها حبس است و یکی هم جریمه بین آنها بایستی از روی يك دلائلی خودش مجازات را معین کند و به بنده چه مجازاتی برای آنکس که تقصیری را مرتکب شده است شایسته است

نه اینکه مجازات را طوری قرار دهند که شخص محکوم اگر دارائی داشت حبس خود را بخرد و اگر نداشت برود در مجلس و در حقیقت حبس قابل ابتیاع مخصوص بقراء است.

زیرا شخص فقیر چون چیزی ندارد باید حتماً حبس بشود

حتماً حالا اگر هم لازمست مراعات هر دو مسئله بشود که هم حبس و هم جریمه باشد خوب است نوشته شود که از فلان میزان تا فلان میزان جریمه و از فلان وقت تا فلان وقت حبس که هر کدام را قاضی دانست رأی بدهد نه اینکه کسی که پول دارد حبس

خودش را بخرد و اگر نداشت و نتوانست پول بدهد حبس بشود و بالاخره چون استعاضات ندارد باج فقر را بدهد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - این مسئله مکرر در مجلس محل صحبت واقع شده و آقای داور هم که یکی از حقوقدانها هستند بیانات شافی کرده اند

ولی در تمام مواقع گمان نمیکنم يك فلسفه کلیات کند.

ما نظارت داریم هم در قانون الهی و هم در قانون مملکتی که تغییر نسبت بمجازات هست.

یعنی کسیکه تغلف از قانون کرد مجازاتی که نسبت باو باید بشود مغیر است این را قبول کنید آنرا و این مسئله نظیر هم دارد و باید قوانین تمام جاهارا ملاحظه کرد.

بنده هم جزء اشخاصی هستم که عقیده دارم تغلف از قانون مجازات دارد مسلم است قانون نباید بدون مجازات باشد برای اینکه اگر بدون مجازات باشد عنوان وعظ و نصیحت را پیدا میکند نه عنوان قانون و سیاست.

ولی در اینکه باید فوق العاده فشار و سختی بشود و در هر موضوع که ما صحبت میکنیم قراء و لغتیار را جدو بکشم که قراء میروند حبس و اغتیاء نمیروند مخالفم و این ترتیب خوب نیست.

شما خودتان از فلاسفه هستید عنوان قانون را پیش بیاورید نه اینکه فقیر میروند حبس و غنی نمیرود.

بعلاوه چون این قانون حقیقه یکی از مراتب اولیه قوانین است و کم کم می خواهد در آن وارد شویم از ابتدا نباید فوق العاده سخت و شدید باشد و مجازاتهای قوی داشته باشد.

اول باید مجازاتش کم باشد و بعد که جریان پیدا کرد مجازات را شدیدتر کنیم البته مشروطیت ما که تعطیل بردار نیست انشاءالله در دوره هفتم هشتم این مجازاتها را شدیدتر میکنیم و این تغییر برای تغلف از قانون هیچ ضرر ندارد و برای پیش رفت قانون هم بهتر خواهد بود.

رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - عرض کنم این مطلب يك مطلبی است به قول آقای آقا سید یعقوب فلسفی.

تمام افراد در مقابل قانون به موجب قانون اساسی باید مساوی الحقوق باشند و باید قانون را يك طوری نوشت که برای همه یکسان باشد.

در اینجا فرمایش آقای داور حول قضیه را نمیکند زیرا ایراد میکنند که مبنی را تغییر يك کدام قرار دهند.

یعنی اختیار با همکس باشد.
 اگر اختیار با همکس باشد باز اگر کسی بول داشت از او پول بگیرند و اگر بول نداشت ناچار حبس برایش معین میکنند و اما راجع به فرمایش آقای آقا سید یعقوب که میفرمایند قانون رفته رفته پیش برود.
 یعنی مجازات را کم قرار بدهند.
 ممکن است مدت حبس را کم قرار بدهند.
 یعنی از ابتدا از دو ساعت حبس تا یک روز حبس یا دو روز حبس معین کنند و این ترتیب البته بهتر است.
 والا حقیقتاً بقیه بنده اگر یک کسی خواسته باشد بگوید که حبس قابل ابداع تخییری باشد معنی این است کسی که بول دارد حبس خودش را ببرد کسی که ندارد حبس شود.
 و این ترتیب نسبت به عموم تساوی حقوق منظور نشده و ما باید قوانین را طوری وضع کنیم که نسبت به عموم اشخاص متساوی باشد.
 مخصوصاً چنانکه سابقاً هم ملاحظه فرموده‌اید این ترتیب موجب فساد اخلاق مردم میشد.
 یعنی کسیکه بول داشت هزار گونه حرکات خارج از قانون میکرد و بالاخره حبس خودش را هم میبرد.
 این است که بنده هم با حبس قابل ابداع و هم با حبس تخییری مخالفم.
 رئیس آقای طهرانی (اجازه)
 آقا شیخ محمدعلی طهرانی - تعجب میکنم از شاهزاده شیخ الرئیس که اعتراض میکنند.
 مطابق قانون اساسی باید تمام افراد متساوی حقوق باشند. این جا هم متساوی حقوق هستند بجهت خاطر اینکه دستورا بر دست دیگر امتیاز ندادند که حتماً یک دسته حبس شوند و دسته دیگر جریمه بشوند.
 و نانی از آقایان یک سؤال بیشتر نمیکند:
 بیست‌ترین کارها در مملکت ما مردم شوئی است و هر وقت یک کسی میخواهند بدینگونه این لفظ را بگویند یک بیچاره کارش غمناکی است بجز آنکه مرده شود است.
 بواسطه اینکه هیچکاری از دستش بر نمی آید این شغل پست را قبول میکنند برای اینکه هاله خودش را اداره کنند. می توان افراد ایرانی را با افراد اروپایی موازنه کرد.
 زن های اروپا خودشان تحصیل روزی میکنند و با مالیات پنی خودشان از تزناق میکنند.
 ولی زن های ایرانی واجب النفع مرد

ما هستند.
 مردها باید زحمت بکشند و زن ها را نان بدهند.
 حالا آدمیم این مرده شوی بدبخت بیست و چهار ساعته را که در قانون نوشته بعد از بیست و پنج ساعت راپورت داد یک دقه دیگر هم بعد از بیست و پنج ساعت راپورت داد.
 آن وقت باید این مرده شوی بدبخت را ببرد حبس کنند آن هم بدون قابل ابداع.
 در این صورت زرد و بچه و هائله آن بیچاره باید بیفته نوبی کوچی و بازار و ما ناچار شویم دارالجزیه و دارالمالکین درست کنیم.
 آن وقت چنانچه هم که آقای شیخ الرئیس هستید مجبور میشوید که پنجاه تومان بدهید برای آنها این ترتیب اساس ندارد خوبست اول برای مردم کار درست بکنیم بعد قوانین سخت وضع نماییم.
 بلی باید مجازات باشد و حبس هم باشد.
 ولی یک موضوع هائی که چندان اهمیت ندارد.
 فرضاً یک فحالی بجای اینکه بعد از بیست و چهار ساعت راپورت بدهد بعد از بیست و پنج ساعت راپورت داد نباید او را ببرند حبس کنند آن هم حبس غیر قابل ابداع! که تمام هائله او از کرسنگی و فقر و فاقه بپزند!!
 حالا آدمیم آن مرده را که این شخص شسته قهید که در اثر بیبختی این شخص مقول شده و چون تقریباً این شخص از وضعیت جنایت اطلاع پیدا کرده است خود این شخص هم شریک جرم است و مطابق قانون مطلع از جرم بعد از اطلاع پیدا کردن از جرم اگر بماند مربوطه اطلاع نداد آن وقت خود او هم شریک جرم میشود و برای این شخص هم در قانون جزا مجازات معلوم است.
 ولی در اینجا فقط باین عنوان که بیست و چهار ساعت بیست و پنج ساعت شده شش ماه حبس غیر قابل ابداع ظلم است.
 جمعی از نمایندگان - ملّا گرات کافی است.
 (بعضی گفتند کافی نیست)
 رئیس - رأی میکنیم ۲۰ آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند. (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - معلوم میشود کافی است. رأی گرفته میشود باده ۲۶ آقایان موافقین قیام فرمایند.
 (جمع کثیری قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد. ماده بیست و هفت.
 (شرح ذیل خوانده شد)

ماده بیست و هفت - مأمورینی که مرتکب خطا و تقصیر شوند یا برخلاف مواد این قانون اقدام نمایند بمجازات های مذکور در فقرات (۱ تا ۳) مواد قانون استخدام خواهند رسید و خسارتیکه در اثر اشتباه مأمورین سجل احوال متوجه اشخاص شود از طرف همان مأمورین باید جبران شود.
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
 رئیس آقای دکتر آقاییان (اجازه)
 دکتر آقاییان - یگانه ماده که در این طرح قانونی مجازات مأمورین سجل احوال را پیش بینی میکند این ماده است که مافوق آن فقره قانون استخدام است که تنزل مقام از یک درجه بیشتر است و مجازات دیگری برای مأمورین سجل احوال پیش بینی نشده است.
 اگر تصور شود که این پیش بینی در تحت ماده ۲۵ باشد چون در آنجا گفته شده است گسائیکه بد سجل احوال جعل کنند یا غالباً سند معمول استعمال نمایند الی آخر این تصور غلط است چرا?
 برای اینکه در تمام قوانین دنیا چنین مجازات هائی در چنین قوانین معین نمی شود. محل این مجازات ها در قانون مجازات است و چون ما قانون مجازات نداریم ناچار شده ایم در اینجا ذکر کنیم.
 مأمورین سجل احوال در صورت جعل اسناد باید برانطباق شدیدتر از مجازاتی باشد که برای اشخاص متفرقه معین شده است چرا?
 برای اینکه مأمورین سجل احوال حافظ مال و جان و شرف زن و بچه مردم هستند و در قوانین ملل دنیا و سایر ممالک مجازات های خیلی شدیدتری دارد که اغلب از ۱۰ الی ۱۵ سال حبس با اعمال شاقه است. بنابر این این ماده ناقص است.
 معاون وزارت داخله این جا در طبع گمان میکنم اشتباهی شده است.
 اینجا نوشته در فقرات ۳ تا ۵ مواد قانون استخدام.
 بجای این باید نوشته بود: در فقرات ۳ تا ۵ ماده سی و هشت قانون استخدام.
 رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)
 محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - بنده مخالفم.
 رئیس - آقای شریعت زاده.
 (اجازه)
 شریعت زاده - بنده هم مخالفم.
 رئیس - آقای طهرانی (اجازه)
 آقا شیخ محمدعلی طهرانی - نماینده

محترم اشتباه کرده اند و میبایستی ماده سابق را مراجعه کنند و معلوم میشود مراجعه نکرده اند. و در اینجا حد تصصیرات اداری را معین میکنند والا در ماده بیست و پنج صریحاً مینویسد:
 گسائیکه بفرقه سجل احوال را هالاکو عاقداً جعل نمایند از ۶ ماه تا فلان قدر حبس خواهند شد.
 سند سجل احوال را ممکن است خود مأمور جعل و امضاء کند و بدست طرف بدهد.
 در اینصورت حکم جعل درباره این شخص مجری خواهد شد از اینکه این شخص مأمور - جعل احوال باشد یا دیگری به حال در حکم جعل خواهد بود بنابر این هیچ اعتراضی بر این ماده وارد نیست.
 رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)
 محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - در ماده بیست و یک ما باید قانون بگردانیم همانطور که منافع عموم را در نظر میگیریم در مقابل تخطی و تجاوز از آن برای مردم مجازات وضع میکنیم همانطور هم باید در قانون مراعات حال مردم را بکنیم در اینصورت چه اختصاص دارد کدر این موضوع بخصوص ما این کار را بکنیم.
 پس خوب است بطور کلی یک ماده وضع شود که مأمورینی که خسارت به مردم وارد میآورند دولت از همه خسارت اشخاص برآید.
 والا اگر در این مورد بخصوص ما بخواهیم دولت را مسئول عملیات مأمورین قرار بدهیم گمان میکنم منطقی نباشد.
 ولی چنانچه عرض شد ممکن است بطور کلی یک ماده پیشنهاد کند و بنده هم موافقت خواهم کرد باینطور که هر گاه مأمورین دولت اعم از مالیه و خارجه و داخله یا فواید عامه و سجل احوال موجب خسارتی بر فرد یا جمعی شدند دولت مجبور است از همه خسارت آنها برآید و از خزانه مملکت جبران کند آنوقت اگر مأمور دارد از او بگیرد و اگر هم ندارد تیرا شود.
 ولی در این مورد بخصوص اگر بخواهیم دولت را مسئول خسارتی که از طرف مأمورین سجل احوال بر اشخاص وارد میآید قرار بدهیم تصور نمیکند با اساس و منطقی باشد.
 رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)
 شریعت زاده - یک قسمه از توضیحاتی که بنده میخواستم عرض آقایان برسانم و دکتر آقایان بر عرض مجلس رسانند. بنده توجه آقایان را باین مطلب جلب میکنم که اشتباهات حاصله از طرف مأمورین در ضمن انجام وظیفه مسئولیت برای خود آنها و برای دولت تولید نمیکند. گاهی از اوقات یک مأموری در حدود

آطوریکه آقای طهرانی میفرمایند و مقیده دارند کسی که عاقله وزن و بوجه دارد نباید حبس شود خود میباید ولی در هر صورت بنظر بنده دولت باید جبران خسارت اشخاص را بدهد و الا اسباب اشکال خواهد شد.
 از این جهت پیشنهاد کرده ام که سائرت را دولت باید بدهد و از مأمور بگیرد.
 مخیر - اساساً گمان میکنم فرمایش نماینده محترم قابل تصدیق باشد چنانچه از طرف انساب آقایان هم گفته شد (صحیح است) ولی خوب است ملاحظه فرمایند که تا کتون در هیچ قانونی برای دولت مجازات معین نشده و خسارت وارده از طرف مأمورین هم فقط منحصر باین قضیه نیست.
 چنانچه همه روزه شاهد اینجناز دست مأمورین مالیه شکایت میکنند که فلانقدر خسارت به مردم زده اند و هیچ ماده که این خسارت را از دولت در بابت کند وضع نشده.
 در این صورت چه اختصاص دارد کدر این موضوع بخصوص ما این کار را بکنیم.
 پس خوب است بطور کلی یک ماده وضع شود که مأمورینی که خسارت به مردم وارد میآورند دولت از همه خسارت اشخاص برآید.
 والا اگر در این مورد بخصوص ما بخواهیم دولت را مسئول عملیات مأمورین قرار بدهیم گمان میکنم منطقی نباشد.
 ولی چنانچه عرض شد ممکن است بطور کلی یک ماده پیشنهاد کند و بنده هم موافقت خواهم کرد باینطور که هر گاه مأمورین دولت اعم از مالیه و خارجه و داخله یا فواید عامه و سجل احوال موجب خسارتی بر فرد یا جمعی شدند دولت مجبور است از همه خسارت آنها برآید و از خزانه مملکت جبران کند آنوقت اگر مأمور دارد از او بگیرد و اگر هم ندارد تیرا شود.
 ولی در این مورد بخصوص اگر بخواهیم دولت را مسئول خسارتی که از طرف مأمورین سجل احوال بر اشخاص وارد میآید قرار بدهیم تصور نمیکند با اساس و منطقی باشد.
 رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)
 شریعت زاده - یک قسمه از توضیحاتی که بنده میخواستم عرض آقایان برسانم و دکتر آقایان بر عرض مجلس رسانند. بنده توجه آقایان را باین مطلب جلب میکنم که اشتباهات حاصله از طرف مأمورین در ضمن انجام وظیفه مسئولیت برای خود آنها و برای دولت تولید نمیکند. گاهی از اوقات یک مأموری در حدود

وظایفی که برایش مقرر شده است يك اشتباهی میکند.
 مثلا قضات در ضمن قضاوتشان ممکن است يك اشتباهاتی بکنند که مستلزم ضرر و خسارت برای بعضی اشخاص باشد.
 ولی این اشتباه در صورتی که ناشی از يك نظریاتی نباشد برای خود آنها و دولت مسئولیت آور نیست.
 از این نقطه نظر بنده معتقدم که در اینجا هم قید شود.
 مسائلی که موجب خسارت میشود اگر ناشی از اشتباه مأمور باشد در صورتی که آقایان خیلی میل داشته باشند ممکنست گفته شود دولت جبران کند.
 ولی در صورتی که يك مأموری عمداً خارج از حدود و وظایف مقررش رفتار کند مسئول خود آن شخص خواهد بود.
 چنانچه همه روزه شاهد اینجناز دست مأمورین مالیه شکایت میکنند که فلانقدر خسارت به مردم زده اند و هیچ ماده که این خسارت را از دولت در بابت کند وضع نشده.
 در این صورت چه اختصاص دارد کدر این موضوع بخصوص ما این کار را بکنیم.
 پس خوب است بطور کلی یک ماده وضع شود که مأمورینی که خسارت به مردم وارد میآورند دولت از همه خسارت اشخاص برآید.
 والا اگر در این مورد بخصوص ما بخواهیم دولت را مسئول عملیات مأمورین قرار بدهیم گمان میکنم منطقی نباشد.
 ولی چنانچه عرض شد ممکن است بطور کلی یک ماده پیشنهاد کند و بنده هم موافقت خواهم کرد باینطور که هر گاه مأمورین دولت اعم از مالیه و خارجه و داخله یا فواید عامه و سجل احوال موجب خسارتی بر فرد یا جمعی شدند دولت مجبور است از همه خسارت آنها برآید و از خزانه مملکت جبران کند آنوقت اگر مأمور دارد از او بگیرد و اگر هم ندارد تیرا شود.
 ولی در این مورد بخصوص اگر بخواهیم دولت را مسئول خسارتی که از طرف مأمورین سجل احوال بر اشخاص وارد میآید قرار بدهیم تصور نمیکند با اساس و منطقی باشد.
 رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه)
 وکیل الملک بنده مخالفم.
 رئیس - آقای دکتر آقاییان هم مخالفند؟
 دکتر آقاییان - بلی.
 رئیس - آقای یاسائی
 یاسائی - نسبت باین ماده دو اعتراض شده است که بنظر بنده هیچ يك وارد نیست.
 اعتراض اول این بود که این مجازات برای مأمورین که مرتکب خطا میشوند کافی نیست و کم است.
 همانطور که آقای طهرانی فرمودند اشخاصی که در خدمت دولت هستند بطور کلی در هر رتبه که خدمت میکنند اگر مرتکب جنحه یا جنایتی شدند مثل همه مردم محاسبه و قضات خواهند شد و از این حیث تفاوتی با سایرین ندارند.
 فقط اگر يك خطائی در حدود وظیفه برای آنها مقرر شده است
 بنابر این اگر مأمورین سجل احوال سندی را جعل کرد حکم اشخاص دیگری را دارد که سندی جعل می کند و مثل آنها محاسبه و مجازات میشوند.
 بنابرین اگر مأمورین سجل احوال مرتکب خطا و اشتباهی شد مسئول ضرزی که وارد آورده است خود آن شخص است نه مأمور دولت.
 بنابرین امروزه لازم است تمام این انتظامات و مقررات لازم را در نظر بگیرند تا بنده مردم دچار اشتباه و اشکال نشوند و چون این ماده خیلی گنگ است و این شرحی که در ماده بیست و پنج نوشته شده است وافی بمقصود نیست و اصلاً مربوط به مسئله نیست از اینجهت بنده پیشنهاد کرده ام که ماده بر گردد بکمیسیون و در آنجا وقت و اصلاح شود.
 رئیس - آقای داور (اجازه)

ولی این مجازاتی که در این جا معین شده از نقطه نظر اداری است و مربوط به حکم اداری است و مجازات او در محکم اداری به عمل خواهد آمد.
 اعتراض دوم این بود که اگر مأموری خطا یا اشتباه کرد و در نتیجه آن خطا یا اشتباه ضرر و خسارتی بکسی متوجه شد بعضی ها معتقد بودند که دولت باید تحمل آن خسارت شود بعضی دیگر مقیده داشتند اگر آن اشتباه عمدی نبود دولت و اگر عمدی بود
 خود آن شخص مأمور جبران کند به عقیده بنده همانطور که آقای آقا میرزا شهاب فرمودند اگر بنا شود ما این باب را مفتوح کنیم باید افلا سالی شش کرور در بودجه برای اینکار منظور کنیم.
 ملاحظه فرمایید مدعی المومها و مأمورین امنیه و نظایه و مستظفین و ضابطین عدلیه علی التوالی در نتیجه يك سوء ظنی که بیعضی هایمیرند
 غالباً مردم را تعقیب می کنند و بنگال و دو سال هم ممکن است آنها را در تحت تعقیب نگاه دارند و شاید هم بالاخره تیرا شوند ولی در هر حال در نتیجه این تعقیب يك خسارتی بآن اشخاص قطعاً وارد خواهد آمد و اگر معتقد شویم دولت جبران این خسارات را بکنند گمان نمی کنم تمام بودجه و خزانه مملکت هم کفاف این خسارات را ندهد.
 بنابر این در اینجا هم اگر مأمورین سجل احوال خطا کرد و ضرری بکسی رساند مسئول خود او است و نمیشود دولت را مسئول قرار داد.
 از نقطه نظر شرعی هم ضمان هر کاری با کسی است که خودش مرتکب آن شده است.
 پس هر کسی مسئول اعمال و افعال خودش است.
 اگر چنانچه يك کسی مرتکب عملی شد و ضرری بکسی رساند خود او مسئول آن ضرر خواهد بود.
 شرعاً هم بنظر است. مثلاً اگر کسی در کوه راه میرفت و یکی تنه زد و اتفاقاً آن شخص مرد مسئول گیسبت آیا دولت مسئول است! خیر.
 مسئول خود آن شخص است.
 در اینجا هم همین حال را دارد.
 اگر مأمورین سجل احوال مرتکب خطا و اشتباهی شد مسئول ضرزی که وارد آورده است خود آن شخص است نه مأمور دولت.
 بنابرین امروزه لازم است تمام این انتظامات و مقررات لازم را در نظر بگیرند تا بنده مردم دچار اشتباه و اشکال نشوند و چون این ماده خیلی گنگ است و این شرحی که در ماده بیست و پنج نوشته شده است وافی بمقصود نیست و اصلاً مربوط به مسئله نیست از اینجهت بنده پیشنهاد کرده ام که ماده بر گردد بکمیسیون و در آنجا وقت و اصلاح شود.
 رئیس - آقای داور (اجازه)

متوجه دولت میشود چقدر است.
 به عقیده بنده این خسارت در سال بالغ بر شش کرور خواهد بود و گمان نمیکند اینستله در سایر ممالک متدنه دنیا هم سابقه داشته باشد.
 اگر هم سابقه داشته باشد در ممالک مخصوصی خواهد بود و شاید در انگلستان اینطور باشد ولی در هر حال کلیت ندارد.
 رئیس آقای داور و آقای دکتر آقاییان پیشنهاد کرده اند این ماده مراجعه شود بکمیسیون.
 آقای دکتر آقاییان (اجازه)
 دکتر آقاییان - بنده اصلاً تصور نمی کنم که نسبت باین پیش نهاد مخالفی باشد زیرا قضیه خیلی ساده است.
 باید دید آیا واقعاً متصفانه و عادلانه است که مجازات يك مأموری که خودش حافظ اسناد مردم است و وظیفه در حفظ و حراست آن اسناد دارد بها سایر مردم که این وظیفه را ندارند یکی و مساوی باشد!!
 تصور نمیکند آقایان محترم هم این مسئله را تصدیق فرمایند.
 بی دلیل نیست که در سایر ممالک دنیا که در این قضایا خیلی جاوا تراها هستند و تجربیات زیاد دارند يك مجازات های شدیدتری برای مأمورین سجل احوال در این قبیل موارد وضع کرده اند.
 ملاحظه فرمایید يك مأموری که ماهی بیست تومان حقوق دارد چهارم می تواند از عهده خسارت وارده با اشخاص برآید.
 رئیس آقا داور را جاع ماده به کمیسیون حرف بزنید.
 دکتر آقاییان - بلی در این موضوع عرض میکنم در سایر ممالک در این ماده بخصوص قید کرده اند که اگر کسی سندی را جعل کرد یا فرضاً جعل کند صحیح بود و در فقره هم صحیح بود ولی آن سند را بشخصی داد که از صاحب آن سند نیست يك مجازات شدیدی دارد.
 آنها تمام این مواد را پیش بینی و در قانون ذکر کرده اند.
 آقایان باید ملاحظه فرمایند که این قانون يك چیزی است که همه روزه نمیشود او را تغییر داد.
 بنابر این امروزه لازم است تمام این انتظامات و مقررات لازم را در نظر بگیرند تا بنده مردم دچار اشتباه و اشکال نشوند و چون این ماده خیلی گنگ است و این شرحی که در ماده بیست و پنج نوشته شده است وافی بمقصود نیست و اصلاً مربوط به مسئله نیست از اینجهت بنده پیشنهاد کرده ام که ماده بر گردد بکمیسیون و در آنجا وقت و اصلاح شود.
 رئیس - آقای داور (اجازه)

داور- البته آقایان می دانند که چند ماده از این قانون بکمیسیون رفته است ضروری ندارد که این ماده هم بکمیسیون برود و در آنجا دقت شود.

معاون وزارت داخله - تصور میکنم اگر قدری دقت تکلیف باجزئی اصلاحی بتوان این ماده را اصلاح و عیبش را برطرف کرد.

مقصود از مجازات در اینجا مجازات اداری است زیرا تصیری که در شماره جرایم عمومی هستند آنها در جای خود محفوظ و معین است و لازم نیست که ما در اینجا ذکر می کنیم.

مثلا در ماده بیست و پنجم ذکر شده دیگر محتاج بقید در اینجا نیست.

فقط در اینجا باید اشاره کرد که مأمورین در موقع ارتکاب تصیری اداری به موجب فقرات ۳ تا ۵ ماده ۳۸ قانون استخدام مجازات خواهند شد.

مقصود از این ماده و این شرح است که اگر خسارتی در اثر اشتباه مأمورین سبب احوال بگسی وارد آمد چگونه آن خسارت جبران خواهد شد و باید تکلیف این مسئله معین شود.

بنابراین گمان میکنم از جاع این ماده بکمیسیون لزومی نداشته باشد.

در حال بسته برای مجلس است اصلاح هم بنظر بنده اینطور میسرند که نوشته شود مأمورینی که مرتکب خطا و تصیر اداری میشوند.

رئیس - رأی گرفته می شود برای ارجاع بکمیسیون. آقایان موافقت قیام فرمایند.

(جمع گیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

مراجعة میشود بکمیسیون

ماده بیست و هشتم قرائت میشود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده بیست و هشتم - مسئولیت سبب احوال هر ولایت با حاکم آن ولایت است و مباشرت آن در شهر با اداره بلدیہ یا نظیبه و در قصبات با نائب الحکومه و در دهات با کدخداه است که بکمک معرر شریعت ده وظایف سبب احوال را انجام می دهد و در مالک خارجه نمایندگان دولت است

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازہ)

آقا سید یعقوب - موافقم

رئیس - آقای شیخ الرئیس (اجازہ)

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس مقصود بنده تسهیل امر بوده اگر اینطور که آقای مخبر فرمودند در آن دهی که شخص با سواد نیست مأمور خواهند فرستاد بنده از طرف رها با کمال تشکر را دارم - مقصود بنده همین بود که معین شود اگر در بیگ ترتیبی و سالی برای ایش درست کنند که مسئله انجام بگیرد و کار پیش برود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازہ)

آقا سید یعقوب - بنده گمان میکنم بعد از جواب دادن آقای مخبر شاهزاده شیخ الرئیس قانع شده باشند.

البته اساس شریعت را می دانند تکلیف فرع بر قدرت است.

وقتی که معرر شریعت و شخص با سواد نبود بر آنها تکلیفی نیست.

حالا میخواهید بر آنها تکلیف وارد کنید.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

بلکه با سواد هم وجود ندارد از این جهت بعقیده بنده معنی احتیاط بهتر این است که نوشته در نقطای که معرر شریعت نیست بنزدیک ترین نقطه که در آنجا معرر شریعت هست مراجعه کنند و اگر این قید نشود مسئله بال تکلیف میماند برای اینکه معرر شریعت در آن دهات نیست و چون نیست مردم تکلیفشان را نمی دانند بهتر این است ماده طوری نوشته شود که اسباب اشکال برای مردم فراهم نشود.

آقای میرزا شهاب الدین مخبر -

باید با کمال افسوس اقرار کرد که همان طور است که میفرمایند در بسیاری از قراء و قصبات ما با سواد نیست.

ولی اگر این فرمایش که میفرمایند قبول کنیم.

یعنی به نزدیک ترین مجلسی که در آنجا معرر شریعت با سواد دارد بروند آن وقت این تکلیف و سروسرخی برای اهالی تولید نمیکند که باید بروند به چهار فرسخ یا فرسخ در آن دهی که در آنجا معرر شریعت یا یک نفر آدم با سواد هست و این ترتیب باعث زحمت اهالی خواهد شد و اگر یک چنین ترتیبی پیدا شد باید یک شکل دیگری حل کرد.

یعنی یک نفر شخص با سواد بآن جا فرستاد که مسئولیت با او باشد و الا با این ترتیب که میفرمایند برای اهالی تولید سروسر حرج خواهد کرد.

رئیس - آقای داور (اجازہ)

یک نفر از نمایندگان - نیستند

رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازہ)

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس

مقصود بنده تسهیل امر بوده اگر اینطور که آقای مخبر فرمودند در آن دهی که شخص با سواد نیست مأمور خواهند فرستاد بنده از طرف رها با کمال تشکر را دارم - مقصود بنده همین بود که معین شود اگر در بیگ ترتیبی و سالی برای ایش درست کنند که مسئله انجام بگیرد و کار پیش برود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازہ)

آقا سید یعقوب - بنده گمان میکنم بعد از جواب دادن آقای مخبر شاهزاده شیخ الرئیس قانع شده باشند.

البته اساس شریعت را می دانند تکلیف فرع بر قدرت است.

وقتی که معرر شریعت و شخص با سواد نبود بر آنها تکلیفی نیست.

حالا میخواهید بر آنها تکلیف وارد کنید.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

بعضی گفتند کافی نیست

رئیس - رأی بگیریم. آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند (جمع قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی نیست.

آقای سلطان العلماء (اجازہ)

سلطان العلماء - بنده جوابی را که آقای مخبر دادند درست ملتفت نشدم. آیا فرمودند دولت ملزم میشود که معرر شریعت بفرستد؟

شاهزاده فرمودند دولت ملزم باشد یک معرر شریعت بفرستد خیلی خوب است اهل دهات هم تشکر خواهند کرد.

ولی فرض کنیم که هست و باید سبب هم نوشته شود در این صورت تکلیف چیست؟

آیا مأمورین سبب احوال معطل میمانند زیرا بایست معرر شریعت را پیدا کنند تا کارشان را انجام دهند و این ماده کافی نیست.

مخبر - در موارد عده بنده تصریح شده است (که پس از تأسیس شعب سبب احوال در هر محل) در این محل شعب سبب احوال شد و دفترش راهم باز کرد و باید بکمک معرر شریعت اظهار نامه را بنویسد در آن جا اگر شریعت نیست آن وقت مسئولیت با خود مأمور دولت است اگر گفت شما بدون معرر شریعت بیاید اظهار نامه نگیرید دیگر اینجا مسئولیتی متوجه مردم نیست و اگر در آن جا معرر شریعت نبود اطلاع می دهد بهر کر که در اینجا با سواد نیست یک نفر بفرستد که کمک من نماید و اگر هم برخلاف قانون رفتار کرد بدون کمک معرر شریعت (و مقصود از معرر شریعت ملائی ده است) این کار را کرد البته دیگر مسئولیتی بر مردم نیست و مسئولیت متوجه خود مأمور دولت است که بدون کمک معرر شریعت این کار را انجام داده است.

رئیس - آقای سردار هاشم (اجازہ)

سردار هاشم - عرض بنده این است که همینطور که بعضی از آقایان هم فرمودند در دهات با سواد هیچ نیست مگر کمی در بعضی جاها و مخصوصا در ایلات که هیچ با سواد نیست.

بنده خود هم عضو کمیسیون هستم ولی این را وقتی که آقایان می نوشتند بنده نبودم و اگر هم بودم مخالفت میکردم بنده عرض میکنم در صورتیکه دولت نمیتواند مسئول این امر بشود.

چرا یک رئیس ایل یا رئیس یک خانواده باید مسئول بشود؟ و باید این تکلیف ایلات و دهات معین شود و الا هیچکس نمیتواند این مسئولیت را بعهده بگیرد

مخبر - این که در این بنده این تبصره

را نوشته اند برای همین بود که در ایلات و دهات يك اشکالاتی بود و نظر به این مسئله در قانون پیش بینی شده است

پس از تأسیس شعب سبب احوال باید اقدام کنند و اینکه میفرمایند و سبب فراهم نیست.

البته تا وقتی وسائل اینکار فراهم نشود تأسیس شعب سبب احوال هم نمیتواند که کاملا فراهم شد آن وقت شعب سبب احوال تأسیس میشود و مردم هم مطابق مقررات این قانون میروند اظهار نامه میدهند و ورثه هويت میگیرند و آن مراتب را کمال مجری میدارد ولی مادامی که وسائل فراهم نشده البته مسئولیتی متوجه اینها نیست

چون می آیند در شهر رأی میدهند

در آن وقت می آیند اینها را میگیرند و اینها فوری جرم است و شش ماه حبس و مجازاتی که در این قانون برای کسی که نیامده است ورثه سبب احوال بگیرد در باره اش اجراء خواهند شد و تا خواهند ثابت کنند که ما اشخاص با سواد نداشتم و مأمور سبب احوال هم آنجا نیامده او را بخبر رسانده اند و اگر در جاهاتی که آدم با سواد نباشد وزارت داخله از جاهای دیگر که اشخاص با سواد دارد دارد حکم کند بنویسند

در آنجا و برای عده رعایائی که در آنجا هستند اوراق سبب احوال بنویسند و بدهند خیلی خوب است و هیچ اشکالی هم ندارد از این جهت بنده است تبصره را پیش نهاد کردم

مخبر - با اساس بنده موافقت می کنم ولی عبارتش باید اصلاح شود

شیر وانی - برود بکمیسیون

رئیس - آقایان اینجا این قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قیامی برخاستند)

رئیس - تصویب شد

شیر وانی - آقای مخبر قبول کردند

رئیس - قبول نکردند گفتند اصلاح عبارتی باید بشود

مخبر - عرض کردم با اصلاح عبارتی قبول میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای حائری زاده (شرح ذیل خوانده شد)

حائری زاده - ماده بیست و هشتم را بشکل ولایت هر ولایت با حاکم آن ولایت است و مباشرت آن با کسانی میباشد که طرف اعتماد حکومت باشند و در مالک خارجه با نمایندگان دولت است

رئیس - بفرمایند

حائری زاده - اصلاح مسئولیت را باید همیشه فکر کنیم که بنده اشخاصی بنگذاریم که با آنها حقوق میدهم هر کسی که مواجب نمی گیرد چه مسئولیتی در مقابل دولت دارد؟

مگر يك مسئولیتی که افراد راجع بمسائل عمومی دارند اینجا رئیس عشیره مواجبه از طرف دولت ندارد

رئیس - بفرمایند

شیر وانی - آقایان اگر قدری فکر بفرمایند می بینند که ممکن است در عمل دچار اشکال بشوند

فرض کنید یک سال از مدت قانون سبب احوال گذشت و باید تمام مملکت مطابق این قانون برود و ورثه سبب احوال بگیرند و طبقه خودشان را انجام دهند موقع انتخابات هم رسیده يك عده دهاتی بی سواد هم می آیند در شهر رأی میدهند

در آن وقت می آیند اینها را میگیرند و اینها فوری جرم است و شش ماه حبس و مجازاتی که در این قانون برای کسی که نیامده است ورثه سبب احوال بگیرد در باره اش اجراء خواهند شد و تا خواهند ثابت کنند که ما اشخاص با سواد نداشتم و مأمور سبب احوال هم آنجا نیامده او را بخبر رسانده اند و اگر در جاهاتی که آدم با سواد نباشد وزارت داخله از جاهای دیگر که اشخاص با سواد دارد دارد حکم کند بنویسند

در آنجا و برای عده رعایائی که در آنجا هستند اوراق سبب احوال بنویسند و بدهند خیلی خوب است و هیچ اشکالی هم ندارد از این جهت بنده است تبصره را پیش نهاد کردم

مخبر - با اساس بنده موافقت می کنم ولی عبارتش باید اصلاح شود

شیر وانی - برود بکمیسیون

رئیس - آقایان اینجا این قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قیامی برخاستند)

رئیس - تصویب شد

شیر وانی - آقای مخبر قبول کردند

رئیس - قبول نکردند گفتند اصلاح عبارتی باید بشود

مخبر - عرض کردم با اصلاح عبارتی قبول میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای حائری زاده (شرح ذیل خوانده شد)

حائری زاده - ماده بیست و هشتم را بشکل ولایت هر ولایت با حاکم آن ولایت است و مباشرت آن با کسانی میباشد که طرف اعتماد حکومت باشند و در مالک خارجه با نمایندگان دولت است

رئیس - بفرمایند

حائری زاده - اصلاح مسئولیت را باید همیشه فکر کنیم که بنده اشخاصی بنگذاریم که با آنها حقوق میدهم هر کسی که مواجب نمی گیرد چه مسئولیتی در مقابل دولت دارد؟

مگر يك مسئولیتی که افراد راجع بمسائل عمومی دارند اینجا رئیس عشیره مواجبه از طرف دولت ندارد

که رئیس ایل یا عشیره شده است ما چگونه می توانیم برای او مسئولیتی معتقد شویم و باید بطور مطلق بنویسیم حکومت کسانی را که ظرف اعتماد او هستند برای مباشرت اینکار معلوم می کند و در هر آبادی دولت ممکن است يك مأمور داشته باشد اگر هم نداشته باشد يك مباشری که مالیات را جمع میکنند هست و ممکن است اینکار را از آن مباشر ماله که در آنجا هست بخواهند و بنده معتقدم که در آن نقطه که اداره بلدیہ دارد

آنها باشد و در شهرها با نظیبه و در قصبات با نائب الحکومه و در دهات با مأمورین ماله باشد و اگر غیر از اینها باشد تولید اشکال میشود فائده هم ندارد.

معاون وزارت داخله باید آقایان يك نکته را متوجه باشند آن و این است که البته ممکن است بهر دهی مأمور با سواد فرستاد

اما این را باید فکر کرد که چقدر خرجش میشود و ماهم که همیشه سعی میکنم از مضار ج نگاهم و صرفه جوئی بکنم این است که قائل شدم بيك اشخاص که در دهات میتوانند این وظیفه را مجاناً انجام دهند و اگر گذار کنیم

حالا اگر در بعضی از نقاط بيك اشخاص با سواد یافت نمی شود دیگر لزومی ندارد و در قانون ذکر کنیم و اگر این طور بشود البته دولت مأمور با سواد میفرستد

تبصره پیشنهاد آقای شبر وانی را هم معیارش را اصلاح کردیم و این نکته هم قیام کرده است که رقع این نگرانی هم بشود و دیگر تصور نمی کنم ازومی داشته باشد در اینجا ذکر کنیم که بهر دهی باید مأمور موظف با سواد بفرستیم

رئیس - آقای شریعت زاده و شاهزاده شیخ الرئیس پیشنهاد کرده اند ارجاع بکمیسیون بشود

شریعت زاده - بنده این ماده خیلی اهمیت دارد زیرا مقصود از وضع قانون سبب احوال مأمور کردن اشخاص است که وظایفی را که در قانون معین کرده اند در تمام سال انجام دهند و احتیاج اجراء قانون سبب احوال در دهات بیشتر است وقتی که مادر قانون سبب احوال موادی مقرر میداریم که تجاوز از این قانون موجب مجازات و جرماتی میشود البته باید تصدیق بکنیم که يك کدخدای ماله ده به چه چوچه وظیفه یعنی حقوق و تکلیفی برای او بموجب قانون مقرر نیست یعنی شخص مجانی نمیتواند انجام این وظیفه مهم را در تمام اوقات عهده دار شود و هم چنین متصفانه نیست که اگر آنها هم قبول بکنند ما این قانون و اثرات آن را در مواقع تخلف نسبت با آنها اجراء بکنیم. از طرف دیگر خیلی واضح است که مأمور سبب احوال هم در تمام نقاط نمی تواند که اگر ولادت یا ازود و جغیه و غیره واقع شود بتکلیف خودش عمل کند در اینصورت چطور از کدخدای ماله ای معمل مطابق ترتیبی که در این قانون مقرر است انتظار داشته باشیم که این قانون بدست بیاید و از این نقطه نظر بنده عقیده ام این است که این ماده بر گردد بکمیسیون تا يك مطالعه عمیق تری در این باب بشود و وسائلی که موثر تر باشد و تقریبا مارا قائل باشم که موجب وضع این قانون شده است بنمایند آقایان نمایندگان هم اگر نظری دارند برای تأمین نظریه شان پیشنهاد بفرمایند میفرستند بکمیسیون تا در آنجا دقت کاملی بشود بعد بیاید مجلس

مخبر - نماینده محترم در ضمن پیشنهاد ارجاع بکمیسیون دو مطلب را فرمودند و در قسمت اول که تقاضای ارجاع بکمیسیون باشد بنده تعجب میکنم؛ اساسا قوانین در کشور برایش قرار داده اند برای این که اگر آقایان بيك يك نظر بیانی دارند در شور اول پیشنهاد کنند و در کمیسیون اصلاح شود و بر گردد به مجلس و اگر بنا باشد مراده را که هر يك از آقایان اشکال کردند بر گردد بکمیسیون تا قیامت قانونی نخواهد گذشت، آنچه پیشنهاد در شور اول شده است اینجا حاضر است و به چوچه در ماده بیست و هشت در باب این ایراداتی که میفرمایند پیشنهادی نشده است حالا میفرمایند مأمور بدون حقوق نمی تواند این وظایف را انجام دهد و باید دولت مأمورین موظف بفرستد بنده عرض میکنم تصور شهرها و قصبات و دهات را بفرمایند و ببینید بودجه دولت یعنی تمام بیست و سه ملونی را که ما داریم اگر مخصوص مأمورین سبب احوال بکنیم که بهر دهی بيك مأمور سبب احوال بفرستیم کفایت میکند یا خیر؟ ما چه کنیم؟ ناچار بودیم که يك طوری بدهیم که بتوانیم عجلان شروع بکار نماییم تا بعد اصلاح بشود و بنده با ارجاع بکمیسیون نمی توانم موافقت بکنم

رئیس - رأی می گیریم: ارجاع بکمیسیون

آقایان بیکه موافقت قیام فرمایند (عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد رأی باید گرفته شود پیشنهاد آقای حائری زاده (شرح ذیل قرائت شد)

(پیشنهاد ایشان مجدداً شرح سابق قرائت شد)

رئیس - آقایان موافقت با این پیشنهاد قیام فرمایند

(عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای مخبر که ماده را اصلاح فرمودند (شرح ذیل قرائت شد)

در دهاتی که هفتی با سواد نباشد که

تمام نقاط نمی تواند که اگر ولادت یا ازود و جغیه و غیره واقع شود بتکلیف خودش عمل کند در اینصورت چطور از کدخدای ماله ای معمل مطابق ترتیبی که در این قانون مقرر است انتظار داشته باشیم که این قانون بدست بیاید و از این نقطه نظر بنده عقیده ام این است که این ماده بر گردد بکمیسیون تا يك مطالعه عمیق تری در این باب بشود و وسائلی که موثر تر باشد و تقریبا مارا قائل باشم که موجب وضع این قانون شده است بنمایند آقایان نمایندگان هم اگر نظری دارند برای تأمین نظریه شان پیشنهاد بفرمایند میفرستند بکمیسیون تا در آنجا دقت کاملی بشود بعد بیاید مجلس

مخبر - نماینده محترم در ضمن پیشنهاد ارجاع بکمیسیون دو مطلب را فرمودند و در قسمت اول که تقاضای ارجاع بکمیسیون باشد بنده تعجب میکنم؛ اساسا قوانین در کشور برایش قرار داده اند برای این که اگر آقایان بيك يك نظر بیانی دارند در شور اول پیشنهاد کنند و در کمیسیون اصلاح شود و بر گردد به مجلس و اگر بنا باشد مراده را که هر يك از آقایان اشکال کردند بر گردد بکمیسیون تا قیامت قانونی نخواهد گذشت، آنچه پیشنهاد در شور اول شده است اینجا حاضر است و به چوچه در ماده بیست و هشت در باب این ایراداتی که میفرمایند پیشنهادی نشده است حالا میفرمایند مأمور بدون حقوق نمی تواند این وظایف را انجام دهد و باید دولت مأمورین موظف بفرستد بنده عرض میکنم تصور شهرها و قصبات و دهات را بفرمایند و ببینید بودجه دولت یعنی تمام بیست و سه ملونی را که ما داریم اگر مخصوص مأمورین سبب احوال بکنیم که بهر دهی بيك مأمور سبب احوال بفرستیم کفایت میکند یا خیر؟ ما چه کنیم؟ ناچار بودیم که يك طوری بدهیم که بتوانیم عجلان شروع بکار نماییم تا بعد اصلاح بشود و بنده با ارجاع بکمیسیون نمی توانم موافقت بکنم

رئیس - رأی می گیریم: ارجاع بکمیسیون

آقایان بیکه موافقت قیام فرمایند (عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد رأی باید گرفته شود پیشنهاد آقای حائری زاده (شرح ذیل قرائت شد)

(پیشنهاد ایشان مجدداً شرح سابق قرائت شد)

رئیس - آقایان موافقت با این پیشنهاد قیام فرمایند

(عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای مخبر که ماده را اصلاح فرمودند (شرح ذیل قرائت شد)

در دهاتی که هفتی با سواد نباشد که

کار معرر شریعت را انجام کند مأمورین سبب احوال که از طرف حکومت مأمور میشوند این وظیفه را عهده دار خواهند شد.

مخبر - این تبصره دوم است که پیشنهاد شده.

رئیس - پیشنهاد آقای ضیاء العواظین (باین مضمون قرائت شد)

پیشنهاد میشود که تبصره ماده ۲۸ بر ترتیب ذیل اصلاح شود.

تبصره - مسئولیت سبب احوال ایلات با رئیس ایل مباشرت آن با مأمورین سبب احوال خواهد بود.

رئیس - بفرمایند

ضیاء العواظین - آقایان تصدیق میفرمایند که ایلات بکسب عهده از سبب این مملکت را تشکیل میدهند در حالیکه در دهات و قراء با سواد ندارند.

ایلات که به طریق اولی همانطور که مسئولیت تأسیس سبب احوال و تعقیب از این موضوع در شهرها با حاکم است در ایلات هم باید با رئیس ایل باشد ولی مباشرت ممکن نیست به عهده خوانین و رؤسای قبایل باشد و همانطور که آقای حائری زاده و سایر آقایان فرمودند سایرین چطور ممکن است مشمول این ماده بشود یا مشمول بعضی از مواد دیگر این قانون واقع بشوند و مسئولیتی متوجه ایشان بشود؟

این است که بنده پیشنهاد کردم همانطور که ذکر شده است مسئولیت به عهده رؤسای ایل باشد ولی مباشرت از وظیفه مأمورین سبب احوال است

و تقریبا تبصره دوم پیشنهاد آقای مخبر محترم بکمیسیون هم کمک میکند باین موضوع یعنی مأمورین سبب احوال همانطور که وظایف خودشان را در دهاتی که با سواد ندارند انجام میدهند همین وظیفه را هم در ایلات انجام دهند.

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قایل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قیامی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد.

(اینطور قرائت شد)

این بنده پیشنهاد منبنا که ماده ۲۸ باین طریق اصلاح شود.

مسئولیت اجراء سبب احوال با وزارت داخله است و وزارت داخله از برای اجراء آن نظامنامه مخصوصی خواهد داشت.

رئیس - آقای طهرانی (اجازہ)

آقا شیخ محمد علی طهرانی -

این ماده را که آقایان نوشته اند بنده تفهیمم.

میگوید عموم افراد مأمورین دولت مسئولیت دارد البته هر مرتبه دانی در مقابل مرتبه عالی بکنون مسئولیتی دارد و حفظ مسئولیت متوجه بدولت است و دولت دولتی یعنی وزارت داخله

وزارت خارجه وزارت هدایه اینها همه مسئولیت دارند.

مسئولیت اجرای قانون سبج احوال در داخله ملک با وزارت داخله است و خارجه با وزارت خارجه است و مسئولیت اجرای قانون سبج احوال با آنها است که در قسمت اجرای آن هر طوریکه بدانند يك نظامنامه هائی بنویسند بدهند بدست حکام و رؤسای ایلات و جزئیات امور هر نقطه را ملاحظه کنند و نظامنامه را بر طبق آن بنویسند و مأمورین سبج احوال هم مسئولیت در مقابل وزارت داخله است والا اینجامی نویسد مباشر.

مباشر عبارتست از اداره بلدی و ولی مسئولیت با حاکم است یا مباشرت همه اینها مسئولیت دارند.

آنکسیکه مسئولیت دارد و آن دایره که مسئولیت متوجه است دایره وزارت است.

کیفیت اجرا در نظامنامه است و باید وزارت داخله نظامنامه خاصی برای اجرای آن بنویسد در ممالک خارجه هم مسئولیت با وزارت خارجه است و وزارت خارجه هم باید يك نظامنامه بنویسد و بدهد بامورین خودش والا اگر بنا باشد کیفیت مسئولیت آنرا برای مباشر قرار بدیم آنوقت با اصول اداری

وزارت داخله درست نمی آید و بنظر بنده اینطور می آید که در داخله با وزارت داخله و در خارجه وزارت خارجه نظامنامه های مخصوص بنویسند و بدهند بدست مأمورین خودشان و مسئولیت هم با خود آنها است.

مخبر - بنده حتی الامکان از کلمه نظامنامه گریزان هستم و اگر ما قانونی بنویسیم که در آن نظامنامه نباشد بهتر است بجهت این که غالباً دیده ایم نظامنامه ها کش بر میدارد و اسباب زحمت مردم میشود.

اما اینکه فرمودند مسئولیت با وزارت داخله است این قسمت ورماده ۳۱ ذکر شده است که مأمور اجرای این قانون وزارت داخله است و البته وقتی که وزارت داخله مسئول اجرای این قانون شد در مقابل مجلس مسئولیت دارد ولی اینکه میفرمایند وزارت داخله يك نظامنامه ای بنویسد و اشخاصی را فرضاً مثل رئیس بلدی یا حکومت یا کد خدا معین کند و آنها بگویند شما این قانون را اجرا کنید ممکن است آنها بگویند در قانون برای ما چه مسوولیتی معین نشده است و ما بجهت مناسب باید این قانون را مجری کنیم؟

یا مثلا بگویند مأمور عدلیه اجرا کند یا مأمور مالیه باید اجرا کند پس در اینجا خواسته اید اشخاصی که

وزارت خارجه وزارت هدایه اینها همه مسئولیت دارند.

مسئولیت اجرای قانون سبج احوال در داخله ملک با وزارت داخله است و خارجه با وزارت خارجه است و مسئولیت اجرای قانون سبج احوال با آنها است که در قسمت اجرای آن هر طوریکه بدانند يك نظامنامه هائی بنویسند بدهند بدست حکام و رؤسای ایلات و جزئیات امور هر نقطه را ملاحظه کنند و نظامنامه را بر طبق آن بنویسند و مأمورین سبج احوال هم مسئولیت در مقابل وزارت داخله است والا اینجامی نویسد مباشر.

مباشر عبارتست از اداره بلدی و ولی مسئولیت با حاکم است یا مباشرت همه اینها مسئولیت دارند.

آنکسیکه مسئولیت دارد و آن دایره که مسئولیت متوجه است دایره وزارت است.

کیفیت اجرا در نظامنامه است و باید وزارت داخله نظامنامه خاصی برای اجرای آن بنویسد در ممالک خارجه هم مسئولیت با وزارت خارجه است و وزارت خارجه هم باید يك نظامنامه بنویسد و بدهد بامورین خودش والا اگر بنا باشد کیفیت مسئولیت آنرا برای مباشر قرار بدیم آنوقت با اصول اداری

وزارت داخله درست نمی آید و بنظر بنده اینطور می آید که در داخله با وزارت داخله و در خارجه وزارت خارجه نظامنامه های مخصوص بنویسند و بدهند بدست مأمورین خودشان و مسئولیت هم با خود آنها است.

مخبر - بنده حتی الامکان از کلمه نظامنامه گریزان هستم و اگر ما قانونی بنویسیم که در آن نظامنامه نباشد بهتر است بجهت این که غالباً دیده ایم نظامنامه ها کش بر میدارد و اسباب زحمت مردم میشود.

اما اینکه فرمودند مسئولیت با وزارت داخله است این قسمت ورماده ۳۱ ذکر شده است که مأمور اجرای این قانون وزارت داخله است و البته وقتی که وزارت داخله مسئول اجرای این قانون شد در مقابل مجلس مسئولیت دارد ولی اینکه میفرمایند وزارت داخله يك نظامنامه ای بنویسد و اشخاصی را فرضاً مثل رئیس بلدی یا حکومت یا کد خدا معین کند و آنها بگویند شما این قانون را اجرا کنید ممکن است آنها بگویند در قانون برای ما چه مسوولیتی معین نشده است و ما بجهت مناسب باید این قانون را مجری کنیم؟

یا مثلا بگویند مأمور عدلیه اجرا کند یا مأمور مالیه باید اجرا کند پس در اینجا خواسته اید اشخاصی که

در مقابل دولت مسئولیت دارند معین شوند و البته خود آقایان اهمیت قانون سبج احوال را تصدیق دارند که فوق العاده مهم است و مقصود این است که حاکم بگوید اینکار از وظایف رئیس استیضاف یا بادیت است یا رئیس صلح بگوید یا امین مالیه است از این جهت خواسته اند در قانون پیش بینی بکنند که حکومت محل مسئول هست که این قانون را اجرا کند منتهی مباشرتش را در آنجاها که بلدی و نظمی دارد با آنها واگرداند با کد خدا و نایب الحکومه قرار داده اند و گمان میکنم بطوریکه در این قانون پیش بینی شده رفع مسئولیت از وزارت داخله نمیکند.

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای تهرانی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس و قابل توجه نشد. پیش نهاد شهمزاده محمد ولی میرزا (شرح ذیل قرائت شد)

مسئولیت سبج احوال هر ولایت با حاکم ولایت و مباشرت آن در شهر و قضایا با اشخاصی است که حکومت معلوم میدارد و در دهات با کدخدایان و مأمورین امین محلی است

محمد ولی میرزا - بنده میبینم در بعضی از این پیشنهادها آقایان عقیده دارند که مسئولیت با مأمورین سیار باشد و بنده مخالفم و مشر میدانم و خیلی این مسئله بنظر بنده معایب دارد.

زیرا این قبیل مأمورین مأمورین غیر موظفی هستند و تا این اندازه ما هم که امروز قوانین را اینچنین وضع کرده ایم مردم در وقت حتمتند چه رسد باینکه يك تکالیفی در قانون برای آنها معین کنیم و چون بنده تصور کردم اداره امینیه يك اداره است که مسئولیت و وظایف معینی دارد و در همه جا هم هستند و مطابق قانون يك هدایتی دارند بهتر است که مأمورین امینیه را برای اجرای اینکار قرار دهیم و نسبتاً مأمورین معین از این نظریات بهتر باشد.

مخبر - رای بگیریید توضیح داده شد است.

رئیس - رای بگیرییم پیشنهاد شهمزاده محمد ولی میرزا آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (ممدودی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای شریعت زاده (شرح ذیل قرائت شد)

بنده اصلاح ماده ۲۸ را بشرط ذیل پیشنهاد میکنم -

ماده ۲۸ - مسئولیت سبج احوال هر ولایت با حاکم آن ولایت و مباشرت آن در شهرها با نایب الحکومه و در دهات با کدخداهای بکملک مجری و رعایا و وظایف سبج احوال را انجام میدهد و در ممالک خارجه بانمایندگان دولت است

تبصره - مسئولیت سبج احوال ایلات با رئیس اهل و مباشرت آن با خوانین و

کدخدایان اهل خواهد بود

تبصره ۲ - ماده ۲۸ در دهاتی که شخص با سواد نباشد که کار مجری و رعایا را انجام کند مأمورین سیاری که از طرف حکومت مأمور میشوند این وظیفه را بعهده دار خواهند شد

رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - تقدیم این پیشنهاد در اثر همان فکری است که قبلاً بنده عرض رسانیدم لیکن در این قسمت هم لازم میدانم توضیح عرض کنم بنده معتقدم که اجرای قانون سبج احوال باید از طرف دولت باشد یعنی برای اصلاح امور مملکت باید با اجرای قانون را بعهده دولت واگذار نمود که دولت مأمورینی معین کند که حقیقتاً انجام وظایف محوله بفرمودشان راعیده و از شوند و عقیده بنده وظایفی که راجع با اجرای این قانون لازم است خیلی مهم میباشد.

کد خدا یا ملاک محلی برایشان مقدر نیست این وظایف را انجام دهند اینچناندر نتیجه مطالبه میکنند بنده کردم بالاخره با نظور یافتم که اگر دهات متعددی در حوزه مأموریت بکنند مأمور سبج احوال باشد که آن دهات همه بآن نقطه دسترسی داشته باشند بهتر است.

باین معنی که مأمور سبج احوال در يك نقطه که نزدیک دهات متعدده باشد محل خودش را فرار دهد آنوقت دهات مختلفه اطراف با وجود کنته این مسئله هم از نقطه نظر بود چه تولید اشکال نمی کند و هم يك اشخاص کافی را در تمام ولایات مأمور انجام این وظیفه کرده اند مشر - رای بگیریید.

شریعت زاده - مقرر بفرمایید دوباره قرائت شود.

(مجدداً شرح گذشته قرائت شد)

رئیس - رای بگیرییم.

آقایانیکه پیشنهاد آقای شریعت زاده را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده کمی قیام نمودند)

رئیس - رد شد.

آقای تهرانی پیشنهاد اول که رد شد دومی هم در ضمن رد شد.

آقای اخگر تقاضای تجزیه کرده اند تبصره اول را از ماده تجزیه میکنیم ماده اضافه تبصره دومی که آقای مخبر پیشنهاد کرده اند قرائت میشود و رای بگیرییم (شرح ذیل قرائت شد)

ماده بیست و هشتم - مسئولیت سبج احوال هر ولایت با حاکم آن ولایت و مباشرت آن در شهرها با نایب الحکومه و در دهات با کدخداهای بکملک مجری و رعایا و وظایف سبج احوال را انجام میدهد و در ممالک خارجه بانمایندگان دولت است

تبصره - مسئولیت سبج احوال ایلات با رئیس اهل و مباشرت آن با خوانین و

گوشه در نمایند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده موافقم

رئیس - مخالفی ندارد؟

(گفته شد خیر)

رئیس - رای بگیرییم

آقایانی که ماده سی و یک را تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

ماده ۳۱ (شرح ذیل قرائت شد)

ماده سی و یکم - وزارت داخله مأمور اجرای مواد این قانون است که بلافاصله پس از تصویب و وسایل اجرای آن را فراهم و پس از شش ماه شروع به اجراء نمایند.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - در این ماده اسمی از نظامنامه برده نشده و بنده عقیده ام این است نوشته شود وزارت داخله مکلف است نظامنامه ای برای اینکار تهیه کند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده آقای شیروانی را تذکر میدهم بهیکل مهیب نظامنامه هائی که در سایر وزارتخانهها مجری شده که اجرای آن اسباب زحمت همه شده است شما میخواهید وزارت داخله را مأمور کنید که يك نظامنامه ای تهیه کند و مردم را در زحمت بیندازد و بنظر بنده هیچ لزومی ندارد تمام مواد نظام نامه در این قانون ذکر شده و هیچ محتاج بجزئی نیست که برای آن نظامنامه بنویسند.

رئیس - شهمزاده غلامحسین میرزا (اجازه)

غلامحسین میرزا - بنده عقیده دارم که باید در هر صورت يك نظامنامه برای هر قانونی نوشت و قانون بدون نظامنامه نمیشود.

وقتی که يك وزارتخانه حکم میکند که فلان قانون را اجرا کن باید يك نظامنامه ای هم برای آن تهیه کنند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - رای بگیرییم به این ماده الحاقیه که ماده ۳۱ میشود و ماده ۳۱ سی و دو می شود.

مخبر - تنظیم مواد بدهد باید بشود چون بعضی مواد دیگر هم نیست که به کدسیون ارجاع شده حالا بتوان ماده الحاقیه باشد تا بعد ببینیم سی و یک میشود یا سی و دو.

رئیس - خوب رای می گیرییم باین ماده الحاقیه آقایان موافقین قیام فرمایند

۲۲ شود ماده ۳۱ دفاتر سبج احوال تهران که قبلاً تنظیم شده و وظایفی که افراد بموجب مقررات قبلی سبج احوال انجام داده اند بعد از اجرای این قانون جزء دفاتر جدید نقل و قانونی محسوب خواهد شد.

رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - بنده گمان میکنم محتاج به توضیح زیاد نباشد.

در تهران قریب صد و هشتاد هزار نفر ورقه سبج احوال گرفته اند در این صورت نباید دومرتبه از سر بگیرند و تجدید کنند که مستلزم يك مخارج دیگری بشود

مخبر - از طرف کدسیون قبول می کنم.

رئیس - قبول میشود؟

مخبر - بلی

رئیس - دومرتبه قرائت میشود (بشرح گذشته قرائت گردید)

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

طهرانی - چون ما اطلاع نداریم آن مواد چیست شاید بعضی از آن مواد مخالف با این مواد باشد.

در اینجا مثلاً قطعاً معین شده که رئیس خانواده مکلف است.

در آنجا شاید معین نشده باشد که رئیس خانواده کیست موادی که مطابق با این مواد است و عمل شده قابل اجراء است.

یعنی مجلس امضا میکند آن دفاتری را که بر طبق آن قانون سابق مرتب شده و با این قانون است رسمیت دارد.

اما اگر آمد آن دفاتر مخالف این قانون بود یعنی روی يك موادی تنظیم کرده بودند که مخالف داشت با این مواد آنوقت این اسباب زحمت است برای مردم برای اینکه از امروز يك دفاتری معین می کنند بر طبق این مواد و يك دفاتری هم تنظیم شده بر طبق آن مواد.

این مسئله بعدها اسباب اشکال میشود اگر دفاتر بر طبق این مواد سابقاً تنظیم در این صورت رسمیت دارد و اگر مخالف با این مواد باشد آن دفاتر رسمیت ندارد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - رای بگیرییم به این ماده الحاقیه که ماده ۳۱ میشود و ماده ۳۱ سی و دو می شود.

مخبر - تنظیم مواد بدهد باید بشود چون بعضی مواد دیگر هم نیست که به کدسیون ارجاع شده حالا بتوان ماده الحاقیه باشد تا بعد ببینیم سی و یک میشود یا سی و دو.

رئیس - خوب رای می گیرییم باین ماده الحاقیه آقایان موافقین قیام فرمایند

۲۲ شود ماده ۳۱ دفاتر سبج احوال تهران که قبلاً تنظیم شده و وظایفی که افراد بموجب مقررات قبلی سبج احوال انجام داده اند بعد از اجرای این قانون جزء دفاتر جدید نقل و قانونی محسوب خواهد شد.

رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - بنده گمان میکنم محتاج به توضیح زیاد نباشد.

در تهران قریب صد و هشتاد هزار نفر ورقه سبج احوال گرفته اند در این صورت نباید دومرتبه از سر بگیرند و تجدید کنند که مستلزم يك مخارج دیگری بشود

مخبر - از طرف کدسیون قبول می کنم.

رئیس - قبول میشود؟

مخبر - بلی

رئیس - دومرتبه قرائت میشود (بشرح گذشته قرائت گردید)

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

طهرانی - چون ما اطلاع نداریم آن مواد چیست شاید بعضی از آن مواد مخالف با این مواد باشد.

در اینجا مثلاً قطعاً معین شده که رئیس خانواده مکلف است.

در آنجا شاید معین نشده باشد که رئیس خانواده کیست موادی که مطابق با این مواد است و عمل شده قابل اجراء است.

یعنی مجلس امضا میکند آن دفاتری را که بر طبق آن قانون سابق مرتب شده و با این قانون است رسمیت دارد.

اما اگر آمد آن دفاتر مخالف این قانون بود یعنی روی يك موادی تنظیم کرده بودند که مخالف داشت با این مواد آنوقت این اسباب زحمت است برای مردم برای اینکه از امروز يك دفاتری معین می کنند بر طبق این مواد و يك دفاتری هم تنظیم شده بر طبق آن مواد.

این مسئله بعدها اسباب اشکال میشود اگر دفاتر بر طبق این مواد سابقاً تنظیم در این صورت رسمیت دارد و اگر مخالف با این مواد باشد آن دفاتر رسمیت ندارد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - رای بگیرییم به این ماده الحاقیه که ماده ۳۱ میشود و ماده ۳۱ سی و دو می شود.

مخبر - تنظیم مواد بدهد باید بشود چون بعضی مواد دیگر هم نیست که به کدسیون ارجاع شده حالا بتوان ماده الحاقیه باشد تا بعد ببینیم سی و یک میشود یا سی و دو.

رئیس - خوب رای می گیرییم باین ماده الحاقیه آقایان موافقین قیام فرمایند

۲۲ شود ماده ۳۱ دفاتر سبج احوال تهران که قبلاً تنظیم شده و وظایفی که افراد بموجب مقررات قبلی سبج احوال انجام داده اند بعد از اجرای این قانون جزء دفاتر جدید نقل و قانونی محسوب خواهد شد.

رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - بنده گمان میکنم محتاج به توضیح زیاد نباشد.

در تهران قریب صد و هشتاد هزار نفر ورقه سبج احوال گرفته اند در این صورت نباید دومرتبه از سر بگیرند و تجدید کنند که مستلزم يك مخارج دیگری بشود

مخبر - از طرف کدسیون قبول می کنم.

رئیس - قبول میشود؟

مخبر - بلی

رئیس - دومرتبه قرائت میشود (بشرح گذشته قرائت گردید)

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

طهرانی - چون ما اطلاع نداریم آن مواد چیست شاید بعضی از آن مواد مخالف با این مواد باشد.

در اینجا مثلاً قطعاً معین شده که رئیس خانواده مکلف است.

در آنجا شاید معین نشده باشد که رئیس خانواده کیست موادی که مطابق با این مواد است و عمل شده قابل اجراء است.

یعنی مجلس امضا میکند آن دفاتری را که بر طبق آن قانون سابق مرتب شده و با این قانون است رسمیت دارد.

اما اگر آمد آن دفاتر مخالف این قانون بود یعنی روی يك موادی تنظیم کرده بودند که مخالف داشت با این مواد آنوقت این اسباب زحمت است برای مردم برای اینکه از امروز يك دفاتری معین می کنند بر طبق این مواد و يك دفاتری هم تنظیم شده بر طبق آن مواد.

این مسئله بعدها اسباب اشکال میشود اگر دفاتر بر طبق این مواد سابقاً تنظیم در این صورت رسمیت دارد و اگر مخالف با این مواد باشد آن دفاتر رسمیت ندارد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - رای بگیرییم به این ماده الحاقیه که ماده ۳۱ میشود و ماده ۳۱ سی و دو می شود.

مخبر - تنظیم مواد بدهد باید بشود چون بعضی مواد دیگر هم نیست که به کدسیون ارجاع شده حالا بتوان ماده الحاقیه باشد تا بعد ببینیم سی و یک میشود یا سی و دو.

رئیس - خوب رای می گیرییم باین ماده الحاقیه آقایان موافقین قیام فرمایند

سجل احوال است اینست که بنده پیشنهاد کردم که يك حوزه بندی وزارت داخله برای این قانون در نظر گیرد و ضمیمه این قانون شود ولی تقسیمات فعلی غالباً بی تناسب است .

در یکی از مواد این قانون ما گفتیم حاکم هر ولایت مسئول سجل احوال است یعنی والی خراسان مثلاً مسئول است در صورتی که تمام احکام بنظر آن والی انتخاب میشوند و معلوم نیست حوزه های خراسان مستقلند و مربوط بایالت نیست و والی مسئول حوزه خودش است یا خیر؟

والی مسئول تمام حوزه های خراسان است همینطور فرضاً ارومیه یا گمش مسئول همان ارومیه است .

والی آذربایجان مسئولیتی ندارد یا خیر و بنظر بنده باید حوزه بندیها معین و جدولی ضمیمه شود و انتساباتی که اصل مقصود و منظور است محفوظ بماند .

والا آنطوریکه پارلمان میخواهد محفوظ نمی ماند و باید نسبت بشمار نقاط و شهرها ولایات حدود قرارداد که بالاخره درجه بندی ولایاتی معین باشد .

معاونت وزارت داخله - حوزه بندی موضوع در تشکیلات اداری مملکت هست و بطور عموم تقسیم بندی می شود که حوزه های اداری مملکت از نقطه نظر کشوری از چه فراتر است حوزه بندی نظام هم اینست علیحد است ولی از نقطه نظر سجل احوال یعنی چه .

راست است حوزه بندی اداری سکه نقشه اش را درست داریم باید بشود يك کار خوبی هم هست و خیلی هم مهم است وقتی که حوزه بندی اداری شده آنوقت هر يك از شعب اداری کشوری مربوط بان قسمت میشود چه احتضانی و چه غیر آنها بنابراین بنده اینجا در قانون سجل احوال موضوعی برایش نمی بینم .

رئیس - رای میگیریم باین ماده الحاقی آقایانی که قابل توجهش میدادند تقیام فرمایند .

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد ماده بازده میماند برای موقعی که مافروضه مواد راجع شده از کمیسیون برگردد نسبت به دستور پنجمین چند فقره تقاضا شده :

اولاً آقای عباد السلطنه و آقای معتمد السلطنه تقاضا کرده اند که خبر کمیسیون بودجه راجع به مستخدمین بلژیکی که هر کس جزء دستور شود .

رئیس - آقای مشار اعظم .

مشار اعظم - بنده مخالفم .

رئیس - آقای حاج میرزا مهدی -

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده هم مخالفم .

عماد السلطنه - اجازه میفرمائید توضیح بدهم .

رئیس - بعد .
آقای آقا شیخ جلال و آقای همام السلطان و آقای روحی تقاضا کرده اند که قانون نظام اجباری جرح دستور شود . (بعضی از نمایندگان - صحیح است) آقای اعتبار الدوله هم تقاضا کرده اند که قانون استخدام کشوری جرح دستور شود . آقای عباد السلطنه .

عماد السلطنه - پیشنهادی که ما راجع به دوازده نفر مستخدمین بلژیکی کردیم که برای بعضی از آقایان اشتباه حاصل شده است و تصور فرموده اند راپورت راجع بولایتراست در صورتیکه اینطور نیست .

ایک يك چیز تازه و خرج جدیدی نیست يك اشکالی در نتیجه سهوی که وزیر مالیه در دوره چهارم کرده است و در جواب آقای ارباب کیخسرو يك جوابی داده است حاصل شده و این مسئله وضعیت داخلی مستخدمین بلژیکی را از حال

طلبی و عدالت خارج کرده باین جهت يك پیشنهادی بمجلس تقدیم کرده اند و در هم آمده و تصویب شده و راپورت آن مدتیست تنظیم شده و برای اصلاح وضعیت آنها لازمست زودتر تکلیفش در مجلس معین شود .

رئیس - آقایانی که این تقاضا را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . قانون بلدی و راه بندر جزم باین تقاضاها ضمیمه شده است .
رای میگیریم بقانون نظام اجباری آقایانی که تصویب میکنند جز دستور روز پنجمین شود قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . چون فرداروز قیام است و باید برای عرض تبریک حضور والا حضرت اقدس شرفیاب شد اجازه میفرمائید شش نفر بقرعه معین شوند .

جمعی از نمایندگان - صحیح است

(در این موقع آقای معظم السلطان استقرا بعمل آورده آقایان متصله ذیل معین شدند)

آقای شیخ العراقرین زاده - آقای حاج میرزا عبدالوهاب - آقای عبدالملك - آقای سردار فاخر - آقای رئیس التجار - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - چون بنده فردا کار دارم خوبست عوض بنده دیگری را معین کنند

(مجدداً استقرا بعمل آمده آقای امیر اعظم معین شدند)

رئیس - جلسه ختم میشود (مجلس بیست و هفتم بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی مؤتمن الملك منشی علی اقبال المملك منشی معظم السلطان

جلسه ۱۴
صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه بیست و دوم حوت یک هزار و سیصد و سه مطابق شانزدهم شعبان المعظم یک هزار و سیصد و چهار و سه

مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید (صورت مجلس یوم سه شنبه بیستم حوت را آقای میرزا جواد خان قرائت نمودند)

رئیس - آقای غلام حسین میرزا (اجازه)

غلام حسین میرزا - بنده از حضور و ریاست استعجازه کرده بودم

رئیس - باید از کمیسیون تحقیق شود به اینم برای چه اجازه نماده است .

آقای حاجری زاده (اجازه)

حاجری زاده - قبل از شروع بدستور عرض مختصری داشتم .

رئیس - آقای نظام التولیه (اجازه)

نظام التولیه - قبل از دستور عرض دارم .

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب - بنده هم قبل از دستور عرض دارم .

رئیس - صورت مجلس مخالفی ندارد یا نه؟

جمعی از نمایندگان - خیر

رئیس - آقای حاجری زاده (اجازه)

حاجری زاده - در این چند روز تلگرافاتی راجع به عوارض جدیدی که تحصیل بر بعضی اصناف میشود رسیده است و چون یزد يك شهر صنعتگری است از آنجا بیشتر شکایت می کنند .

مثلاً صنایع ابریشم باغی باغی شکایت می کنند که يك مالیات هائی از آنها مطالبه میکنند بوزارت مالیه مراجعه شد وزارت مالیه عنوان می کند که بعضی از اصناف بکلی از بین رفته اند مادر عرض باید از بعضی دیگر بگیریم که جبران بشود .

من هر چه فکر کردم فلسفه برای این موضوع پیدا نکردم اولاً دولت مالیات را بی اجازه مجلس

شورای ملی حق ندارد بر مردم تحمیل کند و از جایی مطالبه کند . (بعضی از نمایندگان - صحیح است)

بعلاوه مملکت ما چهار تصانت قدیمی دارد که تقریباً دارد از بین میرود و اگر به آنها هم بخواهند مالیات تحمیل کنند بکلی از بین میرود

در مجلس چهارم آقایان يك قانونی گذرانندند که مستخدمین دولت لباس وطنی بپوشند تا از این راه تشویق و ترویجی از امتعه وطنی کرده باشند که لا اقل حالا که کارخانجات حبسائی نداریم همان کارخانجات دستی مان از بین نرود و در جریان باشد

و خالاً اگر بنا باشد از این هاهم يك هوارضی مطالبه کنند با سبب لباس و نوبندیشان می شود و این دو سه صنعت هم از بین می رود .

در ضمن اخبار قوچان می نویسد : چندی قبل ولی خان قهرمانلو ملقب بضرغام السلطان بهیت حاج محمد حسین رستم آبادی و چند نفر سوار بگلخانه سیاه رشت وارد می شوند .

بخان مزبور خبر می دهند شیخ برانعلی نامی که بپوش او بوده در آن قلمه است دو نفر سوار بسراغ او رفته حاضر می نمایند .

پس از فحاشی و هتاکائی زیاد نسبت باواز فریه فرموده حرکت و سمت رستم آباد رهسپار می گردد بیوقف سوار مرز بوزجرم می کنند که شیخ در متابعت او رستم آباد می برند سوارها بنام دستور از باب خودشان پس از خروج از قلمه کردن شیخ را با ریسمان بدم اسب بسته مشغول ناخست و تاز می شوند .

مسافت بین دو فرقه را که فریب دو فرسخ بوده باین حال طی مینمایند بین راه چند مرتبه شیخ بیچاره ضعف نموده روی زمین می افتد مأمورین فسی القلب بوسیله درفش و جوال دوز (که حساب المحمول نوکر های این خان برای همین مواقع با خود دارند) او را از روی زمین حرکت دادند و باز بنای اسپتازی بهالمد کور می گذارند .

تا اینکه بقریه رستم آباد برسند درب قلمه اسطخری بوده پراز گلرو لجن قریب بیست مرتبه بیچاره را میان اسطخرا نداخته بیرون می آورند و در قواصل آن کنگک زیادی میزنند و در آخر هم لباس های او را کنند از سر تنایای آن را بگل سیاه گرفته باین هیئت پیش خان ملذکور می برند آن مجسمه شقاوت .

تانیاً بنای فحاشی و هتاکائی گذارده و امر بجس و زجر او می نمایند پس از مدتی حبس و آزار برادر حاج سابق الملك رسید و بصل اورقت می نماید و بواسطت او خان از سرقت و زجر او می گذرد تا اینکه کسان او از قریه مایوان مسبوق شده می آیند و جسد نیم مرده شیخ را روی الاغ انداخته

در مجلس مطرح است و امیدوارم در این دوره تصویب شود . همین طور هم دولت مالیات های صنعتی را بیک مور - صحیحی در بیارود و بیارود بمجلس تامل مردم راحت شوند .

بعضی از نمایندگان - صحیح است
رئیس - آقای نظام التولیه (اجازه)

نظام التولیه - جراند خراسان شرحی از عملیات بعضی از خوانین قوچان نوشته اند که حقیقتاً به اسانه شبیه نرست است .

والا تصور نمی شود کرد که بتوان در دوره مشروطیت همچو عملیاتی را در يك محل هائی کرد . بنده ابتدائاً عین آن شرحی که در روزنامه نوشته شده بعرض آقایان می رسانم و عرض می کنم که علت وقوع اینطور قضایا چیست .

در ضمن اخبار قوچان می نویسد : چندی قبل ولی خان قهرمانلو ملقب بضرغام السلطان بهیت حاج محمد حسین رستم آبادی و چند نفر سوار بگلخانه سیاه رشت وارد می شوند .

بخان مزبور خبر می دهند شیخ برانعلی نامی که بپوش او بوده در آن قلمه است دو نفر سوار بسراغ او رفته حاضر می نمایند .

پس از فحاشی و هتاکائی زیاد نسبت باواز فریه فرموده حرکت و سمت رستم آباد رهسپار می گردد بیوقف سوار مرز بوزجرم می کنند که شیخ در متابعت او رستم آباد می برند سوارها بنام دستور از باب خودشان پس از خروج از قلمه کردن شیخ را با ریسمان بدم اسب بسته مشغول ناخست و تاز می شوند .

مسافت بین دو فرقه را که فریب دو فرسخ بوده باین حال طی مینمایند بین راه چند مرتبه شیخ بیچاره ضعف نموده روی زمین می افتد مأمورین فسی القلب بوسیله درفش و جوال دوز (که حساب المحمول نوکر های این خان برای همین مواقع با خود دارند) او را از روی زمین حرکت دادند و باز بنای اسپتازی بهالمد کور می گذارند .

تا اینکه بقریه رستم آباد برسند درب قلمه اسطخری بوده پراز گلرو لجن قریب بیست مرتبه بیچاره را میان اسطخرا نداخته بیرون می آورند و در قواصل آن کنگک زیادی میزنند و در آخر هم لباس های او را کنند از سر تنایای آن را بگل سیاه گرفته باین هیئت پیش خان ملذکور می برند آن مجسمه شقاوت .

تانیاً بنای فحاشی و هتاکائی گذارده و امر بجس و زجر او می نمایند پس از مدتی حبس و آزار برادر حاج سابق الملك رسید و بصل اورقت می نماید و بواسطت او خان از سرقت و زجر او می گذرد تا اینکه کسان او از قریه مایوان مسبوق شده می آیند و جسد نیم مرده شیخ را روی الاغ انداخته

بخانه اش می برند . پس از چند روز که فی الجمله رمقی پیدا نموده و تغذیفی در جراحت بدن او پیدا می شود برای اظهار شکایت بشهر میآید و بمقامات عالی اظهار مظلومیت و دادخواهی می نماید .

تا اکنون چندین مرتبه حکم از هر کس برای رسیدگی بشکایت شیخ و رفع تطلم او صادر و بلاخطاتی تمام مسکوت غنمانده و شیخ بیچاره در کرجه های قوچان و یلان سرگردان مانده است .

حقیقتاً این قسم پیش آمد هادر شهر هائی که مدعی العموم دارد خیلی عجیب است که تعقیب نمی شود و هر کاری که دلشان میخواهد می کنند . در صورتی که مشهد مدعی العموم دارد برای رسیدگی باین طور قضایا که اگر مدعی خصوصی نداشته باشد مدعی عمومی باید خودش تعقیب کند .

متأسفانه مدعی العموم مشهد هیچوقت در این قبیل قضایا دخالت نمی کند اینکته بستگی مخصوص بیک عضو مهم مر کردار و تقریباً می توان گفت که مدعی العمومی مشهد قبول شده است و چندین حال است که باید تغییر نمی کند و البته اگر مدعی العموم تعقیب بکنند باید مسکن نیست این قضایا روی بدهد مدتی این شخص بیچاره در آنجا و یلان و سرگردان مانده است و بهیچوجه تعقیب نشده .

بنابراین خواستم قضایا را بعرض آقایان برسانم و از طرف مجلس مقدس شورای ملی بولت تذکره داده شود که حقیقتاً چرا باید در يك ولایاتی در زمان مشروطیت بیک حکم کاتی بکنند که اینطور رقت آور باشد

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده می خواستم تقاضا کنم که مدتها است دو فقره سؤال از وزارت مالیه کرده ام تقریباً شش هفت ماه است هنوز حاضر نشده اند جواب بدهند همین حاضر نشده شان باعث شده است که فردوره بک مالیات جدیدی بر اهالی همدان تحمیل می شود استدعا می کنم مقرر فرمائید که زودتر بیایند و جواب سؤالات بنده را بدهند و جلو گیری هم از این خلاف قانونها بکنند .

رئیس - تاکید می شود

بعضی از نمایندگان - وارد دستور بشویم

رئیس - غیر کمیسیون بودجه راجع بدوازده نفر مستخدمین بلژیکی مطرح است در کلیات مخالفی نیست؟

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده مخالفم .

رئیس - بفرمائید

حاج میرزا عبدالوهاب - در این

لایحه نوشته شده که بیست و هفت هزار و هشتصد و خورده تومان علاوه باین مستخدمین داده شود .

بعلاوه منزل هم داده شود البته کسی منکر خدمات مستخدمین بلژیکی نیست . ولی يك مملکتی که این قدر بی پول است این قدر بفل و بخشش را بنده سزاوار نمی دانم باید اول تحصیل پولش را کرد بعد بفل و بخشش کرد تا محتاج بیک نفر تحصیل طاقت فرسا بپردازیم بنده این کار را سزاوار نمی دانم از این جهت مخالف هستم .

آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده هم مخالفم .

عماد السلطنه مخیر کمیسیون بودجه اینکته آقا فرمودند بیست و هفت هزار تومان و کسری در این لایحه نوشته شده است ولی در همین لایحه هم نوشته شده است که کلیه این مبلغ در بودجه سنه ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ منظور شده و بهیچوجه موجب هیچگونه اضافه مخارجی نیست .

اولاً بنده باید تاریخچه این مسئله را عرض کنم چنانچه بیروزم عرض کردم این در نتیجه يك سهوی است که در نوزدهم جوزای ۱۳۰۱ در مجلس شورای ملی واقع شده است در موقعی که لایحه دولت راجع بدوازده نفر بلژیکی مطرح بوده است وقتی میخواستند رای بگیرند

آقای ارباب کیخسرو از وزیر مالیه وقت توضیح میخواستند از صورت مجلس هست) که این کثرت استعانت تاریخ است ایشان جواب میدهند از تاریخ تصریح در صورتی که از تاریخ تصویب نبوده است و از تاریخ انقضای کثرت سابقشان بوده است و اگر در تاریخ تصویب بنا بود معمول وقت داد

همانطور که در این لایحه هم عرض شده است مستلزم این بود که بکمه از بلژیکیها بدون استعانت از حقوق کثرتی شان علاوه دریافت کنند و بکمه دیگر بدون جهت از حقوق حقه خودشان کسب دریافت کنند .

برای این مسئله دولت ناچار بود بد نقطه نظر است که این زیادتی برای چیست و چه خدمتی کرده اند که این اضافه بایستی منظور شود و در واقع توضیح این مسئله را بآنها داد

والا در صورتی که کثرت نشان در سابق تصویب شده و دارای يك حقوقی بودماند دیگر این اضافه برای چیست و همانطور که خودتان هم فرمودید در بودجه هزار و سیصد و دو و سه هم تصویب شده است در هر صورت مخالفت بنده و آقایان دیگر از این نقطه نظر است که این زیادتی برای چیست و چه خدمتی کرده اند که این اضافه بایستی منظور شود و در واقع توضیح این مسئله را بآنها داد

این لایحه را بمجلس تقدیم کردند مدتی در کمیسیون طول کشید چون لازم بود توضیحاتی از رئیس کل گمرکات در این باب خواسته شود در رئیس کل گمرکات هم بسافرت رفته بود

بعد از آن که از مسافرت برگشت به کمیسیون آمد و توضیحاتی داد معلوم شد که هیچگونه اضافه مخارجی نیست و همان

مخیر - اولاً بنده هیچوقت حمله و تهرش نکرده ام که ایشان فرمودند حمله و تهرش میکنند و این فرمایش ایشان مورد نداد . اما اینکته فرمودند چرا در بودجه ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ ذکر شده جایش همانجا است

چون در سنه ۱۳۰۱ کثرت اینها

است که در بودجه سنه سیصد و سیصد و سه تصویب شده است این بود که راپورتش تقدیم مجلس شد همین طور هم در راپورت کمیسیون ذکر شده و از تصویب مجلس هم گذشته است .

بعضی از نمایندگان مذاکرات کافی است .

(بعضی گفتند کافی نیست)

رئیس - آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (عده قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی است . آقای آقا سید یعقوب .

آقا سید یعقوب - راجع بفرمایش آقای عماد السلطنه -

اولاً این را عرض کنم که راجع به اساس مالیه سخت است صحبت کردنش در مجلس برای اینکته مخیر کمیسیون بودجه آقای عماد السلطنه است که بنظر بی مرحمتی حمله میکنند و بنده نمیتوانم به ایشان اعتراضی کنم خودشان تصدیق می کنند که این مال سیصد و دو و سه است و مال سابق نیست

یعنی در بودجه هزار و سیصد و دو و سه منظور شده پس معلوم می شود که این يك اضافه مخارجی است که آورده در بودجه بنده و آقای حاج میرزا عبدالوهاب

با این اضافه مخالف هستیم چون همانطور که در سابق هم بنده عرض کرده ام اگر سابقاً آنها کثرت داشته اند که مطابق آن خدمتشان حقوق به آنها میدهند و اگر يك خدمت جدیدی بآنها رجوع کرده اند و مستوجب نصیبت جدیدی هستند که خوب است آنرا هم آقای مخیر بفرمایند که چون يك خدمت دیگری بآنها رجوع شده در مقابل این خدمت این نعمت را هم باید بآنها داد

والا در صورتی که کثرت نشان در سابق تصویب شده و دارای يك حقوقی بودماند دیگر این اضافه برای چیست و همانطور که خودتان هم فرمودید در بودجه هزار و سیصد و دو و سه هم تصویب شده است در هر صورت مخالفت بنده و آقایان دیگر از این نقطه نظر است که این زیادتی برای چیست و چه خدمتی کرده اند که این اضافه بایستی منظور شود و در واقع توضیح این مسئله را بآنها داد

این لایحه را بمجلس تقدیم کردند مدتی در کمیسیون طول کشید چون لازم بود توضیحاتی از رئیس کل گمرکات در این باب خواسته شود در رئیس کل گمرکات هم بسافرت رفته بود

بعد از آن که از مسافرت برگشت به کمیسیون آمد و توضیحاتی داد معلوم شد که هیچگونه اضافه مخارجی نیست و همان

مخیر - اولاً بنده هیچوقت حمله و تهرش نکرده ام که ایشان فرمودند حمله و تهرش میکنند و این فرمایش ایشان مورد نداد . اما اینکته فرمودند چرا در بودجه ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ ذکر شده جایش همانجا است

چون در سنه ۱۳۰۱ کثرت اینها

تجدید شده است آنوقت باید در بودجه هزارویصد و دویسده این اضافاتشان ذکر شده باشد و از تصویب مجلس هم گذشته باشد همین طور هم شده و از تصویب مجلس گذشته است.

اما اینکه فرمودند چه خدمت جدیدی کرده اند که این حقوق با آنها داده میشود این یک چیز جدیدی نیست و خدمت هم جدیداً نکرده اند.

همانطوریکه سایر مستخدمین خارجی در کنترانشان قید دست در کنترات مستخدمین بلژیکی هم این مسئله قید شده است که در سال اول و دوم و سوم و همینطور در سنوات خدمتشان حقوقشان نسبت بسال قبل علاوه می شود.

این یک چیز تازه نیست هم چنانکه نسبت بمستخدمین داخلی ایران هم این مسئله منظور شده و از این اضافه بهره مند میشوند و باز هم تکرار می کنند که بهیچوجه من الوجوه در این قسمتی که امروز مجلس تصویب میفرماید یک دینار بر بودجه که تصویب شده تعمیم نمیشود.

رئیس - آقای کازرونی.

(اجازه)

کازرونی - موافقم. رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده معنی بودجه مصوبه را ندانستم اگر اینها واقفاً تصویب شده دیگر زیادی معنی ندارد اگر چنانچه يك پول زیادی در گمرک جمع شده است آنرا باید بدهند بخانه مملکت نه اینکه چون آنجا يك پول زیادی جمع شده باید فوری برایش خرج بتراشیم و يك لایحه پیشنهاد کنیم بمجلس.

این معنی ندارد اگر این طور است الان تمام ادارات ما بی مواجب مانده اند اول حقوق آنها را بدهند بعد برای اینها پیشنهاد ریاضی بشود.

مخبر - متافانه توضیحی که بنده می دهم آقایان توجه نمیفرمایند یا شاید بنده بد توضیح میدهم عرض کردم اینها در جزو بودجه کل مملکتی از تصویب مجلس گذشته است.

ولی نظر باینکه این اضافات برای مستخدمین بلژیکی بموجب کنترات است و باید این اضافات در حق آنها منظور شود اجازه مجلس شورای ملی لازم دارد ولی در در هر صورت در جزو کل مملکتی و گمرک این مبلغ از تصویب مجلس گذشته است این عرض بنده ...

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

(بعضی گفتند - کافی نیست) رئیس - رای میگیریم بحکافیت مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(معدودی قیام نمودند) رئیس - مملوم می شود کافی نیست. آقای سر کشیک زاده (اجازه)

سر کشیک زاده - توضیحاتی که آقای عماد السلطنه دادند بنده را قانع نکرد.

مقدمه لایحه را هم خوانده ام آقایان ملاحظه فرمایند در موقعی که يك طرحی بمجلس میاید که مستلزم هزار تومان مخارج است یکی از نمایندگان می گوید من مخالف با این حاتم بخشها هستم.

اگر اینطور است بنده هم با حاتم بخشهای مخالف هستم. اگر این حقوق را بموجب تصویب مجلس شورای ملی میگیرند دیگر هیچ دلیلی ندارد دوباره مجلس رای بدهد و اگر نمیگیرند این را هم خوب است آقای مخبر توضیح بدهند که این بیست و هفت هزار تومان و کسری از چه بابت آنها داده میشود.

رئیس - آقای مستمد السلطنه (اجازه)

مستمد السلطنه - آقای سر کشیک زاده در ضمن بیانات خودشان فرمودند که در اینجا حاتم بخش میشود بنده تصور میکنم خبر کمیسیون بودجه خیلی روشن و واضح نوشته شده گویا کاملاً دقت فرمودند در خبر کمیسیون نوشته شده است:

که در سی و یکم جوزا ۱۳۰۲ کنترات مستخدمین بلژیکی بمجلس تقدیم شده و سی و یکم جوزا روزی است که روز آخر دوره تقنینیه مجلس چهارم بوده است کنترات مستخدمین بلژیکی در همان موقع بمجلس مطرح شد و همانطور که آقای مخبر توضیح دادند آقای ارباب کیخسرو وزیر مالیه وقت سؤال کردند و ایشان جواب دادند که این کنترات هاشان باید از روز انقضای کنترات سابقشان تجدید شود بواسطه همین اختلاف این مسئله

همینطور مانده و يك اضافاتی بیبعضی ها - شان داده شد و مابقی هم از حقوق بعضی دیگر کسر شد و چون بجای برای مجلس باقی نبود در سی و یکم جوزا مجلس دوره اش خاتمه یافت و دیگر مجلس نبود که دولت پیشنهادی راجع با آنها تقسیم مجلس کند.

در دوره حاضر این پیشنهاد بمجلس آمد و آن اشتباهی که در دوره چهارم شد در این پیشنهاد اصلاح شده و آن تفاوتی هم که می بایستی داده شود بمجلس شورای ملی در بودجه سنه ۱۳۰۲ تصویب کرده است و گمرک هم باسم آنها کنار گذارده و منتظر است که پس از تصویب مجلس حقوق حقه آنها را با آنها بدهد و بهیچوجه موضوع حاتم بخشی و اضافه خرج نیست و این يك حق مشروط می است که مطابق سوابق و کنترات هائی که داشته و دارند نباید

بأنها داده شود و اگر برابری کمیسیون بودجه کاملاً مراجعه شود رفع تمام مشکلات خواهد شد.

رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس تقاضا کرده اند که لایحه از دستور.

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس عرض کنم که ...

رئیس - آقایان قائل بفرمائید مگر تقاضا نکرده اید که از دستور خارج شود.

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس چراولی اول اجازه گرفته بودم.

رئیس - در هر حال ایشان تقاضا کرده اند که این لایحه از دستور خارج شود. بفرمائید.

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - آقایان نسبت سهو بمجلس چهارم میدهند در صورتیکه اشتباه میکنند بمجلس میخواست تا موقعی که کنترات آنها تمام نشده اقدامات و عملیاتی خارج از قانون نکنند و ابتدا سهو نکرده.

و علاوه چون از همان آقایان حاضر نیست و مطالب مهمتری از قبیل نظام اجاری و غیره در دستور هست که مفصلتر است از این جهت بنده پیشنهاد کردم که از دستور امروز خارج شود.

مخبر - بنده عرض نکردم بمجلس چهارم سهو کرده است.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - بنده اساساً با این قبیل پیشنهادات مخالف هستم يك کاری که می آید بمجلس صحیح با تقسیم وقتی که درش جزئی گیری پیدا میشود و يك نظریاتی تولید می شود فوری آقایان می فرمایند از دستور خارج شود و بنده با این ترتیب مخالفم.

اگر آقایان اقتد موافقتشان را اظهار کنند اگر هم مخالفند مخالفتشان را بفرمایند دیگر چرا از دستور خارج شود.

رئیس - آقایانی که تقاضای شاهزاده را تصویب میکنند قیام فرمایند (معدودی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. آقای عراقی (اجازه)

حاج آقا اسمعیل عراقی - بنده در موقعی که مخبر محترم کمیسیون توضیح می دادند نزدیک بود یک قدری متقاعد شوم ولی توضیحی که آقای مستمد السلطنه دادند بنده را در عقیده مخالفت خودم را سخت تر کرد.

چون در ضمن توضیحات خودشان گفتند این بودجه در خزانه گمرک موجود است تا وقتی که مجلس تصویب نکند داده شود.

مملوم می شود يك پولی که تصویب شده برای يك شخص معینی نبوده است در خزانه ایران خیلی چیزها موجود است.

پس هر جا چیزی موجود است فوراً در این مقام برایشان هم که تصویب کنیم بعضی اشخاصی داده شود.

خیر اینطور نیست.

چون یک قدری پول در خزانه گمرک جمع شده بدیم باین قبیل اشخاصی این ترتیب غریبی است و بنده تصور میکنم که این يك خرجی است تازه که مجدداً ما میخواستیم تصویب کنیم و من خیال می کنم قول آن کسی که میگوید ما حاتم بخشی کنیم درست باشد.

آقای مستمد السلطنه بر طبق فرمایشی که فرمودند تصدیق کردند که ما يك پولی داریم حالا که داریم بدیم بدیگری خیر.

مطابق آن بودجه که سابقاً تصویب شده است برای مستخدمین بلژیکی يك حقوقی تصویب شده است و این اضافه مخبر محترم هم در ضمن فرمایششان فرمودند که يك اضافه که بيك کسی می بایستی داده شود داده نشده و بدیگری عرض آن داده شده که مستحق آن نبوده است.

حالا بهتر این است که ما این پولی را که داریم بدیم باین شخصی که مستحق بوده و نگرفته.

بنده معنای این را نفهمیدم حقیقتاً شكلی غریبی است و بنده نمی توانم با این لایحه موافقت کنم.

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - موافقت بنده فقط متوجه این نکته است که حقیقتاً بلژیکی ها برای ما يك نوعی کار کرده اند و گمرکات ما را مرتب کرده اند که مستوجب تقدیر و تحسین هستند.

بنده بر خودم لازم می دانم که اظهار قدردانی کنم.

اگر کسی درست مربوط باشد بگمرکات و عملیات آنها را نگاه کند حسن اداره آنها را تصدیق میکنم که با بهتر از بسیاری از گمرکات خارجه است یا مثل یکی از گمرکات جنوب خارجه است.

در گمرکات ما مطالب بنان می دهیم که هیچ تعدی و خیانت وجود ندارد. با اینکه تجار را محکوم کرده است که آن آخرین مرتبه اعلاای حقوق گمرکی را بپردازند.

مذاکله همچوقت کسی از گمرک شکایتی نکرده است و همه وقت رضای بوده اند. عایدات گمرکی ما هم خیلی زیادتر شده است و روز بروز هم در تزايد است و بنده چندان مهم نمی دانم که حقوق این جور مردم زیاد شود ما بایستی در مقابل سایر مستخدمین که حقوق ما را منظور نمی دارند نسبت بکسانی که منظور می دارند قدری

حق شناسی کنیم که سهو متفاهم نشود. رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس مطلب خیلی خوب ملطافه و آن مطلبی که می فرمایند زیاد کم است من بوط بستن بدین بلژیکی نیست مملوم نیست کسی که مخالفت میکند بگوید این ها خدمت گزاری نکرده اند.

خیر عرض این است که مجلس چهارم از روزی که این کنترات را تصویب کرده بایست منظور شود یا نه؟ آقایان می فرمایند که اگر رای بدیم فرق نمیکند.

بنده نمیدانم چطور فرق نمیکند! اگر رای بدیم البته بر بودجه تعمیم خواهد شد.

بنده که وقتی حساب میکنم می بینم در صورت رای دادن بر بودجه زیادتز میشود.

آقایان مخبر و اعضاء کمیسیون باید این حساب را کرده باشند که این بیست و هفت هزار تومان را اگر بدیم زیر می شود و چطور میشود نه زیادتز میشود نه کمتر من که نفهمیدم.

لذا عقیده دارم از روزی که مجلس شورای ملی کنترات را تصویب کرده موضوع حقوق از آن روز است.

باین جهت مخالفت کرده ام اینک بگویم بلژیکی ها بدرفتاری کرده اند خبلی هم خوب رفتار کرده اند.

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - اینجا در مطلب طرف توجه آقایان شده یکی راجع به مبلغ بیست و هفت هزار و هفتصد و هفتاد و دو تومان برای حقوق آنها و یکی هم منزل برای سکونت آنها.

همانطوری که آقای مخبر توضیح دادند این مبلغی که در این لایحه از طرف دولت کمیسیون پیشنهاد شده است و کمیسیون هم تصویب کرده است.

چیز تازه نیست مستخدمین بلژیکی که در گمرکات مشغول خدمت هستند مخصوصاً این دوازده نفری که اسمی شان اینجا هست تمامشان سابقه اداری در ادارات دولتی بلژیک داشته اند و از مستخدمین رسمی دولت بلژیک بوده اند که کنترات شده آمده اند باین راجع چون اینها بتدریج باین آمده اند و کنترات های آنها منعقد باین از مجلس چهارم در رعایت شده است. قبل از مجلس چهارم در رعایت داخلی آنها يك تعدیلی بوده است باین معنی که يك نفر که سابقاً خدمتش در مالیه و گمرک زیادتر بوده است در کنتراتی که با دولت داشته است یک قدری حقوق زیادتر برایش منظور شده و آنکه کمتر بوده است یک قدری کمتر حقوق با داده شده و باین

ملاحظه يك توازن و تفاوتی مابین افراد بلژیکی که در گمرک بوده اند بوده است. همین مسئله باعث دلگرمی آن ها بوده تا اینکه در مجلس چهارم در اواخر مجلس (که اغلب آقایان هم در آن دوره بوده اند) و خوب هم مبوبق هستند اصلاً وضعیت فضا یکطوری بود که ملائمتی به استخدام طبقه خارجی نشان داده نمیشد فقط موضوع بحث مالیه بود و اینکه از آمریکا برای مالیه مستشار بیاورند.

در این نقطه دولت عمارات گمرکی دارد و هر يك از این مستخدمین بلژیکی که مأموران نقاط میشوند البته در آن عمارات دولتی منزل میکنند و دیگر دولت برای آنها منزل جدا گانه اجاره نمیکند و فقط سه نفر اینها میمانند.

بعد از آنکه کنترات آنها در مجلس چهارم گذشت این اختلاف هم در آنجا موجود شده است. قبل از دوره چهارم دولت بهريك از آنها منزلی که تاسیسه مقامشان باشد میداده است حالا در این يك سال و نیم و دو سال سه نفرشان بر منزل مانده اند آن وقت آن نقطه نظر اخلاقی و احتیاجات اداری رئیس کل گمرکات میگوید شما که بآن هشت نفر یا نه نفر که منزل داده اید این سه نفر هم اهمیتی ندارد درازاه خدمات صادقانه کرده اند در واقع يك اجاره خانه درمان آن هم باینطوری که کمیسیون رای داده است از بیست و پنج الی پنجاه تومان مال الاجاره نسبت باین سه چهار نفر بدهند و خانه اجاره نمایند بنا بر این تصور می کنم که این يك چیز تازه نیست و تحمیلی هم بر بودجه نیست و علت این اشکال همان بود که بطور خلاصه بر عرض آقایان رساندم و اگر آقایان توجه فرمایند و مستخدمین گمرک که از بلژیک آمده اند مبلغی پول بپردازند یا اجاره خانه یا انعام یا اضافه مخارج داده شود با سوابقی که داشته اند يك تشویق است و موضوع حاتم بخشی هم نیست. درازاه خدمت است پول مفت هم داده شده است. جمعی گفته اند مذاکرات کافی است و بعضی گفته اند کافی نیست.

رئیس - آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند. اغلب قیام نمودند.

رئیس - مملوم میشود کانیست رای میگیریم برای شور مواد آقایانی که دخول در شور مواد را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول فرات می شود.

(بشرح آتی فرات شد)

ماده اول - وزارت مالیه مجاز است برای مأمورین بلژیکی گمرکات که در اماکن دولتی سکنی دارند منزلی متناسب با اهمیت مشاغل آنها در حدود ماهی ۲۵ الی پنجاه تومان اجاره و باختیار ایشان بگنجاورد.

رئیس - آقای مساوات

مأمور نقاط خارج میباشند چون بنا و عمارت برای گمرک از خود دولت در آن نقاط هست در آنجا منزل ندارند و در مقدمه این راپورت هم ذکر شده از قبیل انزلی، آستارا، مشهدسر، بندر چز، سیستان، بندر عباس و مجره و جلفا و تبریز.

در این نقطه دولت عمارات گمرکی دارد و هر يك از این مستخدمین بلژیکی که مأموران نقاط میشوند البته در آن عمارات دولتی منزل میکنند و دیگر دولت برای آنها منزل جدا گانه اجاره نمیکند و فقط سه نفر اینها میمانند.

بعد از آنکه کنترات آنها در مجلس چهارم گذشت این اختلاف هم در آنجا موجود شده است. قبل از دوره چهارم دولت بهريك از آنها منزلی که تاسیسه مقامشان باشد میداده است حالا در این يك سال و نیم و دو سال سه نفرشان بر منزل مانده اند آن وقت آن نقطه نظر اخلاقی و احتیاجات اداری رئیس کل گمرکات میگوید شما که بآن هشت نفر یا نه نفر که منزل داده اید این سه نفر هم اهمیتی ندارد درازاه خدمات صادقانه کرده اند در واقع يك اجاره خانه درمان آن هم باینطوری که کمیسیون رای داده است از بیست و پنج الی پنجاه تومان مال الاجاره نسبت باین سه چهار نفر بدهند و خانه اجاره نمایند بنا بر این تصور می کنم که این يك چیز تازه نیست و تحمیلی هم بر بودجه نیست و علت این اشکال همان بود که بطور خلاصه بر عرض آقایان رساندم و اگر آقایان توجه فرمایند و مستخدمین گمرک که از بلژیک آمده اند مبلغی پول بپردازند یا اجاره خانه یا انعام یا اضافه مخارج داده شود با سوابقی که داشته اند يك تشویق است و موضوع حاتم بخشی هم نیست. درازاه خدمت است پول مفت هم داده شده است. جمعی گفته اند مذاکرات کافی است و بعضی گفته اند کافی نیست.

رئیس - آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند. اغلب قیام نمودند.

رئیس - مملوم میشود کانیست رای میگیریم برای شور مواد آقایانی که دخول در شور مواد را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول فرات می شود.

(بشرح آتی فرات شد)

ماده اول - وزارت مالیه مجاز است برای مأمورین بلژیکی گمرکات که در اماکن دولتی سکنی دارند منزلی متناسب با اهمیت مشاغل آنها در حدود ماهی ۲۵ الی پنجاه تومان اجاره و باختیار ایشان بگنجاورد.

رئیس - آقای مساوات

مساوات - اگر چه آقایان توضیحاتی دادند که خیلی کافی بود ولی این بنده بيك مسئله راجع باینطور مسائل از مجلس گذشته است با آقایان تذکر می دهم و آن راجع بوده است بمسئله کنترات عموم خارجی ها که در دوره چهارم تصویب شده است و گذشته آن قانون از روی این فلسفه بود که دیده می شد در بودجه خارجی ها وقتی که با دولت حساب می شد يك مخارج ويك اسامی خارجی هست که هیچ ربطی بکنترات ندارد.

ملا خراج در شکله دیده شده و خرج بعضی چیزهای تجملی از قبیل بل و اناتیه و بعضی چیزهای دیگر را می نوشند. برای اینکه دولت محدود باشد در وضع کنتراتها فرار دارند که کنترات خارجی ها وقتی بمجلس می آید باید خدمت او رسد او و وجهی که او را کنترات میکند و مدتش را بمجلس بیاورند و تصویب شود و حقوقی اضافه بر آنچه که بمجلس تصویب کرده داده نشود و این برای همین مسئله است که مخارج يك هم مثلا داده نشود این مسائل برای شخصی بخصوص نیست و برای بلژیکی و غیر بلژیکی نیست مستخدمین بلژیکی هم البته خیلی خدمت کرده اند و منظور نظر هم میشد و گویا عموم و کلاه هم از آنها خشتر باشد.

اما این چون مخصوص بکدام کس نیست بنده اساساً مخالفت دارم که یکدیگری زیاد تر از آن کنتراتی که گذشته است داده شود و مخالفتم از این جهت است.

مخبر - اینجا يك شبهه برای آقای مساوات شده که لازم است رفع آن را بکنم.

اولاً قانونی که فرمودند از مجلس گذشته البته محترم است و کنترات هائی هم که شده است البته از آن قانون تجاوز نکرده و نمیکند.

هر کنترات یک شرایط اصلی و يك شرایط فرعی دارد.

شرایط اصلی همانطور که فرمودند باید بمجلس بیاید و شرایط فرعی را هم باز مطابق بیکتر تیبی که خودش تصویب کرده است باید معین کند.

اما این موضوع مخالف با آن مسئله نیست و این یک چیزی بر خلاف کنترات و اضافه کنترات نیست.

شما يك يك مأمورینی بفرستید به يك چند نقطه از این نقاط عمارات دولتی دارند مثل اینکه نه نقطه است که دارند و در راپورت نوشته شده است از قبیل انزلی، آستارا، بو شهر، بندر چز، سیستان، بندر عباس، مجره، جلفا، تبریز در يك قسمت ها عمارات دولتی هست و در يك قسمتهائی هم از طرف دولت دستور ساخته شدن داده شده است.

رئیس - آقای مساوات

اما يك جاهائی كه عمارات دولتی ندارد رئیس گمرک وقتی بآنجا میرود البته منزل می‌خواهد و این منزل را البته باید دولت بدهد.

بفرمائید اینکه ما اینها را کثرت کردیم برای بکده‌های دولتی و البته هیچوقت مستخدمین خارجی نمی‌آوریم و امیدوارم که در بکده‌های دولتی رفع احتیاجاتمان از مستخدمین خارجی بشود.

اند لهذا اگر آقایان صلاح میدانند باشد بدمدرافراش مطالعه بشود آقایان قانع بشوند بمیرایید بمجلس.

دامغانی - بنده در کلیات عرضی ندارم.
رئیس - آقای یاسائی (اجازه)
یاسائی - موافقم.
رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

این حرف مشروع و حسابی است نهی کمیسیون بوده مقدار و مبلغش را هم معین کرده است که از پنجاه تومان گزایه خانه و اتاقه تجاوز نکند یعنی از بیست و پنج تومان الی پنجاه تومان و این قبیل دقت ها در بکده‌های دولتی که عهده‌دار هستند و شاید در آنجا هم مجال رسیدگی و تحقیق و تدقیق بیش از مجلس شورای ملی باشد تصور هم نمیکند ما ما میل نداشته باشیم چیزی را بدون جهت و سبب بیآوریم از تصویب مجلس بگذرانیم یا چیزیهای بگوئیم که خلاف واقع باشد.

اما مادامی که باید آن‌ها را نگاه داری کرد البته بکنفر که از خارج می‌آید غیر از مردم این مملکت است و با مستخدمین خودمان مطابق قانون استفاده می‌کنند که شما تصویب کرده‌اید رفتار میکنیم آنها هم راضی هستند و باید هم راضی باشند ولی خارج‌ها را که می‌آوریم باید وسایل که راحتشان از افرام کنیم.

تقدیر - این را بپورت کمیسیون تقریباً در بیست و دوم رجب طبع شده و توزیع هم شده و در جلسه گذشته هم تقاضا شد که جزو دستور امروز شود.
بنده تصور میکنم آقایانی که نقیاً با اینا اطلاعند بوده اند با این را بپورت که قبول میکنند یا رد بکنند مطالعه خود را کرده اند با اینکه آقای مدرس تصدیق میفرمایند خدمات صادقانه مستخدمین بلژیکی را و تصور میکنم سایر آقایان هم در این باب عقیده باشند بنده تصور میکنم زیاد در این باب صحبتی نخواهد شد.
مگر اینکه موضوع مکرر شود برای اینکه آقایانی که مخالف بودند دلایل خودشان را اقامه کردند و موافقین هم توضیحات خودشان را دادند و چیزی هم که قاطع است رای است.
حالا امروز از دستور خارج بشود و در خارج تبادل نظر اشود نمی‌دانم عملی خواهد بود یا نه.
مگر اینکه آقای مدرس پیشنهادشان را اصلاح فرمایند که برای جلسه بعد باشد بعد برای بگیرند.
مدرس - قبول می‌کنم.
رئیس - آقایانی که این تقاضا را تصویب می‌کنند قیام فرمایند.
بکنفر از نمایندگان - با اصلاح (عده کمی برخاستند)
رئیس - تصویب نشد.
نصرت الدوله - اجازه میفرمائید آقای مدرس خودشان تقاضای اصلاح کرده اند.
رئیس - اصلاحی پیشنهاد نرسید.
نصرت الدوله - بنده پیشنهاد می‌کنم (پیشنهادی تقدیم نمودند)
پیشنهاد آقای نصرت الدوله بشرح ذیل قرائت شد)
تقاضایم شده که لایحه امروز از دستور خارج و در جلسه آتی جزو دستور شود.
رئیس - توضیحی دارید آقای نصرت الدوله - خیر توضیحی ندارم.
رئیس - آقایانی که این تقاضا را تصویب می‌کنند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد.
قانون سر باز گیری عمومی مطرح است.
مذاکرات راجع بکلیات است.
آقای دامغانی (اجازه)

کازرونی - قانون که وضع می‌شود نباید از نقطه نظر حسن ظن یا سوء ظن نسبت باشخاص باشد بنده عقیده دارم که بایستی عقیده خود را اظهار کنیم.
مثلا آقای مدرس (که مقام بنده نسبت ایشان معلوم و مسلم است) با این قانون موافقت بنده اگر بنا باشد بتبعیت ایشان عقیده خود را گمان کنم عقیده ام است که يك نوع خیانتی عقیده خودم کرده باشم قانون فرح‌دانه خوبست بهتر است از عدم زیاد در این باب صحبتی نخواهد شد.
مگر اینکه موضوع مکرر شود برای اینکه آقایانی که مخالف بودند دلایل خودشان را اقامه کردند و موافقین هم توضیحات خودشان را دادند و چیزی هم که قاطع است رای است.
حالا امروز از دستور خارج بشود و در خارج تبادل نظر اشود نمی‌دانم عملی خواهد بود یا نه.
مگر اینکه آقای مدرس پیشنهادشان را اصلاح فرمایند که برای جلسه بعد باشد بعد برای بگیرند.
مدرس - قبول می‌کنم.
رئیس - آقایانی که این تقاضا را تصویب می‌کنند قیام فرمایند.
بکنفر از نمایندگان - با اصلاح (عده کمی برخاستند)
رئیس - تصویب نشد.
نصرت الدوله - اجازه میفرمائید آقای مدرس خودشان تقاضای اصلاح کرده اند.
رئیس - اصلاحی پیشنهاد نرسید.
نصرت الدوله - بنده پیشنهاد می‌کنم (پیشنهادی تقدیم نمودند)
پیشنهاد آقای نصرت الدوله بشرح ذیل قرائت شد)
تقاضایم شده که لایحه امروز از دستور خارج و در جلسه آتی جزو دستور شود.
رئیس - توضیحی دارید آقای نصرت الدوله - خیر توضیحی ندارم.
رئیس - آقایانی که این تقاضا را تصویب می‌کنند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد.
قانون سر باز گیری عمومی مطرح است.
مذاکرات راجع بکلیات است.
آقای دامغانی (اجازه)

این بایستی بیکار هارا زیر اسلحه آورده کار دارها را ولی بطور عمومی اشخاصی که دارای مشاغل و کارند مجبور باشند زیر اسلحه بیایند و بالعکس مردم زیر اسلحه نروند خوب نیست و بنده متقدم بمقتضای حال امروزی مملکت ما که يك فقر عمومی در مملکت حکمفرما است نظام باید در اول طلب داشته باشد و بنده عقیده بنظام داوطلب دارم نه اجباری.

دولت عثمانی نظام اجباری داشت لیکن مراجعه کنید ببیتد انرانی که نظام اجباری برای دولت عثمانی گذاشت چه بود و چه نتیجه گرفتند این است عقاید من سالار لشکر مخیر کمیسیون نظام - البته آقایان محترم تصدیق می‌فرمائید که این قانون یکی از مهم‌ترین قوانینی است که بمجلس آمده و البته وضیعت روحی يك مملکتی را بکلی تغییر خواهد داد و بک قدم بزرگی است بطرف ارتقاء و تجدد و

طبقات عالی البته کسب اخلاق بهتری می‌کنند.
از آنطرف اشخاص بالاتر و ناز پرورده در ثروت در آنجا بشقت و زحمتی که طبقه رنجبر دارند آشنا میشوند اینها که با هم مزوج شدند از آنها يك جامعه تولید می‌شود که حس میکند مملکت چیست؟ وطن چیست؟ و بالاخره خودش را در موقعش برای جهاد دفاع می‌باید کند.

کرده‌اند.
اساس این قضیه در موقعی بود که ایلون بادولت پیروس مجنگید و پس از شکستی که با آنها در دنیا داد قشون دولت پیروس را معدوم کردند به هشتاد هزار نفر که دولت پیروس حق نگاهداری بیش از هشتاد هزار نفر نظامی نداشته باشد.
آنها این ترتیب را مجرمانه اتخاذ کردند که پس از سه چهار سال که مجدداً جنگ شروع شد بجای هشتاد هزار نفر سیصد هزار نفر خیر کردند.
پس از آن در اغلب ممالک دنیا بجز ممالکی که مثل امریکا احتیاج زیاد بدربار و کشتی دارند.
در سایر ممالک متمدنه این ترتیب اتخاذ شده است.
بجز ممالک مغلوب که می‌گویند یاد دهن از فلان حد نباید قشون داشته باشند والا مملکت مستقلی که روی پای خودش می‌داشته باشد.
خواهد زندگی کند باید قشون اجباری داشته باشد.
باید افراد تحت سلاح بروند و صرفه‌ای ترتیب این است که وقتی ما پنجاه هزار نفر تحت سلاح داشته باشیم.
در موقع لزوم با این ترتیب ذخیره دارای صد و پنجاه و دو سوست هزار بشویم و فعلا هیچ دولتی نیست که امروز ترتیب داوطلبی یا طریق دیگری را اتخاذ کرده باشد.
فقط دولت انگلیس قبل از جنگ بترتیب داوطلبی بود و این ترتیب برای این بود که احتیاج او بقشون بری خیلی کم است و مملکتی است بحری و در موقع جنگ بین الملل آقایان مطلع هستند که قشون اجباری را داخل مملکت خودشان کردند و بواسطه همان قشون اجباری بود که فتح هم کردند و هم فتح آنها بتأخیر افتاد.
نظام اجباری مستثنائی که برای این دولت دارد این است که ارزشان تمام می‌شود و پس از آنکه برای دولت ارزشان تمام شد آنوقت يك طبقه‌ای از جمعیت تولید میشود و بطوری که در قانون ملاحظه می‌فرمائید طبقات مقدم و ذخیره‌تالی و یاسیان ولی در اصول داوطلبی يك آدمی که از يك جانی بیاید و معلوم نباشد که اخلاق او چطور است این شخص چهار پنج سال خدمت میکند و زحمات دولت و مخارج دولت نسبت باین آدم بهتر و پرود و در موقع لزوم بدرود بخورد ولی با ترتیب نظام اجباری بترتیبی که تمام ملل دنیا آنرا اتخاذ کردند خیلی منافع دارد.
حالا متذکر میشوم که کی آنرا اتخاذ

(همه) بین نمایندگان - صدای زنک (رئیس)
کازرونی - بنده عقیده ام این است که باید نظام داوطلب باشد زیرا نتیجه اش این می‌شود مردم بیکاری که حاضرند منحصراً برای يك لقمه نان يك مشغول بمانند برای خودشان تحصیل نمایند مشاغل کاری شوند و بالعکس اشخاصی که دارای مشغول کاری هستند از شغل خودشان باز نمی‌مانند و اگر غیر از این باشد بنده عقیده ام این است همانطوری که دولت عثمانی نتیجه خوبی نگرفت ما هم نتیجه خوب نخواهیم گرفت.
يك قدری دقت کنید ببینید این نظام اجباری که همیشه يك قسمت از مملکت را بحال تزلزل می‌اندازد و با این و حقیقت امر و بی هیچ علمه بزرگت و فلاح و اقتصاد تجارت وارد می‌آورد یا نه؟؟
زیرا قبل از همه چیز خواهش منم در نظر بگیریم و رفقاً در نظر بگیرند نظام باید کاملاً مطابق احکام و قوانین شرع که يك قانون معین و مشخصی دارد باشد دو مورد دارد باشد یا جهادات یا دفاع - دفاع فرض ذمه تمام افراد مردم است بطور وجوب کفائی که از مالشان و جانشان و تمام حیثیتشان از وطن و دین خودشان دفاع و مدافعه بشایند و این بکترتیبی دارد معین.
یا این است که جهادات از روی يك شرایط معین در موقعش باید اشخاص معین زیر اسلحه بروند و بنده با موافق هستم.
یا این است که ما بایستی اگر امروز مقتضی ندیدم که بنام معنی آن قانون را در موقع عمل بگذاریم ملاحظه کنیم به بینیم بهترین دول عالم چطور معامله می‌کنند ما هم از امور آنها تبعیت کنیم یکی از دولی که در امور مملکتی خیلی خوب کار می‌کنند و در مملکت داری قابل است انگلیس است نظام اجباری ندارد زاین است که مترقی است و هم متقدم و هم متجدد است و نظام اجباری ندارد.
یکی امریکا است که نظام اجباری ندارد و بالاخره بسیاری از دول متمدنه است که نظام اجباری ندارد

دخول در عداد ملل حبه رای اینکه ملل حبه مللی هستند که همیشه از حقوق خود بتوانند دفاع کنند و در رشته دولی محسوب شود که افراد در حفظ مملکت شرکت می‌کنند.
حالا مسائلی را که آقای کازرونی فرمودند بکلی یکی جواب می‌دهم و آن‌ها را رد می‌کنم.
اولا ایشان نسبت باخلاق فرمودند و فرمودند پس از آنکه يك عده داخل شدند باید دید اخلاق آنها چه میشود در این جا يك دورو تسلسلی است هم باید مشاهده کرد که برای دخول در نظام چه اشخاصی لازم است و هم باید دید از آنجا پاچه اخلاقی بیرون می‌آید.
مسئله دیگری که آقای کازرونی فرمودند اصول داوطلبی بود که فرمودند اشخاص بیکار و اشخاصی که هیچ نمی‌توانند از عهده معاش خود برآیند آنها بردند و داوطلب در يك عده قشونی باشند که برای اخذ يك وجوهاتی داوطلب میشوند نه برای خدمت نظامی یا دفاع از مملکت و بالاخره اصول داوطلبی این قانون را متزلزل میکند.
برای اینکه در چند سال اخیر بر ما ثابت شده که چیزی است برای اینکه ژاندارم را بطور داوطلب میگردند بیکار و قزاق هم داوطلب بود و بالاخره بعد از يك مدتی بترتیب نتیجه مراجعه شد معایب داوطلب این است اشخاصی که می‌روند آنجا و داوطلب بشوند البته اخلاقی خوبی ندارند.
ولی وقتی که جامعه مردم برای خدمت سر بازی حاضر شدند آن وقت از تمام خوش اخلاق‌های مملکت و اشخاص صحیح می‌روند در تحت بیعت دولت و در آنجا مشغول خدمت میشوند و در آنجا البته اخلاقیاتشان از هر حیث بهتر میشود.
اولا تساوی که از حیث طبقات پیدا میشود یعنی در نظام اجباری طبقات ممتاز و وهالی و رنجبر و رعایا تمام در يك مقصد دوش بدوش سر میکنند و ترتیب میشود و همه آنها همدیگر را خواهند شناخت و خواهند دید که با هم چه تفاوتی دارند و اشخاصی که از طبقه یائین هستند با ما مشاغل

و اینکه مخیر فرمودند شرعاً دفاع یا جهاد لازم است چون خود آقای کازرونی جزء مجاهدین بودند می‌دانند که اگر کسی قبل از وقت عادت بتفنگ یا توب انداختن نداشته باشد چطور می‌تواند در مقال يك عسا کر منظمه جهاد کند و معین اصول سر باز گیری عمومی اساساً از روی شرع بوده و خود مردم باید بالعالم حاضر شوند.
لهذا هم از حیث اخلاق و هم از حیث بنده تصور میکنم که بهترین مسائل مسئله نظام اجباری است.
حالا آدمیم سر منافع باید دید که برای ملت چه منافع می‌دارد و برای دولت چه منافی دارد.
آنچه منافع که راجع بملت بوده مختصراً حالا بآئیم بر سر منافع دولت.
آقای کازرونی در ضمن بیانانشان از ژاپون و امریکا صحبت فرمودند که نظام اجباری ندارند.
بنده اگر چه نمی‌خواهم با آقایان تصدیق بدهم.
ولی اگر بتاریخ مراجعه کنید ملاحظه خواهید کرد آنچه که دولت ژاپن است اگر نظام اجباری نداشت باین درجه ارتقاء و عظمت نمی‌رسید و در آن مملکت این مسئله کاملاً جاری است.
نظام اجباری مستثنائی که برای این دولت دارد این است که ارزشان تمام می‌شود و پس از آنکه برای دولت ارزشان تمام شد آنوقت يك طبقه‌ای از جمعیت تولید میشود و بطوری که در قانون ملاحظه می‌فرمائید طبقات مقدم و ذخیره‌تالی و یاسیان ولی در اصول داوطلبی يك آدمی که از يك جانی بیاید و معلوم نباشد که اخلاق او چطور است این شخص چهار پنج سال خدمت میکند و زحمات دولت و مخارج دولت نسبت باین آدم بهتر و پرود و در موقع لزوم بدرود بخورد ولی با ترتیب نظام اجباری بترتیبی که تمام ملل دنیا آنرا اتخاذ کردند خیلی منافع دارد.
حالا متذکر میشوم که کی آنرا اتخاذ

کافی است.
رئیس - آقای طهرانی (اجازه)
آقای شیخ محمد علی طهرانی - بنده با این ماده مواده بعد در دو مخالفم و فلسفه مخالفتم دو امر است.
يك امر این است که این اصول غریب نوازی که در مملکت ما پیش آمده است يك مقدمه ای است برای اینکه بکنده زیادی مستخدم که ما از خارج آورده‌ایم وقتی که دیدند ما يك موضوعی را برای یکی گذرانند این فتح باب می‌شود و يك راهی پیدا میکنند.
مستخدمین غیر بلژیکی هم از هر ملتی که باشند آنها هم همین تقاضا دارند تا با ما مگر مستخدمین خارجی همه غایب بودند که مستخدمین بلژیکی حتماً باید برایشان خانه تهیه بشود؟ مستخدمین ایرانی را هم که از امر کر ماموریت میدهند بروند بيك جایی حقوقشان را هم نمی‌دهند که بروند بی‌عمل برسند چه فرق میکند اگر بنا بخدمت است آخر ما مستخدمین ایرانی کم داریم و باید برای آنها هم همین وجه منظور نظر باشد.
تا با ما بیایی که بیدامی کند اینست که سی نفر بملیت‌های دیگر در این مملکت هستند که مستخدمین ایرانی اند آنها هم فردا تقاضا آید باید به ما هم بدهید چطور با آنها اضافه دامه‌اید ما هم باید بدهید.
آخر ایرانی‌ها چه فرق با آنها دارند که باید گرسنه بمانند؟ شش ماه بشش ماه حقوق نگیرند معو شدند؟ ولی مستخدمین خارجی علاوه بر حقوق باید برایشان يك گزایه خانه هم تصویب کنیم.
وزیر مالیه - آقای تهران توجیه

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده فرمایشات آقای وزیر مالیه را تصدیق میکنم ولی آن روزی که می‌آیند کثرتات میشود تمام این جزئیات - لازمه منظور شده است

برای خانه‌شان و در شگه‌شان تمام اینها منظور شده است

دیگر هم هر روز لایحه بیآورند با این وضع بودجه مملکت ایران بنده صلاح نمیدانم حالا اگر اکثریت آقایان صلاح می‌دانند بنده مربوط نیست و با این کسر بودجه بیست و هفت هزار تومان بعنوان اندامیته و چه وجه این حرفها را بنده مقتضی بودجه حاضر نمیدانم

مخیر - برای آقای يك اشتباهی حاصل شده است.
اینها را که کثرت کرده اند برای تهران کثرت کرده اند و قرائت نشده است که بروند بندرجز یا بوشهر و البته وقتی که می‌روند بپندر جز مکزتالی می‌خواهند و این اشکالی ندارد

رئیس - آقای مدرس پیشنهاد کرده اند از دستور خارج شود

مدرس - اگر چه بنظر اینطور می‌آید که شخص بنده بر بخورد ولی من از بین مستخدمین خارجی عقیده به بلژیکی‌ها دارم.
عقیده شخصیم این است چون ده دوازده سال است که در این شهر هستم و آنچه بین خبر رسیده است و تحقیق کرده‌ام اینها صادقانه باین مملکت خدمت کرده‌اند

ولی این لایحه چون با ذهن ما مسبوک نیست توی ذهن بعضی‌ها می‌زند آنها هم حق دارند لهذا تقاضا کردم از دستور امروز خارج شود و در خارج در اطراف آن مطالعه بشود یا اینها قانع بشوند یا آنها من مستخدمین بلژیکی را بهترین مگر که در این مملکت آمده

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقای شیخ محمد علی طهرانی - بنده با این ماده مواده بعد در دو مخالفم و فلسفه مخالفتم دو امر است.

يك امر این است که این اصول غریب نوازی که در مملکت ما پیش آمده است يك مقدمه ای است برای اینکه بکنده زیادی مستخدم که ما از خارج آورده‌ایم وقتی که دیدند ما يك موضوعی را برای یکی گذرانند این فتح باب می‌شود و يك راهی پیدا میکنند.

مستخدمین غیر بلژیکی هم از هر ملتی که باشند آنها هم همین تقاضا دارند تا با ما مگر مستخدمین خارجی همه غایب بودند که مستخدمین بلژیکی حتماً باید برایشان خانه تهیه بشود؟ مستخدمین ایرانی را هم که از امر کر ماموریت میدهند بروند بيك جایی حقوقشان را هم نمی‌دهند که بروند بی‌عمل برسند چه فرق میکند اگر بنا بخدمت است آخر ما مستخدمین ایرانی کم داریم و باید برای آنها هم همین وجه منظور نظر باشد.
تا با ما بیایی که بیدامی کند اینست که سی نفر بملیت‌های دیگر در این مملکت هستند که مستخدمین ایرانی اند آنها هم فردا تقاضا آید باید به ما هم بدهید چطور با آنها اضافه دامه‌اید ما هم باید بدهید.
آخر ایرانی‌ها چه فرق با آنها دارند که باید گرسنه بمانند؟ شش ماه بشش ماه حقوق نگیرند معو شدند؟ ولی مستخدمین خارجی علاوه بر حقوق باید برایشان يك گزایه خانه هم تصویب کنیم.
وزیر مالیه - آقای تهران توجیه

مدرس - قبول می‌کنم.
رئیس - آقایانی که این تقاضا را تصویب می‌کنند قیام فرمایند.
بکنفر از نمایندگان - با اصلاح (عده کمی برخاستند)
رئیس - تصویب نشد.
نصرت الدوله - اجازه میفرمائید آقای مدرس خودشان تقاضای اصلاح کرده اند.
رئیس - اصلاحی پیشنهاد نرسید.
نصرت الدوله - بنده پیشنهاد می‌کنم (پیشنهادی تقدیم نمودند)
پیشنهاد آقای نصرت الدوله بشرح ذیل قرائت شد)
تقاضایم شده که لایحه امروز از دستور خارج و در جلسه آتی جزو دستور شود.
رئیس - توضیحی دارید آقای نصرت الدوله - خیر توضیحی ندارم.
رئیس - آقایانی که این تقاضا را تصویب می‌کنند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد.
قانون سر باز گیری عمومی مطرح است.
مذاکرات راجع بکلیات است.
آقای دامغانی (اجازه)

نوشتن قانون سهل است و اشکالی ندارد لکن همانطوری که عرض کردم قبلاً باید زمینه‌اش را تهیه کرد.

بنده عقیده ام این است که ما بایستی اولاً در نظر بگیریم و رفقاً در نظر بگیرند نظام باید کاملاً مطابق احکام و قوانین شرع که يك قانون معین و مشخصی دارد باشد دو مورد دارد باشد یا جهادات یا دفاع - دفاع فرض ذمه تمام افراد مردم است بطور وجوب کفائی که از مالشان و جانشان و تمام حیثیتشان از وطن و دین خودشان دفاع و مدافعه بشایند و این بکترتیبی دارد معین.
یا این است که جهادات از روی يك شرایط معین در موقعش باید اشخاص معین زیر اسلحه بروند و بنده با موافق هستم.
یا این است که ما بایستی اگر امروز مقتضی ندیدم که بنام معنی آن قانون را در موقع عمل بگذاریم ملاحظه کنیم به بینیم بهترین دول عالم چطور معامله می‌کنند ما هم از امور آنها تبعیت کنیم یکی از دولی که در امور مملکتی خیلی خوب کار می‌کنند و در مملکت داری قابل است انگلیس است نظام اجباری ندارد زاین است که مترقی است و هم متقدم و هم متجدد است و نظام اجباری ندارد.
یکی امریکا است که نظام اجباری ندارد و بالاخره بسیاری از دول متمدنه است که نظام اجباری ندارد

مدرس - قبول می‌کنم.
رئیس - آقایانی که این تقاضا را تصویب می‌کنند قیام فرمایند.
بکنفر از نمایندگان - با اصلاح (عده کمی برخاستند)
رئیس - تصویب نشد.
نصرت الدوله - اجازه میفرمائید آقای مدرس خودشان تقاضای اصلاح کرده اند.
رئیس - اصلاحی پیشنهاد نرسید.
نصرت الدوله - بنده پیشنهاد می‌کنم (پیشنهادی تقدیم نمودند)
پیشنهاد آقای نصرت الدوله بشرح ذیل قرائت شد)
تقاضایم شده که لایحه امروز از دستور خارج و در جلسه آتی جزو دستور شود.
رئیس - توضیحی دارید آقای نصرت الدوله - خیر توضیحی ندارم.
رئیس - آقایانی که این تقاضا را تصویب می‌کنند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد.
قانون سر باز گیری عمومی مطرح است.
مذاکرات راجع بکلیات است.
آقای دامغانی (اجازه)